

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۶ صفحه  
**پیکار** ۹۱

سال دوم - دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۵۹ بهار ۳۰ ریال

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز!  
سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن را  
زیر پرچم سرخ کمونیستها  
هر چه باشکوهرتر برگزار کنیم

**حقیقت و واقعیه سفارت را  
چه کسی به توده‌ها گفت؟**

۹ صفحه

**پیام**

**پیام آیت الله خمینی:  
پیام عجز**

ساغانی پس از پایان گرفتن سناریوی عوام‌فریبانه "گروگان-گیری" جاسوسان آمریکا، پیام مهمی از سوی آیت الله خمینی خطاب به مردم، ارتش و نیروهای مسلح ما درگردد. اهمیت این پیام منته‌تنها در مضمون آن بلکه همچنین در شرایط و لحظاتی است که این پیام در می‌شود. مدور این پیام اندکی پس از خروج گروگانهای آمریکائی از ایران و در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم جمهوری اسلامی را مواجی از بحران اقتصادی و سیاسی فرا گرفته و بیش از هر موقع دیگر عجز در درماتندگی خود را از بر آوردن خواسته‌های اساسی توده‌ها به اثبات رسانده است. این پیام در شرایطی از سوی خمینی ما در می‌شود که نمایش مضحک و عوام‌فریبانه "فدا مبریا - لیست بودن" رژیم جمهوری اسلامی به پایان رسیده و خمینی و رژیم حاکم، در نگرانی و وحشت از افزایش نا رضایتی عمومی، با وج گیری مبارزات توده‌ای و سر نوشت حیات سیاسی خود هستند. این پیام که بیانگر ترس و وحشت رژیم از شدت یابی مبارزه طبقه‌ای و اوگیری جنبش توده‌ای است و بخش اول آن دستورالعملی است برای ارتش و سپاه پاسداران جهت سرکوب هر چه بیشتر جنبش توده‌ای و نیروهای بقیه در صفحه ۲

**کوس رسوائی خلخالی  
در فضای جمهوری اسلامی  
بصدا در آمد!**

۲۴ صفحه

یاد رفیق  
پیشمرگه  
پیکارگر شهید  
صادق بهمنی گرامی باد

۵ صفحه

**دو سیاست  
روبرویونیستها  
در قبال مجاهدین:  
در پیوستگی  
چاپلوسی و کینه‌توزی**

۱۱ صفحه

**نگاهی به تجارب یکسال ونیمه  
کانون شوراهای کارگری  
شرق تهران**

۴ صفحه

- در صفحات دکتر این شماره:
- من میهمان پیشمرگه‌ها بودم ۵ صفحه
  - فساد و فحشا در سپاه پاسداران نوشهر ۱۵ صفحه
  - "خط سوم": خطی بدنبال ارتجاع حاکم! ۱۳ صفحه
  - بیانیه گروه انقلاب بیون مارکسیست-لنینیست (پیکار خلق) ۲۵ صفحه

**کیفر خواست انقلاب  
علیه ضد انقلاب**

در این شماره:

**هاشمی رفسنجانی - دکتر یزدی**

۱۹ صفحه

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

بقیه از مقاله اول سر مقاله...

انقلابی، اما نکته اساسی و جوهر اصلی این سام که دقیقاً نظارت بر شرایط و موقعیت‌سازی حاکم بر جامعه دارد و رعایت رست از برخورد کاملاً عاقلانه و ملتزمانه‌خیمینی و رژیم حاکم رنبروه‌های انقلابی و اتخاذ سیاست عقب‌نشینی آنکسار از موضع‌تخاصمی گذشته! خمینی در قسمی از سام خود میگوید:

"این جانب به حسب وظیفه اسلامی و اخلاقی به گروه‌های داخل کشور اعم از رهبران و کردستان و سایرین و حتی ایران در هر نقطه که هستند در آن توصیه می‌کنم که به آغوش اسلام و ملت مسلمان سرگردند و سلاح‌های خود را کنار بگذارند و برادران و خواهران خود را شناسند، در این صورت این - جانب همه آنان تا من می‌دهم که ما می‌خواهیم با صلح و وفا در این سید هجکس مزاحمتها نخواهد شد، هر چیز بهتر از این است که در محیط صلح و وفا بر قشرهای ملت درباراً از سوی کشور عزیزمان که در شرکت‌های طولانی رژیم منحل پهلوی (رژیم جمهوری اسلامی چطور؟ - پیکار) به خرابی کشیده است با کار و کوشش اقدام نماید و بیدار شود تا آفت و آسایش و کروهایی با زی‌خورده تحت تاثیر بعضی متحرکین و قبیح شده و کار شکنی کنند... چه بهتر از امروز که درهای رحمت‌نارند بزرگ بر روی شما باز است... (که تنها دونه‌نمان محاصره اقتضای کردستان و جلویگیری از ورود مواد غذایی به شهرها و کشتار و قتل عام زنان، کودکان و سربازان روستاهای کردستان نظیر لانا، ایندرفا، بن و... میباید پیکار) بیخوف فرموده ملت بیبویند و درین راه اسلام بوده‌خاطر سزندگی شرافتمندانه خود را بدهید." (کیهان اول بهمن ۵۹).

هرگز اندک توجهی به نکات بالا ننماید، بخوبی در مییابید که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی تا چه حد در برابر بحران اقتصادی و سیاسی جامعه و فشار جنبش‌شده‌ای و تضادهای درونی هیات حاکمه دچار ضعف و استیصال هستند، تا آنجا که به گروه‌های انقلابی "بدرانه" توصیه میکنند سلاح‌های خود را کنار بگذارند و رژیم جمهوری اسلامی کنار بیایند! از زمان قیام مدنی و در کنار رسیاست عمومی سرکوب، رژیم جمهوری اسلامی تنها یکبار ردیکر و آنهم از سبب مفتضحاتنا رتس و سپاه‌سازان در جریان جنگ اول کردستان، به چنین شکلی در برابر فشار جنبش‌شده‌ای از خود عاجز و درماندگی نشان میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که در طول این دو سال، هرگونه مقاومت و حرکت انقلابی را در تمامی نقاط ایران بشدت سرکوب کرده است، هم‌اکنون که بیش از هر زمان دیگر در برابر نا رضایتی عمومی و مبارزات او جگر سوزنده‌ها قرار گرفته

حی از "صلح و وفا" و "رندگی را می‌بندانه" میگوید و خواهان باز شدن درهای اصطلاح رحمت بر روی گروه‌های انقلابی می‌گردد.

در آنکسما می‌ان حمله برادرها از سوی آیت‌الله‌خسی دروغی بس شینت و مسمر دا موکلس رژیم جمهوری اسلامی همچنان بر سر بوده‌های زخمیکس ما آویخته خواهد ماند، کوچکترین نزدیکی نمیتوان داشت و اینرا کارگران و رزمندگان و خلق‌های نجس‌ما با بوس و کوش خود در طول این دو سال لمس کرده - اند و ما سرنگان متدرج در همس‌سام احسر خمینی نیز آنکا که ما همداروا حطار به‌نوده‌ها آرآن‌ان سخوا هده که دست‌ار با حطاکتند و این آرنش و سپاه‌سازان را سر و قسا ن خواهد فرساده، حطکی در تا شده‌مین ساله است، اما هما نظور که ما راه کردیم، نکته بر حسته این پیام نه‌نا کند روی ما له سرکوب، بلکه بر روی جنبه عوا مفرسنا نه صلح و شازش و اصطلاح کنار آمدن با رژیم جمهوری اسلامی است. و این نسبت مکر در نتیجه‌اعلان انقلابی جنس‌نوده‌ها و ضعف و ناتوانی و عدم مکان رژیم به نسبت مسدورت خود سرکوب متحرک جنس‌نوده‌ای.

ما در گذشته و بی‌وزیر دهرفته‌های اخیر از این مساله سخن گفتیم و با تحلیل ارتباط جامعه و وضعیت قدرت‌ساز و صلح جنس‌نوده‌ای، توضیح دادیم که این جنس‌نوده‌ای در منتهی از اعلا انقلابی بسر می‌برد و هر روز که میگذرد توده‌های وسیعی از کارگران و زحمتکشان و نوده‌های خلق ما را فروریختن توهمان بستت به رژیم جمهوری اسلامی، آرآن‌ان کشته می‌سوند و این بشو به خود رشو گسترش با رهم بیشتر جنس‌نوده‌ای را از یکسو و ضعف و ناتوانی رژیم را از سوی دیگر بدنیا ل خواهد داشت. هم‌اکنون پیام اول دیماه خمینی و آنچه که در بالا آرآن‌ان با ذکر دیم، مهر ناشیدی است بر صحت نظرات گذشته ما و تا کبده مجددی است بر نا توانی و درماندگی رژیم جمهوری اسلامی از دست‌یابی به تمرکز قدرت سیاسی و امکان سرکوب متحرک و همه‌جانبه جنس‌نوده‌ای.

پیام اخیر خمینی در عین حال و علی‌رغم تمامی رجزخوا‌نیه‌ها و دستورالعمل‌هایش به ارتس و سپاه‌سازان دربار سرکوب جنبش‌نوده‌ای و انقلابی، حقانیت تا کتیک تعرضی ما را نیز در عرصه‌های مختلف جنبش‌نشان داد و ثابت نمود که در شرایط اعلا انقلابی هرگونه حرکت تعرضی و نیا حمی، همانند آنچه در اول اردیبهشت ۲۳ دما هدر ارتباط با مسئله دانسکا هوجس‌انقلابی دانسحویی صورت گرفت دس‌س را بکا گامه عقب‌رانده و متقلا جنبش‌نوده‌ای و انقلابی را با نشات سنتری به پیش میراند.

سازمان ما با حرکت از تحلیل فوق و با

اعتماد کامل به ضرورت درس گرفتن تا کسک تعرضی و با درس‌آموزی از تحارب راهبما نشی ۲۳ دما ه، بر آن است تا بهما ه دیگر نشروهای کمونیستی، دوسم لاکرد قبا م را با سرکزاری نظا هراب و راهبما نشی در شهران و شهریتا نیا هر چه با شکو هتر بر کزا ر کند، این راهبما نشی نشا بشت در برف نشروهای کمونیستی در برابر صفار سحاع و شما می نشروهای روزیونبسنی و صدا انقلابی و مست محکمی است برده‌ان یا وه - کویا و روزیونبسنیهای رنکار رنگ‌نوده‌ای، اکثریتی و سه‌جانبی و کامی است در جهت مطرح‌ساحس‌الشریا نیوکومونبسنی و خط سرج سرولنا ریا نشی.

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز! سالگرد قبا م خونین ۲۲ بهمن را زیر پرچم سرح کمونیست‌ها هر چه با شکو هتر بر کزا رکنیم.

ملاقات مجدد  
"اکثریتی" های خائن با  
"سختگوی دولت"

در ماه گذشته، فرخ نگهدار و علی کشتگر از سرکردگان روزیونبسنیای مرتد "اکثریت" در ادامه آستانوشی شان در "بارگاه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برای اثبات چاکریشان نسبت به جناح ارتجاعی "حزب جمهوری اسلامی" و مذاکره در مورد "ما موریست‌های" احتمالی (!؟) در منزل سزادنیوی سختگوی دولت رجا نشی مرتجع بعدت چندین ساعت با وی ملاقات میکنند روزیونبسنی‌ها از جمله با گدائی از ارتجاع فصد دریا فتا از فعالیتهای سیاسی "فانونی" را دارند و از قرار معلوم برای انشأ رنشریه‌ای علمی با رژیم به توافق رسیده‌اند. بهزادنیوی از "اکثریتی" های خائن برینامه اقتصادی خواسته و روزیونبسنی‌های "اکثریت" ضمن پیشنهادها درینامه شان خواهان اجرای طرح ۶ ماده‌ای در کردستان (منظور طرح ۶ ماده‌ای خائسانه مشترک با حزب دمکرات برای زیرباف گداختن منافع خلق کرد میباشند). (گردیده‌اند که نسوی مرتجع پاسخ داده تا قطع و قطع "کامل گروه‌ها (بخوانند خلق قهرمان کردوسا زمانهای انقلابی) هیچ طرح و برنامهای در آنجا اجرا نخواهند (زهی خیال ماطل!).

روزیونبسنی‌های مرتد "اکثریت" خیلی زود تجارب ارتجاعی "حزب توده" را در خائنانه متافع زحمتکشان و انقلاب‌نوده‌ها یا دگر فته و بکار می‌بندند، آنان دشمنان قسم‌خورده خلق‌های زحمتکش هستند و با بدافشا و طرد گردند.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# جنبش کارگری



## اخبار کوتاه کارگری

### بابلسر:

روز ۵۹/۱۰/۱۵ کارگران کاخ نه فیلسر با بلسر برای دریافت مساعده خود اجتماع کردند.

کارفرما طبق معمول جنگ را بهانه کرده و از سریدن مواد اولیه صحبت میکند، اما کارگران که فشار روزافزون مخارج کمربند زندگی آنها را بستوه آورده بود، فریب او را نخوردند و مصرا نه حق خود را طلب کرده و کارفرما را تهدید نمودند که اگر مساعده شان را ندهند در کارخانه خواهند انداخته و از راه خروج به او راه نخواهند داد. بالاخره کارفرما مجبور میشود ۳۵ هزار تومان بودجه "دادگاه انقلاب" را به کارگران بابت مساعده بپردازد. لازم به تذکر است که از چند ماه پیش که مدیر خصوصی کارخانه خراج می-شود، مدیریت آن بدست "دادگاه انقلاب" افتد، که بعطت بی توجهی اینها کارخانه در آستانه تعطیلی قرار میگیرد و حتی در تاریخ ۱۰/۱/۵۹ کارخانه عملاً تعطیل میشود. اما مبارزه کارگران برای نجات از بیگانه شدن و دریافت حقوق و مزایای شان که کمترین آدامه دارد، تاکنون مانع تعطیلی کارخانه گردیده است.

### کنسرو سازی قائمشهر:

اخیراً مدیر عامل کارخانه مطرح کرده است که چون در گذشته بکارگران دانه می، زیاد می سود داده اند، در ماه جاری (دی ماه)، تعداد رند از حقوقشان کم کنند. بطوریکه از حقوق بعضی از کارگران تا ۳۰۰۰ تومان کسر میشود. این گفته موجب اعتراض کارگران میشود. آنها از مدیر عامل میخواستند که در جلسه عمومی برای پشیمان توضیح دهد ولی مدیر عامل از ترس کارگران به بهانه بیماری تاکنون از این عمل خودداری نموده است. کارگران هم تا بنده ای به تهران فرستاده اند تا در این مورد تحقیق کنند.

### دارو پخش تهران:

شماره جدید کارگران شیشه شوی ایسن کارخانه موجب گردیده بود که کارکنان رخصت بسته بندی عقب بیا افتند. این امر موجب گردید که مدیر تولید کارخانه اقدام به اخراج ۴ تن از کارگران زحمتکش شیشه شوی بنمایند. اما سایر کارگران با حمایت قاطع از برادران خود، گوشه ای از قدرت عظیم طبقه کارگر را به نمایش گذاشته و مدیر را وادار به عقب نشینی میکنند.

(بنقل از "پیکار روسا" نشریه کارگران تولیدی، رو، عبیدی، شیمیگو، دونا و آئی وی آی ۰۰۰)

## کارخانه بایر: چگونه رویزونیستهای اکثریت مبارزات کارگران را به سازش میکشاند؟

در دوتوبت هر با ریکما دستمزد کارگران تصمیم میگیرند بعتوان اعتراض از گرفتن ایسن مبلغ خودداری نمایند. اما کارفرما که از طریق عوامش از این تصمیم کارگران با خبر میشود بقیه در صفحه ۸

کارگران کارخانه بایر خواهان دریافت ۴ ماه سود ویژه هستند. اما مدیریت دولتی کارخانه با توسل به قوانین ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی، عنوان میکند که فقط ۲ ماه دستمزد بعنوان پاداش به کارگران خواهد داد. آنهم

## کم کردن حقوق کارگران به بهانه جنگ و مبارزه کارگران

### ● زیر آب:

میخواهند که حقوقشان را طلب نکنند. اما کارگران مبارزه موقع به فضای آنها و عوامفریبی های رژیم برداشته میکنند. در جنگ فرزندان ما کارگران و زحمتکشان کشته میشوند و مخارج جنگ را ما می پردازیم در حالیکه سرمایه داران کشته میشوند و نه زودشان کم میشود ما دیگر فریب این حرفها را نمیخوریم!

کارگران اعلام میکنند که اگر خواستهایشان را نپذیرند اعتماد نخواهند کرد. خواستهای کارگران عبارت بودند از: پرداخت ۱۲۰۰ تومان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به سود کارگران، گرفتن ۲۲ ساعت اضافه کاری و گرفتن حقوق دوروز برای پنجشنبه ها.

مهندسین رژیم که هشیاری و اتحاد کارگران را میبینند اظهار میکنند که کارهای نیستند. بنا بر این چندتن از نمایندگان کارگران به همراه ۱۰ نفر به تهران میآیند و سرانجام موفق میشوند دولت را وادار به عقب نشینی نمایند. ولی بعد از مدتی مدیر عامل مسئله حقوق دوروز در پنجشنبه ها را نمی پذیرد. اما کارگران همچنان یکپارچه روی خواست خود با فشار میکنند و مبارزه شان کمترین آدامه ندارد.

(ب) - لازم به تذکر است که اغلب کمکهای جنسی مردم به جنگزدگان توسط دولت به آنها فروخته میشود! سرنوشت کمکهای نقدی هم معلوم نیست که چه میشود!؟

در آغاز جنگ رژیم توانست با سوء استفاده از توهمات کارگران در عرض ۲۴ ساعت ۱۶ تن خواروباء و مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ تومان پول به نام کمک به آوارگان جنگ (ب) از کارگران جمع آوری کند. دو ماه بعد هم صندوقی برای کمک به جنگ زدگان گذاشتند که با زهر کارگر مبلخی در آن ریخت اخبار با زبانه جنگ اعلام کرده اند که دولت بودجه ندارد و بنا بر این از این به بعد مبلغ ۱۲۰۰ تومان از حقوق کارگران کم میشود. کارگران که کمکهای مذکور را از روی نوع دوستی میدادند و فکر میکردند که بدست مومنان جنگزده شان خواهد رسید، اینبار متوجه سوء استفاده دولت از احساسات نوع دوستانه شان شده و دهان به اعتراض گشودند. آنها همگی جمع شده و به رئیس معدن میگویند: اگر تا ۲۴ ساعت وضع ما را روشن نکنی در معدن راسته و مانع ورود تو و همکارانت به معدن میشویم. رئیس معدن که با خشم و یکپارچگی کارگران مواجه می-شود از آنها سه روز مهلت میخواهد. بعد از سه روز چهار مهندس از تهران می آیند (که یک نفرشان رئیس معدن کرمان میباشند که بعطت اعمال ضد کارگریش مورد حمله کارگران کرمان قرار گرفت و در این جریان محافظش کشته میشود. بعداً به تهران میآید و معاون مدیر عامل ذوب آهن - ایران میشود!)

این چهار نفر هم تصور که انتظار میرفت با صحبت از جنگ وضع بد مملکت و... از کارگران

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

# دریپهای جنینس کارگری



وابسته را بعهده میگیرد، رشد مبارزات کارگری را در مقابل منافع خود دیده و به انواع طرق در - مدد سرکوب و به انحراف کشاندن آن بر میاید حمله به تحصنیا و راهبیمایشیهای کارگران بیکار و ناغل و دستگیری و کشتار آن از یکسو و دادن به تبلیغات عوامی مغربانه مبنی بر "فسد انقلابی" خواندن کارگران مبارزونیروهیهای کمونیست و انقلابی از سوی دیگر، از جمله اعمال سرکوبگرانه و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی بود که در کنار سرکوب سائر توده های انقلابی صورت میگرفت.

مع ذلک کارگران به مبارزات خود ادامه داده و در زمینه ایجاد تشکیلات کارگری گامهای قابل توجهی برداشته اند، که علیرغم ضعفها و نارسائیها نشان تجاربی گرانها برای طبقه کارگران ایران به حساب میآیند. از جمله این تشکیلات، میتوان از "کانون شوراهای متحد"، سندیکای کارگران پروژه های آبادان، تشکلات "خانه کارگر" و "کانون شوراهای شرق تهران"، نام برد که بررسی چگونگی روند تشکیل هر یک و نقاط ضعف و قوت آنها بسیار لازم و با ارزش است. ما در اینجا سعی میکنیم به بررسی تجارب "کانون شوراهای شرق" بپردازیم:

## کانون شوراهای چیست و

### زمینه پیدایش آن کدامند؟

بعدها ز قیام موری کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، که کماکان ماهیتی سرمایه دارانه داشت به علت تداوم بحران اقتصادی جامعه، علیرغم توهمنها و دهها نسبت به رژیم که منجر به اافت نسبی مبارزاتشان گردید، مبارزات کارگران در اشکال مختلف ادامه یافت (اخراج کارفرمایان و بدست گرفتن کنترل بخشی از کارخانجات توسط کارگران، تظاهرات کارگران بیکار، ...). ولی رفته رفته این نمونه ها نیز مورد سرکوب قرار میگرفت و ضرورت اشکال نوین مبارزاتی و تغییر تشکلات کارگران بوجود آمده به همین دلیل سندیکاهایی بوجود آمده نام "شورا" بر روی آنها بود. اما از آنجا که این شوراها از دل مبارزات انقلابی توده ها برخاسته بودند عناصر مبارز و انقلابی را در خود جمع کرده بودند و لذا رژیم پاسدار سرمایه داری وابسته در مورد سرکوبی آنها و جایگزینی تشکلات دست نشانده خود بجای آنها برآمد. بنا بر این با تصویب قوانین ضد کارگری از یکسو و سرکوبی ارگانهای واقعی کارگری از سوی دیگر، رژیم تلاش نمود تا قصد خود را به مرحله اجرا درآورد، اما این یورش ارتجاع با مقاومت کارگران و فرورپاشی روز - افزون توهمنها نشان مواج گردید. مبارزات کارگران اگرچه غالباً اقتصادی بود، ولی کماکان ادامه یافت. این مبارزات اشکال نوینی از تشکلات طبقه کارگری می طلبید، که از جمله آنها اتحادیه های کارگری (کانون شوراها) بود.

## نگاهی به تجارب یکساله و نیمهٔ کانون شوراهای کارگری شرق تهران (۱)

سرکوب توت رژیم سلطنتی وارد آمد، اما مدتها دست کارگران در زمان رژیم شاه، غالباً از تشکلات صنفی - سیاسی خود محروم بودند. اغلب سندیکاهای اتحادیه های آن زمان، تشکلات زرد و فرمایشی ساخته و پرداخته ساواک بودند، گرچه نیاز به تشکیلات واقعی روز بروز بیشتر احساس میشد ولی وجود تشکلات ضد کارگری زمینه بسی - اعتمادی کارگران را نسبت به تشکلات کارگری بوجود آورده بود. این امر به پراکنندگی طبقه کارگردان من زده و سمورت مانعی در مقابل حرکت آگاهان کارگران در میآید.

اعتدالی انقلابی و بعد از آن بوجود آمدن موقعیت انقلابی در جامعه، تا تئوریزاسیون بر روی جنبش کارگری میگذارد. تشکلات مختلف کارگری یکی پس از دیگری در عرصه مبارزه شکل میگیرند و رهبری مبارزات توده های کارگران بدوش میکشند، اما نبود سازمانی از انقلابیون کمونیست که رابطه تنگاتنگی با طبقه کارگر داشته باشد و در جریان مبارزه آبدیده شده و رهبری مبارزات را بر عهده بگیرد، یعنی توان عمل تعیین کننده و همچنین کم تجربگی و جوانی طبقه کارگر، مانع از آن میگردد که مهر رهبری این طبقه بر پیشانی انقلاب خورده شود. اما بهر حال دوران انقلابی مذکور، دوران شکوفایی جنبش کارگری و دوران رشد سازمانهای کارگری بود، توده های کارگران شور و شوق از تشکلات کارگری استقبال میکنند و پیشرو طبقه نیز به سازمانهای سیاسی جذب میشوند، که این امر بنوعی خود در تقویت تشکلات توده ای کارگری موثر واقع میشود چرا که عنصر آگاهی تاحدودی در این تشکلات وارد میشود.

کارگران که طبقه سرمایه دار را متزلزل و زخم خورده می بینند دست به تظاهرات و تفرقه بر علیه آنها میزنند و امتیازاتی کسب میکنند در برخی از کارخانجات کارگران کارفرمایان را از کارخانه اخراج کرده و خود به اعمال نظارت و کنترل کارگری میپردازند. وجود سرمایه و ضد سرمایه را در تشدید میشود و اوچ خود را در تظاهرات با شکوه اول ماه مه سال ۵۸ به نمایش میگذارد. رژیم جدید که وظیفه پاسداری و تحکیم سرمایه داری

"کارگر به تنهایی نمیتواند در مقابل سرمایه داران که ماشین را بکار میگیرد، بیدفاع است. کارگر با ید به هر قیمتی که شده است و سائل مقاومت در برابر سرمایه داران را بیادنا از خود دفاع کند، او این وسیله را در سازمان مییابد. او به تنهایی نمیتواند است. کارگر و قتی که با رفقا پیش سازمان یافت قدرتی میشود و قسا در است که با سرمایه داران ربه نبرد ببرد از دوره مقابل حمله و مقاومت کند." (لنین - اتحادیه های کارگری).

رشد سرمایه داری در ایران و غلبه مناسبات سرمایه داری وابسته بعنوان مناسبات حاکم برجای آمده، بعد از فرم امپریالیستی شاه در سال ۴۱، موجب رشد طبقه کارگران ایران گردید. دهقانان و ورشکسته و بی زمین بسوی شهرها روان گشته و مبدل به سپاه ذخیره کارگردیدند. سرمایه های امپریالیستی به کشور سرازیر شده و به همراه سرمایه های داخلی در صدد استفاده هر چه بیشتر از این نیروی عظیم کارگران، برآمدند کسب مافوق سودهای کلان امپریالیستی از یکطرف و تجار بی حساب منابع زیرزمینی کشور (بخصوص نفت) از طرف دیگر، لزوم برقراری یک حکومت سرکوبگر و خشن را برای امپریالیستها بیشتر می نمود. بدین لحاظ موجودیت رژیمهای چون رژیم شاه خائن و دیکتاتور عربی نش از ویژگیهای دوران رشد سرمایه داری در ایران است. این امر مانع بزرگی بر سر راه آگاهی و تشکلات طبقه کارگران ایران ایجاد نمود. علاوه بر این ریشه دهقانی داشتن اغلب کارگران و بیعبارت دیگر جوانی طبقه کارگر که از لحاظ کمی رشد چشمگیری داشت، نیز مانع هماهنگی این رشد با تشکلات و آگاهی این طبقه بود. حال اگر در کنار این عوامل ضعف شدید و انحرافات حاکم بر جنبش کمونیستی ایران را نیز اضافه کنیم علل مبارزات خود بخودی طبقه کارگران در طول سالهای اخیر، بهتر در خواهم یافت.

مع ذلک مبارزات کارگران چه در دوران اختناق رژیم شاه که عمدتاً بصورت صنفی بوده و به سرکوبی آن منتهی میگردد، و چه در دوران طوفانهای انقلابی اخیر که ضربات زیادی بر

# خلق ها و مسئله ملی



## یاد رفیق پیشمرگه پیکارگر شهید صادق بهمنی گرامی باد

اطلاع یافتیم که پیکارگر دلیر پیشمرگه قهرمان رفیق صادق بهمنی در کامیاران بشهادت رسیده است. ما ضمن گرامیداشت خاطر رفیق صادق، مشروح زندگی پرافتخار و رشاد را زمبارزه و جریانشهادتش را متعاقبا به اطلاع خواهیم رساند. درود بر شما می شهدای جنبش مقاومت خلق کرد!

## خاطره تحصن یک ماهه مردم دلاور سنندج پر شکوه باد

۱۱ دی ماه سال، اولین سالگرد تحصن تاریخی مردم دلاور سنندج است. سال پیش در چنین روزی پاسداران ارتجاع مستقر در باشگاه افسران سنندج در ادامه اعمال فدمردمی خود و خشمگین از نفرت توده ها نسبت به خود و حضور پیشمرگان در شهر، بدون دلیل و بهانه دست به تیراندازی بطرف مردم شهر زدند و چهار نفر را بشهادت رساندند و باعث مجروح شدن عسدهای دیگر گردیدند. این عمل وحشیانه چنان خشم و نفرتی در میان مردم شهر بوجود آورد که از فردای آنروز تمام منازعه ها و ادوات شهر تعطیل شد و مردم به تحصن در استان داری دست زدند. آنها خواهان خروج پاسداران جنایتکار از شهر بودند. به این ترتیب اعتبار عمومی تمام شهر را فرا گرفت. تحصن و اعتبار عمومی مردم دلاور سنندج علیرغم تمام تلاشهای مذبوحانه ارتجاع حاکم برای به شکست کشاندن آن یکماهه پایداری نمود و بالاخره نیز با موفقیت آنها

پایان پذیرفت. این بیروزی مشت محکمی بر سردهان ارتجاع حاکم و بیباک نگر قدرت لایزال توده ها بود. مردم مصمم سنندج در این تحصن و اعتبار عمومی آبدیده شدند و یکباردیگر قدرت و عزمت آهنگین خویش را در ادامه مبارزه و مقاومت پر شکوه اردیبهشت در مقابل سرکوبگران ضد خلق نشان دادند. اکنون سنندج بعد از تقدیم صدها شهید و مجروح در راه پیروزی جنبش مقاومت در زیر چکمه مزدوران رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی همچنان به مقاومت و مبارزه خود ادامه میدهند. ما ضمن بزرگداشت اولین سالگرد تحصن پر شکوه مردم سنندج در سال گذشته خاطر تمام شهدای این شهر دلاور پرور را گرامی میداریم و مطمئنیم که مردم قهرمان این شهر یکباردیگر عزم و اراده بولادین خویش را در مبارزه علیه ارتجاع حاکم نشان خواهند داد. دوستندج را به گورستان مزدوران آن تبدیل خواهند نمود. (پیکارگر درستان شماره ۵)

## عملیات نظامی پیشمرگان انقلابی پیکار

۵۹/۱۰/۱۶ - یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار (دسته شهید تیمور) در پی چند روز کمین گذاری درجا ده سقز - با نه موفق شدن در یک ستون شامل ۷ کامیون ارتشی را که از سقز بطرف با نه حرکت مینمود به کمین بیاندازند. اولین کامیون زایل که با نارنجک انداز و سلاح های سبک مورد حمله قرار گرفت از کار افتاد و تمام سرنشینان آن کشته و زخمی گردیدند. درگیری با نیروهای ارتشی و پاسداران از یک ساعت ادامه داشت و پیشمرگان موفق شدند ضربات دیگری بر نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی وارد آورند. بطوریکه ستون مجبور به بازگشت به سقز گردید. در این حمله بیش از ۹ نفر از افراد ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع کشته و زخمی گردیدند. تمامی پیشمرگان به سلامت به پایگاههای خود بازگشتند و در مسیر عبور خود مورد استقبال توده های زحمتکش روستای قرا گرفتند.

### ● مهیاد

۵۹/۱۰/۲۰ - عصر این روز یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار به شهر مهاجمان را در شدند. پیشمرگان بیش از یک ساعت در یکی از مناطق شهر دست به تبلیغ و افشاکری زدند که با استقبال اهالی منطقه روبرو شدند. پیشمرگان با هیت رژیم و عملکردهای مشخص آنرا در شهر مهاجمان افشا نموده و پیرامون ما هیت ارتجاعی هر دو جناح هیات حاکمه و علل اختلافات آنها توضیحاتی دادند. سپس پیشمرگان قهرمان حدود ساعت ۹/۳۰ شب به مقرسپاه پاسداران و جانشینات حمله نموده و با نارنجک انداز و سلاحهای سبک

## من میهمان پیشمرگه ها بودم

خاطرات یک ارتشی، از دستگیری و اقامتش در کنار پیشمرگه های کومله

ولی پیشمرگه ها آنها را به خونسردی دعوت می کردند و میگفتند "جنگ ما با یدمثل خودمان مقدس باشد". بعد از چند ساعت درجای دیگری، در دفتر کومله بودم. به گذشته و حال خود فکر میکردم. میگفتم "تمام رنج ها را باید ما فقیر بیچاره ها تحمل کنیم". به حال آرام گرفتیم و وضع برایم کمی عادی شد. به علت کمی جا و لگدها و چاقو - کتان ... را به اطاق ما میاوردند. با آنها به مهربانی صحبت میکردند و راهنمایی شان می کردند. دعوایشان را حل و فصل میکردند و این برای من تازگی داشت. احساس کردم که این "سازمان" در بین مردم خیلی جا دارد. جای من هم مشخص شد و مقررات محلی را هم برایم توضیح دادند. در یک دره مستقر شدیم و درحالی که مگان نشان

درا و خرفورودین ماه سال سعدا زاینکه ارتش بیبانه "دفاع" از مرزها، کردستان را مورد تهاجم قرار داد ما را نیز با بوق و کرنا برای "مبارزه با فساد انقلاب" و "جنگ با کفار" و "عملیات بعث عراق" روانه کردستان کردند. اغلب سربازان و درجه داران حاضر به کشتار خلق گردیدند. فرماندهان دستور حمله به شهر را میدادند و بسا تهدیدخواست خود را عملی میساختند. شاه بود که درجه داری را که حاضر به تیراندازی نبود در برابر چشمان وحشت زده ما با سلاح کمتری کشتند اما من سرنوشت دیگری داشتم. به دست پیشمرگان "کومله" دستگیر شد و دفترچه خاطراتم بگونه ای دیگر ورق خورد. هنگام انتقال به پایگاه پیشمرگه ها، از شهر ... گذر کردیم چهره های خشمگین مردم را دیدم که با نتقام کشتار عزیزان نشان بدست ارتش میخواستند به من حمله کنند

بقیه در صفحه ۶

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست





### خلق ها و مسئله ملی

#### ● مریوان

۵۹/۱۰/۴ - دودسته از پیشمرگان سازمان پیکا ربا خمپاره سلاحهای سبک به پایگا نیرو- های دشمن در "تیز تیز" حمله نمودند.

نیروهای ضدخلقی در پی این ضربه پیشمرگان قهرمان، درحالی که وحشتزده شده بودند، بدون هدف مشخص مناطق اطراف را با سلاحهای سنگین کوبیدند.

#### ● سنقر

۵۹/۱۰/۹ - ستونی از نیروهای سرکوبگر متشکل از ۷۰۰ کامیون ارتشی و یک آمولانس که بوسیله ۲ هلیکوپتر اسکورت میگرددیدند به روستاهای "کوندلان" و "مرخوز" و... در اطراف سنقر بوش آوردند. این ستون که با سلاح قصد "پاکسازی" داشت دوش از روستایان زحمتکش آبادی "مرخوز" را به اسارت گرفت. پیشمرگان پیکا رکه در منطقه مستقر میباشند به محض شنیدن خبر حمله نیروهای رژیم به روستاها بطرف منطقه استقرار این نیروها حرکت نمودند و در روستاهای بین راه مورد استقبال وسیع توده ها قرار گرفتند. اما نیروهای سرکوبگر رژیم قبیل از رسیدن پیشمرگان به منطقه روستاها را ترک نموده و به پایگا های خود عقب نشینی نموده بودند.

در این جریان روحیه مبارزاتی مردم بسیار خوب بود. زنان روستائی همان شب به بختن نان برداختند، تا در صورت درگیری، مواد غذایی به پیشمرگان برسانند. این امر نشان دهنده پیوندناگسستی توده های زحمتکش با پیشمرگان انقلابی میباشد.

(پیکا رکردستان شماره ۵)

### حمله پیشمرگان کومه له به مقر پاسداران در مهاباد

۵۹/۱۰/۱۵ - در این روز چهار دسته از پیشمرگان کومه له به شهر مهاباد راه یافته و دست به بختن اعلامیه و خبرنامه زدند که با استقبال وسیع زحمتکشان شهر و بیروگردیدند. پیشمرگان سپس بعد از نیمه شب با سلاحهای سبک و سنگین حمله دلاورانه ای را به مقر پاسداران و ارتجاع مستقر در ماکروویو، رادیو و تلویزیون آغاز نمودند. که پیش از دو ساعت بطول انجامید. در جریان این حمله ضربات سنگینی بر نیروهای سرکوبگر وارد آمد. بعد از این حمله پیشمرگان با روحیه ای عالی درحالی که سرود میخواندند همگی به سلامت شهر را ترک نموده و به پایگا های خود بازگشتند.

(پیکا رکردستان شماره ۵)

#### بقیه از صفحه ۵ من میبمان...

امکانات رفاهی در اخصا رمان بود، البته بطوریکه ن. زندگی در میان سیمرگه بسیاری از حقایق را که بر اسم او رونه جلوه داده بودند، روشن کرد. به صداقت پیشمرگه های میبمردم و سعی میکردم از رفنا روگفنا رنا نسا موزم. می دیدم نسا نه ای خوبی که ما داشتی مدرک دکتری مهندسی و شغل هائی چون اسادی دانشگاه، فضاوت و... حقوق های خوب و زندگی راحت را در شهرها ول کرده و اسنا آمده اند و آستن با لا زده و به روستاها میروند، آنها را ما نادرمان میکنم. به درد دلشان گوش میندهند و... به آنها علاقه مند مینموم و در مقام بلشان احساس شرم میکردم. با فروتنی در کنار ما کار میکردند. برای ساختن خانه سبک جمع میکردند، با ما غذا می خوردند. با دستکرتیم که خوب زندگی کردن را با موزم. برای تهیه غذا، ما هیگیری میکردیم در و پنجره ها را مساختم. هرکس چیزی میدانست به دیگری یا دمیدادک های اولیه، با نسا ن و تزریقات را بخوسی با دگرفتم اگر پیشمرگه ای کوچکترین خطائی میکرد بدون ترس در جلسه انتقادی مطرح میکردیم و پاسخ منطقی دریافت میکردیم.

نظم و ترتیب کارها مرا شیفته خود کرده بود. آنان بر استی زبان گویای مردم کردستان بودند و به همین دلیل در دل شهری و روستائی و تمام مردم زحمتکش کردستان جای داشتند. ما از زندگی و مبارزه آنان میا موختیم ما هیبت عملکردهای رژیم کم کم برایم روشن میشد. زندگی گذشته ام را در ارتش در پیش چشم مجسم میکردم و به سپهبد بودن آن بی میبمردم. در پانجم کیه ارتش ندره ای برای ما ارزش قائل نیست. علنا به خانواد من گفته بودند که به جوجه خا ضربه مبادله گروگانها نیستند.

در کلاسهای آموزشی، آکا های سیاسی کسب میکردیم. واقعیت ها را بهتر درک میکردیم توانائی هائی تجزیه و تحلیل گذشته و حال خود

را پیدا میکردیم. حرفه ای. پیشمرگه ها بدلیه ایمان می نشست. به ماهیت انقلابی کومه له، سازمانهای دیگری پیکار، وحدت انقلابی و... بی میبمردیم. از رفتارهای صمیمانه آنها با هم، مفهوم واقعی رفناقت را یاد میگرفتم و با پی بردن به خواست های مردم کرده و در اثر نزدیکی روزمره با پیشمرگه ها به آنها ایمان میا وریم. میدیدیم که چگونه حزب توده و چریکهای فدائی "اکثریت" با چا بلوسی و قیحا نه به هیئت حاکمه و فحاشی به انقلابیون کرد، به مردم کردستان خیانت می کنند.

تبلیغات دروغین رژیم حزب توده در مورد همکاری این سازمانهای انقلابی با عراق برایم در عمل روشن میشد. پیشمرگه های قهرمان همچنان نکه به هیئت حاکمه ارتجاعی کینه داشتند، از دولتها ی ارتجاعی و از جمله عراق نیز متنفر بودند. حتی شنیدن رادیو عراق و ادرا کردستان تحریم کرده بودند. ادعا های بوج هیات حاکمه و خائنین حزب توده در مورد اسلحه گرفتن کومه له از بعضی ها "برای هموار کردن راه سرکوب جنبش کردستان است. تمام سلاحهای پیشمرگه ها سلاحهای ارتشی بود، آنها را ما دره کرده بودند. حتی در میان آنها توپ و تانک هم وجود داشت. در مدن سلاحهای نظامی را بخوسی میشنا سم. مقداری هم سلاحهای روسی نظیر کلاشینکف داشتند که از کردهای عراق بقیمت نازل خریده و علیه رژیم شاه بکار برده بودند.

پیشمرگه ها میگفتند ما همانطور که با ارتش و پاسداران ارتجاع ایران میجنگیم، در مقابل رژیم ارتجاعی عراق هم ایستیم. در حرفه ای نشان جرقه های بیروزی را میدیدم. بعد از هفت ماه که همان پیشمرگه ها بودم درحالی که شناخت واقعیت ها روشنائی بخش آینده ام بود. با اراده و ایما تی آهنین به بیروزی زحمتکشان، بر میگشتم تا زندگی نویسی را از سرگیرم. من از تاریکی و جهل بیرون آمدم و آرامیون خلق قهرمان کردستم. ۵۹/۹/۲۴

### بعثیهای فاشیست بار دیگر کاروانیان بی دفاع را به گلوله بستند

عراق را به شهادت رسانده اند. هما نظور که قبلا به اطلاعات رسانندیم چندی پیش فاشیستهای جمهوری اسلامی روستائی "هلوی" را بکارت بستند و نفرات بشهادت رسانده و نفرات زخمی نمودند. بدنیال این حادثه دردناک عده ای از خمیها به بیما رستان سردش برده شدند ولی بنا به دستور فرماندار جنا پیکار سردش که میک پاسدار است از مذا وای آنها خودداری کردند و در همان حال به با جوشی از آنان برداختند.

اینگونه اعمال جنایتکارانه با عسکرت رسوائی هر چه بیشتر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در منطقه است. (بنتقل از خبرنامه کومه له شماره ۱۰۵)

چندی پیش عده ای از اهالی روستاهای مرزی منطقه سردشت جهت خرید ما بیجان زندگی به مرزا بران و عراق میروند که در هنگام بازگشت بهین روستاهای "کانی شینگ" و "دیلو" در مرز به کمین مزدوران بعث افتادند و مورد هجوم واقع شدند. در این حمله یک نفر از کاروانیان بنام "احمد ملازده" ش توسط مزدوران بعث دستگیر و پس از غارت دارائیش وی را همانجا بشهادت رساندند. بقیه کاروانیان موفق به فرار شدند ولی سیزدان بعث ۲۰ الی ۳۰ راس از قاطرها نشان را تلف کردند.

بعثیهای مزدور در طول ماههای گذشته با رها مرتکب این جنایات شده اند و تا کنون تعداد زیادی از کاروانیان کردستان ایران و



بقیه از صفحه ۴ گاهی...

اما مسئله مهم اینجاست که اتحادیه‌ها در شکل کارگران، بعد از قیام مبرجها اساس بوده و از سه عواملی تبعیت میکنند؟ اولین آموزش کارگران طبقه کارگر میگوید:

"در آغاز فعالیت سندیکا، کارگران هر حرفه در یک سندیکا متشکل میشوند، ولی با رشد سرمایه داری، تمرکز سرمایه و تولید تجمع گروههای مختلف سرمایه داری در بخشهای مهم صنعتی ایجاد کارتلها، تراستها و... انحصارات عمودی واقعی... سندیکاهای مختلفی که بر حسب حرفه‌های گوناگون بوجود آمده بودند، در سازمانهای صنفی بزرگتری مجتمع گشتند. منطق مبارزه طبقاتی کارگران را بسوی تشکیل سندیکا بر حسب رشته‌های صنعتی سوق داد." (۳)

بنابراین اولاً باید وضعیت مشخص سرمایه داری، تمرکز سرمایه و تولید، را در جریان تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌ها در نظر داشت و ثانیاً باید در جهت ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌ها شی بر مبنای رشته‌های صنعتی حرکت نمود، مثلاً در ایران رشته صنعت نفت شکل خاص خود را داشته است که بر اثر ضرورت مبارزه بوجود آمده است، اما رشته‌های دیگری نظیر حمل و نقل و راه آهن، ساختمان، ماشین سازی و ترمینال سازی، صنایع ریسندگی و بافندگی و... اتحادیه‌های خود را تشکیل داده اند.

بطور کلی باید دید که کدامیک از این رشته‌های صنعتی دارای کارفرمایان متشکل نیز میباشد. یک نظر اجمالی به وضعیت سرمایه داری در ایران پس از قیام نشان میدهد که اولاً باعلت فراوانی صنایع بزرگ، اکثریت این صنایع در دست دولت متمرکز شده است. ثانیاً دولت در بخشی از صنایع گروهبور و رستگاری میرفتند ولی کارفرمایان آنها باقی مانده بودند، سهیم شده است. ثالثاً در بخشهای دیگری مثل داروسازی که کارکنان متعلق به سرمایه‌های امپریالیستی هستند، مدیران دولتی را بکارگزاران دارند. بنا بر این میتوان گفت که دولت هم اکنون بر بیشترین رشته‌های صنعت و تولید تسلط مستقیم دارد و وحدت و تشکل کارفرمایان صنعتی در دولت متجلی است. بنا بر این در اکثر مراکز و واحدهای تولیدی کارگران مواجهه و در صورت دولت هستند.

چه رشته‌های کارگران بخشهای مختلف را بیکدیگر پیوند میدهد؟

با دیدن کارگران که از نظر موقعیت اقتصادی و آگاهی طبقاتی در سطوح مختلفی قرار دارند، چه مبنای برای اتحاد وجود دارد؟ مثلاً کارگران بعضی زکات نجات توانستند تا

ما سودویژه دریافت کنند در حالی که به کارگران ساختمانی اصلاً سودویژه‌ای تعلق نمیگیرد. کارگران کارخانجات کم و بیش از حق مسکن، سرویس‌های بهداشتی و آب و گاز، ناها، زخوری، بیمه، کار دائم و سایر مزایا استعفا می‌کنند، در حالی که کارگران ساختمانی از بسیاری از این مزایا محرومند. همچنین بسیاری از تفاهات و تفریحات دیگر. حال با دیدن که جمع شدن کارگران از واحدهای مختلف صنعتی و تولیدی در یک تشکل مانند کانون شوراها از روی چه ضرورتی صورت می‌گیرد و در رشته‌های پیوندی میان این کارگران کدامند؟ مسئله را در موارد مشخص مورد مطالعه قرار میدهم:

مسائل اقتصادی:

اینگونه مسائل را سه دهنوع می‌توان تقسیم نمود: نخست خواسته‌های اقتصادی که در شرایط مشخص یک کارخانه مطرح میشوند مانند گرفتن حق مسکن ۷۵۰ تومان در ماه، که علی‌رغم آنکه تحت تاثیر تشکل جنبش طبقه کارگر می‌باشد، ولی در هر کارخانه بشکل خاصی بروز میکند، نوع دوم مبارزه حول شعارهای است که هر ساله و بصورت دوره‌ای طرح میشوند و جنبه عمومی دارند مانند سودویژه و افزایش دستمزد.

الف - نوع اول: این مبارزات حتماً روی کارخانجات مبارزه می‌کنند. مثلاً کارگران کارخانجات سیمان "چون با کارگران سیمان تا سیونال شرایط و اوضاع مشترکی را می‌یابند، لذا مبارزات اقتصادی آنها را دنبال میکنند و بالعکس.

فرخا با بالا رفتن حق مسکن در یکی، حتماً روی دیگری تاثیر می‌گذارد و کارگران این یکی را نیز طلب افزایش حق مسکن می‌نمایند. اما این افزایش حق مسکن روی کارگران دیگر

نظیر کارگران ساختمانی، بسیار کم تراست. مثلاً در کارخانهای کارگران تحت تاثیر آشنا شدن با یک کارخانه مواد غذایی که کارکنانش از مزایای نسبتاً بالایی برخوردارند، خواستار حق مسکن بیشتر میشوند ولی تماماً پند خود فروخته - شان تحت این عنوان که "اگر در آن کارخانه کارگران ۷۵۰ تومان حق مسکن میگیرند، بخاطر فروش سرسام آور مواد غذایی است و وضعیت بسیار کارخانه ما فرق دارد!" کارگران را قانع میکند در صورتیکه اگر کارگران تحت تاثیر هم رشته خود بودند، حتماً با فشار بیشتری برای کسب حق مسکن بیشتر می‌بگردند.

بدین ترتیب با مشاهده ترکیب کانون شوراها می‌بینیم که این تشکل کارگری، از کارگران ساختمانی گرفته تا کارگران معدن، کارگران بیکار و کارگران واحدهای صنعتی، همگی را گرد خود آورده بود، اینها بر این طبیعی بود که مسائل مشخص و مشترکشان بسیار کم باشد و لذا نمی‌توانست پیوند مستحکمی بین کارگران برقرار کند.

ب - نوع دوم: مسائل مبارزاتی کارگران مانند سودویژه یا افزایش دستمزد، نمیتواند کارگران را از هر رشته و صنعت حول خود جمع کند اما مسئله اینجاست که چگونه تشکلاتی برای سازماندهی مبارزات کارگران لازمست؟ گنبد کبیر در این باره میگوید:

"تنها سازمانی که توده‌ها در عرصه جنبش‌ها است که به حد کافی میتواند کارگران را بسیج کند و آنها را برای پیروزی نهائی آماده سازد، اهمیت عمل توده‌ها تنها در نتایج و ثمرات بلاواسطه آن نیست، بلکه بطور عمده در این است که توده‌های کارگری را بسیج و متشکل میکند." (در باره سندیکای طبقه‌ای).

بنابراین، این سوال پیش میاید که دلیل وجودی تشکلاتی چون "کانون شوراها" چیست که از تجمع نامتجان کارگران تشکیل شده است، چیست؟ یا کانون شوراها میتواند طبقه یک اتحادیه واقعی یعنی رهبری مبارزات طبقاتی کارگران را بجا بیند؟ انجام دهد؟ یا قادر است به تعرض علیه بورژوازی یا بخشهای آن از آن بپردازد یا اینکه تنها میتواند انداخته است و دفاعی داشته باشد؟

در اینجا ما عمل بین الملل سندیکاهای سرخ چنین آمده است: "سندیکاهای حرفه‌ای (ایمن انجمنها درد رجا و افراد یک صنف مشخص را در بر میگیرند و از همین رو صفتی گری تنگ - نظراً به نقطه حرکت تشکیل سندیکاهای کارگری شد، که در طول سالها درازی بوجود آمده بودند تبدیل به ارگانهای دفاعی طبقه کارگر شدند. سندیکاهای در شکل جنبشی خود بند و قها و

(۳) - در باره سندیکای طبقه‌ای صفحه ۲۲ - تا کیدها از ما است.

متشکل شد  
راهپیمایی ۱۳۰۰ نفری  
تعرض انقلاب  
علیه ضد انقلاب  
و حشرات اجتماع و روزیونیستها  
نایبگیری و مجاهدین و تسلیم طلبی و راهکارگر

### جنبش کارگری



#### ← نگاهی...

انجمنهایی بودند که هدفشان تعاون متقابل بود و نه مبارزه طبقاتی. بطور کلی میتوان چنین گفت که در ابتدا بعلمت رشدنا کارگری سرمایه‌داری، عدم وجود موسسات بزرگ صنعتی و نتیجتاً برآکنده بودن کارگران، کارگران بر حسب حرفه خود متشکل می‌شدند و مثلاً سندیکای فالنگبران را بوجود می‌آوردند. کارگران قالب - کبریا کارگران تراشکار رشته‌های نداشتند زیرا در موسسات جداگانه‌ای مشغول بکار بودند ولی رشد صنعت متمرکز منابع را بوجود آورد و کارگران بیک حرفه را بناچار بهم جدا کرد و مثلاً فالنگبران یک کارخانه‌ها شن سازی با فالنگبران یک کارخانه‌ها و ساوازی، رشته‌های نداشتند گسست ولی در عوض رشته‌های اتحاد جدیدی بین فالنگبران یک کارخانه‌ها کارگران فلزکار، سرامیکار، برداختکار، آسکار و سرامیکار همگان کارخانه‌ها بوجود آمد، بنا بر این تشکیلات قدیمی کارگران نیز در کون شده‌های خود را به تشکیلات نوینی داد، در برینا عمل بین المللی سندیکا‌های سرخ آمده است: "باین ترتیب منطقی بکار سرمایه‌داری و مخصوص آن سرمایه‌داری که درجه اعلا تری از تکامل رسیده بود، توجه‌های کارگری را بسوی ایجاد اشکال جدید تری از مکرز سندیکای سوق داد."

اما کانون شورا‌های شرق نه بر اساس مکرز تولید و نه بر اساس حرفه، بوجود آمده بود، بنا بر این باید دید که این اتحادیه‌ها حیثه‌ای چه نقشی در پیشبرد رهبری مبارزات کارگران می‌توانست ایفا کند؟ با اصولا مبارزات طبقه کارگر و اتحادیه‌ها در این موارد مختلفه نا حیثه‌ای است؟ چه رشته‌های بین کارگران یک منطقه اتحادیه‌ها می‌تواند برقرار می‌گردد؟ یا توجه به این مسائل درمی یابیم که اگر با تشکیلاتی چون کانون شورا‌ها ما نندیک شکل گذرا برخورد بشود و اگر جهت ایجاد تشکیلات مناسبی که از بکطرف بر اساس وضعیت سرمایه‌داری در کشور و از طرف دیگر بر اساس وضعیت مبارزاتی طبقه کارگر طرح ریزی شده باشد، حرکت نکند، اشکال تشکیلات نخواهند توانست با سخگوی مبارزات اتحادیه‌های کارگران باشند، اما از آنجا که ممکن است گفته شود در جریانات سیاسی رسته‌ها بیوند بین کارگران این کانونها هستند لازم است به بررسی این بخش مسئله نیز بپردازیم.

#### ۴- مسائل سیاسی:

آنچه که از بررسی سراط حایمه بعد از مصادره مسود، وجود جو سیاسی حاکم بر ماسد اما ساست جاری، ساست طبقاتی و عدالتی است مبارزات طبقه کارگر نسبت به عدم وجود حزب طبقه کارگر،

### نظام سرمایه داری قربانی دیگری گرفت

با ردیکر نظام مپسوده سرمایه داری یکی ار کارگران زحمتکش را برآنی نمود، "حسن - صدیقی" کارگرمونتا زکار کمیلکن اسکلب فلسزی که دارای ۱۰۰ سرعاً طله بود در اثر عدم وجود وسایل ایمنی جان خود را از دست داد. مسلمنا این اولین بار نیست که کارگران وزحمتکشان فدای سودجویی سرمایه‌داران می‌شوند و آخرین بار هم نخواهد بود. ولی آنچه مهم است ضرورت بنا بر سندیکای ارشدتهای حایمه طبقاتی است و این هم بدست نخواهد آمد مگر با مبارزه یکپارچه و آگاهانه توده‌ها تحت رهبری طبقه کارگر، برای سرماری سوسالیم!

ما صن تسلیم به سرمایه‌داران ندگن "حسن - صدیقی" و سرمایه کارگران، سمان می‌سندیم که تا نای جان در راه آزادی طبقه کارگر بیکارکنیم!

مبارزات سیاسی این طبقه توده و کما کسان با اختیاری است و با اینکه از ساست طبقاتی خود محروم است، در اینجا لازم است که نمونه‌های از حرکات سیاسی کانون را مورد بررسی قرار دهیم:

در جریان اشغال سفارت آمریکا و مسجوح را همیشه‌ای هابست سفارت، کانون نیز تصمیم گرفت که راهیما‌ای سمت سفارت را نیز تسبیح دهد، حدود دو هزار کارگر از ۱۴ کارخانه در این راهیما‌ای شرکت کردند و سوارهای برای طول راهیما‌ای در سطر کرده شده بود، اما پس از آغاز راهیما‌ای، هداست وسعاری آن کاملاً از دست ترتیب دهندگان آن خارج شد و دست توده‌های کارگران فتادگاه اینهم بر سر غلغله‌ها و جوی بورژوازی (و خرده بورژوازی) سرچامعه و بزرگترین هژمونی آنها، سروج به تکرار این سعاره‌ها کردند، صرف نظرا از اشکال سیاسی راهیما‌ای که طبیعتاً نمیتوانست نفس سمن کننده‌های داشته باشد، مسئله اینجا است که کارگران بین کانون ورژیم هیچ تعاونی حس نکردند و حتی برای سر توهمی که در آن زمان در میان توده‌ها دا من زده شده بود، تعداد کارگران کانون سعدارا - سما‌ای افزایش یافت، واضح است که زمانه‌ای که ساست طبقاتی کارگران برآنان حاکم نباشد، تحت تا نیروی ساسا - سما‌ای بورژوازی خواهد بود، بنا بر این تحت جنبش شرایطی (که هنوز طبقه کارگر از حزب رهبری - کننده خود محروم است)، سما‌ای سیاسی سسر نمی‌توانند با اشکال طبقاتی نظیر کانسون سوراها باشند، مگر آنکه به نفی صورت استقلال سیاسی طبقه کارگر بپردازد و سراسر حزبی نخواهد بود مگر ورژیم سمن، بطوریکه ورژیم سمن سمنای اکثریت ونوده‌ای وسه‌جانی اسچنین میکنند (ادامه دارد)

#### سبعه از صفحه ۳ کارخانه...

طبق معمول شروع به توطئه‌چینی جهت نفاق - امکانی در میان کارگران می‌شما یند، بالآخره بعلمت عدم وجود اتحادیه‌ری آگاهانه در میان کارگران، آنان در دام توطئه مدیران افتاده و علی‌رغم سازشانه‌ی، بول را در یافت میکنند، کارگران هنگام مرددل با یکدیگر سه تشبیه رژیم کنونی با رژیم جناسکار شام میبپردازند که کارگران آگاه‌هی صحت از سهرسودن رژیم شام میکنند، این مسئله بنا نه‌ای بدست عوامل کارفرما می‌دهد که فردای آنروز سس از کارگران را که غالباً کارگران سارزی بودند، اخراج میکنند.

کارگران به اخراج ۶ تن از دوستانشان اعتراض کرده و حتی سگساعت اعتصاب میکنند، اما عناصرد کارگری که در میان کارگران بودند، بخصوص ورژیم سمنهای اکثریت شروع به فعالیت میکنند، تا کارگران را از مبارزه‌ای فاطعه‌های سوسا‌ای سازگشت به کسار دوسا‌ای، منصرف نمایند، آنها تحت این عنوان که اعتراض نکرد و بهتر کار کنیم، احمال سازگشتن ۶ نفر اخراجی، بیشتر میشود.

دروافع کارگران را در مقابل کارفرما خلع - سلاح کرده و ابدا شتن به "لطف و مرحمت سرمایه‌داری" را موعظه می‌کردند، متاسفانه بعلمت ضعف نیروهای انقلابی در کارخانه و کم تجربگی اغلب کارگران، ورژیم سمنهای اکثریت موفق به اجرای نقشه‌ها نشدند و مبارزات کارگران را عملاً به‌ساز می‌کنند.

کارگران اخراجی نیز که از حمایت فعال سایر کارگران خود را محروم میدیدند، از طرفی تحت فشار رسیدهای عوامل فضا کارگر (که از طرف سورا‌ای امتنآ مده و عکس و آدرس کارگران اخراجی را گرفته بودند) و از طرف دیگر بعلمت امتان در دام وعده و وعید مسئولین دولتی کارخانه، از فشاری جهت سازگشت بکار سه نیروی خود و سایر کارگران، خودداری کرده و بنا سنا سدن به کارخانه، چشم میدبه "بالا" (یعنی همانهایی که اخراجشان کرده بودند) دوخته بودند و این در حالی بود که کارگران منتظر عکس العمل اخراج شدگان بودند و در صورت مشاهده مبارزه آنها به‌یاریشان می‌شافتند. کارفرما که می‌بیند ساحتی توانسته است چند تن از کارگران مبارز را که همواره به افشای توطئه‌های او در میان کارگران مسپردا خسته اند اخراج کند، فشار کار را افزایش داده و اختناق را در کارخانه‌ها منبزند.

#### کارگران مبارزان

تجربه فوق‌الذکر که نظیر آن ممکن است در هر کارخانه‌ای روی دهد، علی‌رغم شکست موقتی کارگران، بنیانگرددسهای با ارزشی برای ماست که با استفادها از آنها خواهیم توانست شکستهای کوچک را به پیروزیهای بزرگ تبدیل کنیم! - نخست اینکه میبایست صفوف خود را سدرده‌تر ساخته و سمدکلات واقعی خود را بر ما سیم.



# حقیقت واقعه سفارت را چه کسی به توده ها گفت؟

نامه مستند یکی از دانشجویان پیرو خط امام به مجاهد:

سندی زنده در اثبات حقانیت نظرات ما و ننگ دیگری برای رویزونیستها و همه مرتجعین



## دانشجویان خط امام چه کسانی بودند؟ (واقعه سفارت بدست جناح حزب)

سازمان ما مرعوب جا روجنجالهای دروغین خدا مهربا لیستی حضرات نگشته و بدرستی بیسان داشت که این واقعه توسط یک جناح از رژیم عملی گشته است ما گفتیم که بتکار این عملیات در دست خرد بورژوازی مرفه سنتی قرار داشته حزب از آن پشتیبانی نموده و مادانشجویان خط امام را بعنوان بازبچه های حزب معرفی کردیم. مسأله گفتیم "دانشجویان پیرو خط امام" این دکان سیاسی نیز که برانبوهی از اسناد دسترسی دارند تنها وقتی به اصطلاح به افشای سطوری از آنها می پردازند که صرفاً در خدمت منافع جناحی از روحانیون قدرتمند و باندها کامبرکشور باشد" (پیکار ۸ بهمن ۵۸)

اکنون حقانیت آنچه گفته ایم در "مجاهد" آشکار میشود:

"...بهر حال، بدین ترتیب با حمایت سپاه (پاداران)، به وسیله قیچی های آهنین بر زنجیرها را پاره کرده و بیداخل ریختیم" (مجاهد ۱۰۲)... "البته کار ما چندان کارمشکلی هم نبود به اشغال در آوردن این محل، تحت حمایت سپاه و زیر نظر و با هدایت برخی مسئولین..." (۱۰۳) "حزب جمهوری اسلامی... به ایادیشان در جاسوسخانه یعنی شورای هماهنگی دستور داده بودند..." (۱۰۴) "درواستگی سران شوروی هماهنگی به حزب همین بس که" مطابق با سیاست های کلی "اوبنا برخواستهای ثالائی هاس" افشاگری تهیه کنند، مثلاً هنگامیکه "موسوق سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی مراجعسه کرده و خواستارناشد حزب و روزنامه جمهوری اسلامی شود ملتسمانها استدلال کرد که حزب در یک نقطه ای کیفی نزول محبوبیت قرار دارد و بسیاری از شعبه های آن در شهرستا نهما تعطیل شده و... با رنگ آمیزیها بی این سند افشا شد که "روزنامه جمهوری اسلامی فساد آمریکا شایترین روزنامه هاست!!" (۱۰۴)

### ۲- سفارت چرا اشغال شد؟

مادر آن هنگام قاطعانه گفتیم هراس خدا انقلاب از رشد انقلاب، جنبش خلق کرد، اوجگیری مبارزات کارگران بیکار، جنبش دانش آموزی، صیادان انسانی و... سوار شدن بر امواج جنبش توده ها برای، تشبیت و تحکیم حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی از یکطرف و تشاد معین جناحی از قدرت با آمریکا و لیبرالها از سوی دیگر خدا انقلاب "حزبی" را به تاخت و تاز با کتیک واداشته است. شکست تاکتیک سرکوب، تشادهای اساسی موقعیت هیئت حاکمه و پیشرفت و موفقیتها ی

و دیگر نیروهای سیاسی انقلابی نیز تا ماهها پس از این واقعه همچنان انحرافات بسیاری را در این زمینه با خود حمل میکردند، مثلاً مجاهدین خلق و رفقای فدائی (اقلیت) نبرد، رزمند. گان و راهکارگر بنوعی عملکرد خدا مهربالیستی برای این جریان قائل میگشته اند تحلیل برای سازمان در برخورد به واقعه سفارت علیرغم برخی انحرافات راست، در چهارچوب عمومی منطبق بر منافع انقلاب و خط مشی ما رگسیستی بود. ما چه در واقعه سفارت و چه در تشدید دیگر تاریخی یعنی جنگ، عمدتاً مسیر صحیح و ما رگسیستی حرمت جا معه را گم نکردیم و نشان دادیم بیکارگیری خلق ما رگسیسم - لنینیسم چگونه میشوند شناسخت حقیقی و درست جهان را بتوده ها معرفی کند، ما در آن هنگام ما زما جراسی پشت پرده گروگانگیری، بصورتی که اکنون گناهد "افشا کرده است، اطلاع ندانستیم ما در کتیک قانومندا طبقات اجتماعی و حرکات و تکتیک های خدا انقلاب موجب شد، حتی علیرغم وجود یک گرایش انحراف بر راست در سازمان، ما شناختی ما رگسیستی از واقعه سفارت بدست دهیم. مسأله ضمن مقایسه نظرات خود با آنچه امروز از اقدامات دانشجویان خط امام افشا شده است، تحلیل سازمان در واقعه سفارت را بعنوان حقیقتی اثبات شده، بمثابه یک دستاورد در رخشان برای جنبش کمونیستی میبشما ان رزیا بی میکنیم.

چهارده ماهه و نیم از واقعه گروگانگیری در جاسوسخانه آمریکا میگذرد و جمهوری اسلامی خفت و سوزش تمام گروگانها را آزاد میکنند، امروز نگرینستن به مسئله گروگانها برای بسیاری امری ساده است، اکنون بسیاری گروههای انقلابی اهداف حزب جمهوری اسلامی را از این گروگانگیری دریا فته و ترا بهیچوجه مبارزه فساد مهربالیستی نمیشناسند، تفاوت است میان امروز که تشدت رسوائی جمهوری اسلامی در قضیه گروگانها از با ما افتاد است و آن هنگامیکه تزلزلات رویزونیستی و لیبرالی بسیاری از نیروهای انقلابی تشدید یافته و آب به آسیاب رژیم میریختند، تفاوت کمونیستهای پیگیر با دیگر نیروها نیز در همین جا است، آنها بقدرت سلاح عظیم و سترک ما رگسیسم - لنینیسم قادر به تشخیص واقعی پدیده های اجتماعی هستند، "علم انقلاب ورهائی بشر" یعنی ما رگسیسم به آنها این امکان را میدهد، در زمانیکه دیگران قادر به تشخیص صحیح مسائل نیستند، راه نشان دهند و حقیقت را آشکار گردانند.

تغییر تاکتیک خدا انقلاب بخشهای نا پیگیر - ترا انقلاب را دچار انحرافات ساخت که در نهایت منجر به در غلطیدن دنیروی سیاسی یعنی فدائیان (اکثریت) و اتحادیه کمونیست - هائیه منجلب خدا انقلاب و رویزونیسم گردید و

آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکا است

## قطع پخش مذاکرات مجلس از تلویزیون نشانگر وحشت از پیداری توده‌ها!

علیرغم کلیه تبلیغات کرکننده و سرام‌آوری که دربارۀ «حقانست» جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و غیره مسوودبا زهم توده‌های مردم به حقیقت پی برده و مشت دروغ‌گویان جمهوری اسلامی ساز مشغول.

پخش علنی جلسات مجلس در تلویزیون، به دلیل آنکه «پته» مجلس فرماستی جمهوری اسلامی را بیش از پیش روی آب می‌انداخت قطع گردید و «تما پندگان» تصمیم گرفتند درازا نظار مردم نشست و برخاست کرده و تصمیمات «انقلابی» در مورد نحوه اداره و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته بگیرند.

مجلس بجای آنکه وسیله‌ای تبلیغاتی برای سردمداران جمهوری اسلامی شود که به مردم بگوید، «ما چنان کردیم و چنین شد» - برعکس حماقت و بلاهت این نمایندگان را برمسلا ساخته و اختلافات هر دو جناح را رومی نمود. هر جناح برای حقه‌کردن حریفه، قسمتی از «پته» را رومی کرد. و این باعث میشد مردم تماشاچی «پته روی آب» هر دورا ببینند. و بیش از پیش اعتماد خود را به رژیم زدست بدهند. درحقیقت پخش مذاکرات مجلس خود افشای زنده‌ای بود که توده‌ها به رأی العین میدیدند چگونه قاننون پشت قاننون بشفع ثرما می‌داران و زمینداران گذرانده میشود و چگونه جناح غم‌وغصه تیسره شدن روابط با امپریالیسم را خورده و آشکارا می‌گوید «ما با آمریکا جنگی نداریم!!» و جناح دیگر در ترکنازی و سرکوب خلق و ایجاد حزب انحصاری رسنا خبز، حتی به رقیب لیسرا ل شیز مهلتی نمی‌دهد!

و خلاصه اینکه این به اصطلاح تما پندگان مردم چگونه دربارۀ همه چند نظر می‌دهند و قاننون می‌گذرانند، الا دربارۀ منافع مردم.

باری، زمانیکه اصل ۶۹ قاننون اساسی توسط «خبرگان» وضع گردید و در آن بصراحت گفته شده بود «مذاکرات مجلس باید علنی باشد» از ما بهتران «فکر اینرا نکرده بودند که ممکن است پخش مذاکرات مجلس به ضرر خودشان شود و مجبور شوند برای رعایت مصالح مملکتی! از پخش آن جلوگیری کنند.

بهر حال قطع پخش مذاکرات مجلس از تلویزیون با ردگرفتن آن مدهد که رژیم جمهوری اسلامی تا چه حد از آگاه شدن توده‌ها حتی نسبت به آنچه که خود می‌گوید هراسناک است.

سفارت، لازمست که به بلاستی نظرات خود بپرازند میا رزه طبقاتی به پیش می‌رود و حقایق روز بروز آشکارتر میشود. در این میان تنها با بر خورد مداوم به انحرافات خود مستوانیم به تمام قوا در خدمت توده‌ها قرار بگیریم.

نکنم. (۱۰۲)

بدین ترتیب در مورد مسئله سنا دنیز آنجا تا آنجا که توانستند سنا در آرزین سردند مانند اسناد مربوط به روابط سران ارتش و حوزب جمهوری (رئیس‌نظامی و بهشتی) با آمریکا و اسناد لیبیرا لیا را نیز در ارتباط با جنگ قدرت آتیم بسیار محدود و روگردند بقول نامه‌دا نشجوی مذکور:

«هرگاه ارتجاع، در مشکلات اجتماعی و سیاسی لنک می‌ماند و راه‌ها را به دیگری با قسی نمی‌ماند، سندی مشتاسب با اوضاع و احوال و سرای روحی تازه بخشیدن به کالبد آنها افشای - شد.» (مجاهد ۱۰۴)

۳ - حقانیت با چه کسی بود؟

پس بدین ترتیب مشخص است. اشغال سفارت اگر چه بیان تفا دجنا حی از حکومت با آمریکا بود (السته تفادی با ما هیئت فدا انقلابی)، اما اساسا بخاطر جلوگیری از رشد انقلاب، بسرای بدست آوردن بیشترین قدرت و انقیاد لیبیرا لیا منحرف کردن مبارزه فدا امپریالیستی توده‌ها، فریب خلق وسیع در کشیدن آنها بسوی خود بسا تکرار شعارهای بی محتوا بود.

بدین ترتیب هیئت حاکمه از یک طرف به باز سازی سیستم سرمایه داری وابسته می‌پرداخت و از طرف دیگر به حفظ و حراست منافع امپریالیسم و سرکوب انقلاب می‌پرداخت و آنگاه برای فریب توده‌ها، راجع لیا های دروغین فدا امپریالیستی برامی انداخت، همه آنچرا که گفتیم، خاطرات دانشجوی خط امام در مجامع هدران نشان میدهد آری موضع مادر قبیل سفارت گیری و خاطرات فوق نشان میدهد که حقانیت با سازمان ما بوده است. ما با روزبونیستهای خاشن که اشغال سفارت را مبارزه‌ای کسیر بر علیه امپریالیسم که آمریکا را به لرزه در آورده است، کاری نداریم چرا که این خاشن روز بروز بیشتر رسوا میشوند بلکه روی سخن ما با نیروهای انقلابی است.

دوستان مجاهد! مگر شما نبودید که پس از اشغال سفارت، برای اشغال کنندگان هورا کشیدید برای تاشیدن در تظاهرات شرکت کردید و توده‌ها را نسبت به آنان بعنوان مبارز - ان علیه امپریالیسم متوهم کردید؟ و مگر شما نبودید که ما را «چپ‌رو» معرفی کردید؟ چگونه است اکنون حاضر نیستید در پیشگاه خلق نسبت به استساعات خود اعتراف کرده از خود انتقاد کنید؟ با این حقایق که در مجامع هدران نادرستی رژیم نشان میدهد؟ پس چرا به سرخوردگی‌های انحرافی خود ساره نمی‌کنید، همینطور دیگر نیروهای کمونیست، آیا با توجه به این حقایق لازم نیست در مورد آنچه گفته اند و اکنون نادرستی - اس آشکار شده است، به خود سرخورد کنید؟ به اعتقاد ما سرخوردگی نادرست فداشی (اقلیت) رزمندگان، سردورها را کرد در این زمینه نسانه انحرافات ایدئولوژیک آنان بوده است. تکرسی دوساره به نظراتشان در مورد واقعیه

جنبش توده‌ای هیئت حاکمه را ناگزیرا ر تغییر تاکتیک نمود. این جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی و نماینده معتبر آن است الله خمینی بود که بدلیل شرایط مشخص کنونی و بحران سیاسی جامعه میتوانست در نقش مبتکر و حلال مشکلات هیئت حاکمه جلوه‌گر شود تا از فروریزی فزاینده توهم توده‌ها و انفراد هیئت حاکمه جلوگیری کند. خرده بورژوازی مرفه سنتی فدا انقلابی پس از ما هیا مقابله با پیشرفت و سرکوب میسازات دموکراتیک و فدا امپریالیستی توده‌ها، «مبارزه فدا امپریالیستی» خود را در چهره رچوب حفظ هئیت حاکمه شروع میکند. «ضمیمه - پیکار ۲۴۶ اثر» اکنون به نام هیکی از دانشجویان خط امام بنگریم: «و ابتدا به مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی قبل از سفارت می‌پردازد و با آوردن سندی از سفارت اثبات میکند که رشد انقلاب (مبارزات کارگران و جنبش خلق کرد، جنبش دانش‌آموزی و...) گاشا پیه توده‌های حزبیها و نیز مجلس خبرگان را زمینه اشغال سفارت توسط عمال و ایادی حزبیها بود (۱۰۱) و نیز:

«الف - الف... پس از مراجعت از شورای انقلاب طی سخنانی در جمع دانشجویان گفت: «الحق شما با این کار خود را از عمال با ت جلیسو - گیری کرده و باعث شدید که قاننون اساسی با رای زیا دتمویب شود...» این فربه کافئ بود که بسیاری از رویاهای مرفور بریزد، آیا میسایا سوسهای آمریکا بی رابه گروگان گرفتند بودیم که قاننون اساسی تصویب شود یا صدای مردم را خاموش سازیم؟ این سئوالات با وضوح بیشتری در ذهن من مطرح میشد که آیا ما با زبچه‌های بازی - های پشت پرده‌ی سیاسی نشده بودیم؟ آیا ما را بعنوان وسیله‌ای برای از میدان بسدر کردن رقبایا ر نگرفته بودند؟...» (۱۰۲) «... بنا بر این با مشا هدهی عواقب این حرکت آیا من حق ندارم که اینطور قضاوت کنم که بزرگترین سرمایه‌ی این جریان عوام فریبی آن بود، آیا برای سردمداران این حرکت دکانی نبود که در آن برای خود اعتبار و رواجت کسب کنند و سپس...» (۱۰۵) در اینک و واقعه سفارت منافع اساسی امپریالیسم در ایران و یایگا ههای اصلی سرمایه داری وابسته، ارتش و... را مورد حمله قرار ندادن دشمنی نیست، جالب اینجاست که گروگانگیرندگان سفارت در افشای اسناد جاسوسخانه نیز کوشش لازم را نکردند و تا آنجا برخی از اسناد را افشا کردند که به ضرر جناح رقیب یعنی لیبیرا لیا بود.

«در اینجا فقط به سخنانی اشاره میکنیم که نیات گردانندگان این جریان در آنها بخوبی پیدا است. آقای موسوی خوشینی‌ها چند روز پس از اشغال سفارت، هنگامیکه از جانب بیچه‌ها مورد سئوال قرار گرفتند که چرا اسناد مهم را امنان نمی‌کنید، گفتند: «ما از ابتدا برنامهای برای افشای اسناد ندا شتیم و این اسناد هم بطور تما دفی به دست آمده و اصلا شاد آنها را افشا

## دوسیاست رویزیونیستها در قبال مجاهدین: در پیوزگی - چاپلوسی و کینه توزی

مدت زمانی است که با گسترش مجدد جنبش انقلابی و تندید پرور و فروپاشی توهم نموده ها نسبت به رژیم ناستوا جمهوری اسلامی و در رابطه با آن، قوت گرفتن را دیگه لیسیم در جنبش انقلابی خلق، و بویژه مجاهدین، رویزیونیستها این دشمنان کمونیستها و انقلابیون، حملات خود را بر علیه مجاهدین افزایش داده اند.

همه نیروهای مدافع انقلابی مانند رویزیونیستها، لیبرالها و حزب جمهوری، سرآند که مجاهدین را با استعاده از تزلزلاتشان بسوی خویش بکشند، حزب جمهوری اسلامی که سرکوب مجاهدین و دیگر کمونیستها، سیاست اصلی و همیشگی اوست پس از او جگری میسار است توده ها و قوت گرفتن را دیگه لیسیم در مجاهدین به دست و پا افتاده و بیستی دیر حزب رای فریب شده ها و کشتادن مجاهدین بطرف خود، آنان را "پاره تن، خود میخوانند!

آیت الله منتظری که از زجه دست حرب و تحت هدایت آن است نیز مجاهدین را عزیزانی خوانده است که مسلما تندو این درست عکس حرفه های قبلی اش میباشد که در باره مجاهدین گفته بود که "منافقین بدتر از کفارند".

سیاست لیبرالها نیز تلاش برای برخی حمایت های کوچک و نا چیز از مجاهدین و کشتادن آنها بزریر پرچم خود بعنوان نیسرویی ذخیره ای در مقابل حزب و... است. دودوزه - بازی لیبرالها و گاهی شکوه ولایه زادیست و آزار مجاهدین، که خود عملا در کلیه سرکوب ها معالنه دست داشته اند، بیان چیری جز ریاکاری و فریبکاری نیست.

اما ننها حزبیها و لیبرالها نیستند که میکوشند با فریبکاری و دودوزه بازی، از مبارزات مجاهدین جلوگیری کنند. رویزیونیستها، این دشمنان طفاقی انقلابیون نیز فعلا لیت خود را در نشاندادن حملاتشان و در عین حال چاپلوسی از مجاهدین افزوده اند، آنها نیز میکوشند با دودوزه بازی، از مبارزات ضد کمونیستی مجاهدین جلوگیری کرده و مجاهدین را بزریر پرچم بورژوازی حزبی بکشانند، سخن پراکنی های مدامی که توسط "حزب توده خائن اسپن رویزیونیستها" که نه تنها بر علیه مجاهدین صورت میگرفت، تا مه پراکنی رویزیونیستها ی فداشان اکثریت که معلوم از چاپلوسی و کینه توزی علیه مجاهدین و دعوت

از آنها برای ترک میدان مبارزه و پیدارس حاکمیت موجود و اخیرا با رهنا مه پراکنی مجدد حرب توده و اکثریت برای مجاهدین نمونه های با رری از توطئه های خائشنا نه و دشمنی آشکار رویزیونیستهاست. "کمیته مرکزی حزب نموده" که رسوای عامو خاص است، کوشیده است با تقلید از آنچه ما، تحت عنوان بیام کمیته مرکزی مجاهدین منتشر ساختیم، اینان نیز تحت عنوان گفتگوی کمیته مرکزی "حزب توده" با مجاهدین آخرین کوششها یشان را برای جذب مجاهدین انجام دهند.

کمونیستها برخلاف رویزیونیستها، لیبرالها و حزبیها، بدورا زهرگوشه عوام فریبی، ضمن حمایت از مبارزات ضد کمونیستی مجاهدین تا بیگیریهای آنان را افشا ساخته و خواهان موزبندی کامل مجاهدین با تزلزلاتشان بویژه در برخورد به لیبرالها میباشد. سازمان ما با پیروی از این سیاست مبارزه بدولتوژیک فعالی را بر علیه دشمنان مجاهدین و کمونیستها بویژه رویزیونیستها، این روشنگران و جاگوان بورژوازی که بقول رفیق لنین بیش از خود بورژوازی بها و کمک میکنند بر اها نداخته است. در زیر میکوشیم با رد بزریر رویزیونیستها را رسوا کرده، تزلزلات مجاهدین را افشا نموده و حمایت خورا از مجاهدین بمنابا به یک نیروی ضد امیرالیست اعلام نمائیم.

۱- رویزیونیستها نه تنها دشمنان پرولتاریا، بلکه دشمنان خلق و کلبه انقلابیون نیز هستند!

رویزیونیسیم، که بیان نفوذ بورژوازی در صفوف پرولتاریا و مولودا میریالیست نه تنها دشمن پرولتاریا، بلکه دشمن خلق نیز می باشد، چه وظیفه رویزیونیستها تطهیر بورژوازی امیرالیستی و جلوگیری از مبارزه پرولتاریا علیه امیرالیست است، و از آنجا که در جوامع تحت سلطه تطییرا معما، نه تنها پرولتاریا، بلکه خلق نیز رو بی روی امیرالیست قرار دارد، و بدین ترتیب که رویزیونیستها که حافظ منافع امیرالیست هستند و مولا بیان نگر منافع بورژوازی میباشد، با خلق و انقلاب نیز دشمنی میورزند. لیکن طبیعا برخورد آنها، به کلبه نیرو های انقلاب بکسان نخواهد بود. دشمنی آنها با انقلاب، پرولتاریا و کلیه نیروهای انقلابی را موظف میکند که در مبارزه علیه امیرالیست

به مبارزه علیه آنان (رویزیونیستها) بپردازند. در این باره لنین میگوید:

"خطرناکترین افراد را بدمورد کسانسی هستند که نمیکشند همدسه این نکته بی ببرد که امیرالیست علیه امیرالیست بلسیم بطور لاینفکی بسا مبارزه علیه امیرالیست بلسیم تومبارت - جز عبارت - سردازی بوج و دروغ چیزی نخواهد بود.

(امیرالیست بلسیم بنا به بالاترین مرحله سرمایه داری تا ربح جنبش کارگری و کمونیستی جهان و ایران این واقعیت را بوضوح نشان میدهد که چگونه رویزیونیستها ی فرانسه سرکردگی مورس نوز، در کشتار و سرکوب خلق الجزایر، سا رژیم فرانسه همگاری میشوند. چگونه رویزیونیستها ی عراقی با بعثیهای حسلاد در سرکوب خلقهای کرد و عرب عراق همگاری می کردند. چگونه رویزیونیستها ی افغانستان در یکدوره با همگاری با "محمد داود خان" در سرکوب خلق افغانستان دست داشتند و اکنون چگونه به کمک ارمان روسی آنان با تمام قدرت خلق افغانستان را سرکوب میکنند. دورتر و بیسیمیم که چگونه حزب خائن توده، با خیانتهای مکرر تاریخی بویژه در سال ۴۲، با ارتجاعی خواندن جنبش انقلابی سال ۴۲، با "مترقی" خواندن رژیم شاه، با وانمودا ختن جنبش تبریز بعنوان کار ساواک و... دشمنی خود را با جنبش انقلابی خلق نشان داده است و اکنون نیز چگونه بر ما مبارزه علیه انقلابیون، در دفع مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان، با دشمنی با جنبشهای انقلابی خلق کرد، ترکمن و... در دفاع از حاکمیت ضد انقلابی و... این دشمنی را تشدید نموده است. تشدید دشمنی رویزیونیستها بسا انقلاب و کمونیستها، زمانی صورت میگردد که بویژه جنبش اوچ گرفته باشد.

چه هما نظور که انکلس میگوید:

"برنسب اساسی آنان خوف از انقلاب است" (۱) بهمین دلیل است که حزب خائن توده در پی او جگیری جنبش در کردستان بود که "کومله" را آمریکا یی تا میدو جنبش خلق کرد را تخطئه نمود. انقلابیون ایران را تخطئه نمود و فضا نه آنان را عامل ابجادا شیم خواند و با لخره هر جا که جنبشی بود و مبارزه ای، هم جنبش و هم انقلابیون را تخطئه نمود. اگر کارگران دست به مبارزه سر نندازند، آنسرا "اخلالگری ضد انقلاب" میخوانند. اگر کمونیستها نظراتی ترتیب دهند، با در یورگی تمام رژیم میخواهد که آنان را سرکوب کند و در مبتینگ حزب جمهوری که در آن خواستار انحلال مجاهدین میشوند، شرکت میکنند....

۱- به نقل از پورتونیسیم و ورشکستگی انترناسیونال دوم

## رویزیونیسیم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

## اقدامات انقلابی فرهنگیان آواره برای تهیه مسکن

فرهنگیان مبارزان مبارک جنگزده در ادامه مبارزات خود برای روشن شدن وضع حقوقی و مسکن خود، روز چهارشنبه ۱۷/۱۰/۵۹ در ساختمان وزارت آموزش و پرورش اجلاس کردند. آنها در این اجتماع ضمن توضیح بی نتیجه بودن تمام اقدامات خود از مراجع و وزیر آموزش و پرورش گرفته تا خمینی و بنی صدر به افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم پهلوی پرداختند. در ضمن این افشاگریها یکی از عناصر خودمرو و خسته رستاخیزی که به مسکن مبارزان رژیم جمهوری اسلامی و ارکانهای سرکوبگرش برخاسته بود مورد تنفر و اعتراض فرهنگیان قرار گرفت. در ادامه تجمع، آنها نتیجه گرفتند که تنها راه رسیدن به حقوق خود، اقدامات انقلابی و قاطعانه آنهاست. به همین خاطر آنها برای تهیه مسکن برای خود، بطرف دهکده المپیک شروع به راهپیمایی کردند. این راهپیمایی که با شرکت حدود ۶۹ نفر از فرهنگیان مبارزانجا مگرفت در مسیر خود از بنیاده در صفحه ۲۷

از اینرو بود که حزب خائن توده در پاسخ به اعلامیه انقلابی فدائیان بنیادست با سرورز شهادت خسروروزیه کارا روزنامه بورژواالی خوا نندند و افکار آنها را "ما شوئیستی" قلمداد نمودند (۲) و از آن مهتمتر در مقابل اعلامیه انقلابی ۲۹ اردیبهشت پیشگام که "حزب توده" را ضد توده و ضد طبقه کارگر و روزنامه مردم "راضد مردم خوانده بود، "توده ایها" پیشگام را عضو ارگستری که رهبرش امپریالیسم است "خوانندند" اما بتدریج که مواضع فدائیان راست ترمیمگشت حزب خائن توده، تعریف و تمجید را از فدائیان بیشتر نمود تا آنجا که امروزه خواهان پیوستن فدائیان اکثریت به حزب توده است. حزب توده در برخورد به مجاهدین نیز عینا همین سیاست دوگانه را در پیش گرفته است از یکطرف در راه پیمایی ها شای که در آنها انحلال مجاهدین درخواست میشود شرکت میکنند و از طرف دیگر آنها را "دوستان" مجاهد، مترقی و... میخواهند. رویزیونیستها میکوشند با حمله به مواضع انقلابی مجاهدین و طرفداران و با تکیه بر تزلزلات وضعفای مجاهدین آنها را بیسوی خود بکشند. در این راه حزب خائن توده و رویزیونیستها با اکثریت با یکدیگر مسابقه گذاشته و با چاپلوسی و جرب زبانی، عا جزانه از مجاهدین تقاضای ترک مواضع انقلابی شان را دارند. ولی کدام مضعفان و انحرافات مجاهدین باعث میگردند که میدرو رویزیونیستها قطع نگرده؟

۲۳ روزنامه مردم شماره ۱۷، سوم  
خرداد ۵۸

ناریح نیرسما را را این نمونه های دشمنی شما معیار رویزیونیستها با کمونیستها ی انقلابی است. مبارزه منشوکها با بلشویکها در روس و ما در مودن فرما ن دستگیری لنین به جرم "حیا نیت"، کسنا رکارا و وزحمگشاس آلمان توسط رویزیونیستها ی خائنی چون "شیدمان" و بویژه فتل عام کمونیستها ی آلمان و حتی رهبران برجسته آن چون رفیق کارل - لیبکنخت و رورا لوزا مبورک "کشتار کمونیستها در اریتره"، تیویپ، افغانستان و... نمونه های گویای دشمنی سرخستانه رویزیونیستها با کمونیستهاست. از اینرو و تجویب نیا بید کرد که در روسته حزب خائن توده نیز کمونیستها ی انقلابی را آمریکا شای وضدا انقلابی بنا مد.

ب- در برخورد به نیروهای ناپیکر جنبش کمونیستی و انقلابی خلق، سیاست رویزیونیستها دودوزه بازی است. از یکطرف مواضع انقلابی آنها را مورد حمله قرار میدهند و از طرف دیگر با تکیه بر تزلزلات و ناپیکریها ایشان میکوشند آنها را بطرف خویش کشانند. شیوه برخورد به بخش منشعب (م.م) فدائیان و مجاهدین کنونی نیز از همین سیاست ناشی میشود.

در برخورد به بخش منشعب (م.م) مجاهدین، از آنجا که هنوز مواضع ما زمان در قبال سوسیال - امپریالیسم کملا روشن نبود، و تحولات مبارزه طبقاتی و انسجامیایی گرا یشتا ت گونا گسسون (که امروزه کملا روشن گشته است) دقیق نگشته بود حزب خائن توده در برخورد به بخش منشعب از یکطرف آنها را در درون جنبش قلمداد میکنند و "رفقا" خطاب میکنند و از طرف دیگر به سیاستهای انقلابی بخش منشعب، شدیداً حمله میکنند و آنها را "خرفه های ما شوئیستی" و "خرده بورژوا شای" محو اند. لیکن علیرغم آن قطع امید نگردید و بهمین دلیل در بررسی انتقادی مواضع جدید مجاهدین خلق ایران (بخش م.م) میکوبید "روی سخن ما نه تنها با ما زمان مجاهدین خلق ایران (بخش م.م) بلکه با همه آن عناصری است که در درون جنبش هنوز از خرافات ما شوئیستی رها نشده اند." (سوی حزب شماره ۱۱)

آنها در این نوشته شان میکوشند مواضع انقلابی بخش منشعب را در قبال سرکردگی پرولتاریا در انقلاب، علیه بورژوازی لیبرال و حزب توده، در جبهه و اخذ فدیکتا توری و... طرفداران ما سیاست دوگانه آنها بتدریج که مواضع ما زمان در قبال سوسیال امپریالیسم هبات حاکمه و حزب توده دقیق تر و روشنتر میگردد و با تحولاتی که در عرصه قدرت سیاسی روی میدهد انسان در دفاع از حاکمیت فدا انقلابی، حملات خود را نسبت به ما زمان تند بگرد و موزا نسه آنها "فدا انقلابی و آمریکا شای" و... مبحو اند.

در این راه از هیچگونه دروغ پردازی، فرصت طلبی، و شانتاژ و... رویگردان نیست. تسدید حملات کنوسی آنها علیه مجاهدین نیز ناشی از رند جنبش و تعویب را دیکا لیسم در مجاهدین است. اما این بدان معنی نیست که رویزیونیستها به کلیه انقلابیون یکسان برخورد میکنند.

۲- رویزیونیستها در برخورد به انقلابیون دوسیا شای را در پیش میکوبند! رویزیونیستها روشنگران نقاب زده بورژوازی هستند، از اینرو در برخورد به طبقات و نیروهای سیاسی جامعه، سیاستهای متناقض و "سجیده" بورژوازی را بکار میکوبند! آنها حملات خود را بنا بر مقتضیات تسدید کرده و با تخفیف میدهند و در برخورد به نیروهای انقلابی آنها دوسیا شای متفا وت را در پیش میکوبند. الف: آن دسته از نیروهای کمونیستی و بیکر که فاقد تزلزل بوده و سرخستانه در راه انقلاب میروند، مورد تنفر آنهاست. رویزیونیستها آنها را با بیرحمانه میکوبند و از هیچ دروغ گوئی شارا ننا نیز مبر خود های ماکیا ولیستی رویگردان نیستند. بدین دلیل است که آنها ما زمان ما، کومله و برخی دیگر را ضد انقلابی میخوانند و بیشتر ما نه ترازان ما را "سیا مخته و آمریکا شای" قلمداد میکنند، برای آنها لجن - پراکنی، فحاشی، دروغ پردازی ذره ای - خیر ندارد. چنانچه آنها ما ماکیا ولیست هستند، برای اینان هدف وسیله را توجیه میکنند، بهمین دلیل برای رسیدن به اهداف ضد انقلابی شان از هیچ دروغ پردازی و لجن پراکنی خودداری نمیکنند. چه آنها برای رسیدن به اهداف بورژوازی شان طبعا شیوه برخورد بورژوازی را نیز در پیش میگیرند. ببینید حزب خائن توده با چه جراتی، وقیحا نخواهد آن سرکوب نیروهای انقلابی نظیر ما و کومله و... میباید، ببینید با چه وقاحت و بی شرمی میکوشند ما را "سیا مخته و آمریکا شای" جلو دهند.

چنین است که آنها در برخورد به کمونیستها و انقلابیون بیکر، لحظه ای از کینه توزی، دروغ پردازی و لجن پراکنی و... دست بر نمی دارند. و بدتر از آن ما نندجا سوسان، به لودادن کمونیستها و انقلابیون پرداخته و خواهان سرکوب کامل آنها میشوند.

رویزیونیستها ی نوپای فدائیان اکثریت نیز که تازه بدوران رسیده اند، هنوز تمام و کمال این شیوه کینه کاران رویزیونیست را فراتر نرفته اند اما بتدریج همچنانکه مواضع رویزیونیستی شان منسجم تر میشود، آنها نیز سوسوه برخورد "حزب توده ای" یا بعبارتی دسفسر ماکیا ولیستی را بیشتر و بیشتر در پیش میکوبند. بدین تر شب سیاست رویزیونیستها در مقابل انقلابیون بیکر و بویژه کمونیستها ی بیکر، سیاست دشمنی شما معیار روطر دو حسی سرکوب کامل انقلابیون است.

# خط سوم: خطی بدنبال ارتجاع حاکم!

اگرچه در بررسی درک امت از مناسبات خارجی که کما بس درکی هما ندر و سربونینستهای خروسجفی اسب، سخن بسیار میتوان گفت، لیکن آنچه در اینجا مورد نظر است، بررسی دیدگاه "راه سوم" در سر خوردیه مبارزه طبقاتی حاد درون جامعه و افشای این نظرگاه فریبکارانه میباشد.

سینتم مبنای اساسی تفکر راه سوم "امت" چیست: "حفظ وحدت جبهه خلق علیه امپریالیسم تحت رهبری اما خمینی" و با اتکا به قانون اساسی مرحله‌ای، بهره‌ی از تضادهای فرعی و فراموش نکردن دشمن اصلی، مبارزه سیاسی - اندوخلوژیک با جریان‌های سازشکار و لیبرال و قشری و فرصت طلب، تنگ نظر و انحمارگر، تشدید مبارزه ضد فئودالی و ضد سرمایه داری و... (امت شماره ۹۱) امت نظرات خود را چنین فرمولبسته

جناح در شیوه تحقق اهدافش از اختلاف دارند. آنان برای رسیدن به هدف واحدشان از روش‌های گوناگون استفاده میکنند. آنها آن خط ضد-انقلاب بوده و در مقابل آن چیز خط انقلاب که با سایر منافع توده‌هاست و از در هم کوبیدن خط ضد انقلاب میگذرد و وجود ندارد. خط سوم "درجه‌ها" خوب همان خط ضد انقلاب است، برای شناختن از

**مسئله آنجاست که "امت" طیف‌ها مختلف سلیقه‌های پیشما را طیف‌ها تضاد های جانمایی در یک روند عمومی خواهان یکسری فرم در چهارچوب همین نظام موجود است. این راه نه از طریق انقلاب، بلکه بصورت گام به گام و با فرم در ماشین د ولتی خواستار اهداف خویش است. امت از راه سوم سخن میگوید ولی اگر منظور وی راه انقلاب است، بسیار بد برسید چرا در نشریات امت سخنی از ضرورت نابودی ماشین دولتی حاکم نیست؟**

میکنند که "امپریالیسم آمریکا، خط اصلی مبارزترین دشمن خود میداند" و در برخورد به انقلابیون امت چنین نظر میدهد: الف - نیروهای کمونیستی چون سازمان بیگارا و قیچانه "ضد انقلابی" میخواهند حرکت نیروی ضد امپریالیستی چون مجاهدین را بنفع آمریکا "میخواند" (امت شماره ۹۱)

تحلیل از دیدگاه امت از یکسود بر خورد به ضد انقلاب و بخصوص خط اما خمینی و از سوی دیگر بر خورد به نیروهای انقلاب مشخص کننده جایگاه واقعی امت است.

## خط امام: بزرگترین دشمن امپریالیسم یا حافظ منافع امپریالیسم؟

نیروهای ضد انقلابی گوناگونی میکوشند خود را پیرو خط امام "جلوه دهند تا بتوانند از طریق آن به منافع ضد انقلابی خویش ناشل گردند. حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی خود را اصیل ترین نیروی پیرو خط امام میداند. حزب خائن توده و فداشیا اکثریت خائن نیز، خود را طرفدار امام میداند. لیبرال‌های ضد انقلابی نیز برای عقب نماندن از اغلاله و بنا بر مقاصد فرصت طلبانه ضد انقلابی شان هرگاه اوضاع را پس ببینند خود را پیرو ما موخط آن میخوانند! سبجهائی‌های مرتجع نیز حسابا ما را از حزب حاکم جدا کرده و خط او را خط استقلال طلبانه شرقی نه غربی "میخوانند! اکنون دیر زمانی است که "امت" نیز خود را پیرو خط امیل امام "میخواند! اینک چه خطی و چه کیسه گل و گشادی است که کلیه ضد انقلابیون خود را پیرو آن میخوانند! سبجهائی است که با سخنان آن امت انقلابی

راه سوم با دیدگاه این راه در خدمت کدام طبقه اجتماعی و کدام سیستم اجتماعی - اقتصادی قرار دارد و موضوع آن در قبالی نیروهای انقلابی و کمونیست چیست؟ مسئله آنجاست که "امت" علیرغم اختلاف سلیقه‌های پیشما را علیرغم تضادهای جانمایی در یک روند عمومی خواهان یکسری فرم در چهارچوب همین نظام موجود است، این راه نه از طریق انقلاب، بلکه بصورت گام به گام و با فرم در ماشین دولتی خواستار اهداف خویش است. امت از راه سوم سخن میگوید ولی اگر منظور وی راه انقلاب است، بسیار بد برسید چرا در نشریات امت سخنی از ضرورت نابودی ماشین دولتی حاکم نیست؟

نوشته‌های امت سرراکننده از این طرز تفکر است. اگر امت از یکسوا ضرورت قطع مناسبات با آمریکا، افشای لیبرال‌ها، صحبت میکند از سوی دیگر از نزدیکی به شوروی، گسترش مناسبات با "اردوی سوسیالیستی" و جبهه با ایداری عرب "همکاری با احزاب مترقی" همچون اکثریتی‌های خائن حرف میزنند. امت ادعا میکند که علیه امپریالیسم میخواهد مبارزه برخیزد، لیکن نمیداند و نمیخواهد بداند و نمیداند بداند که مبارزه با امپریالیسم هرگز به معنی تقویت مناسبات با شوروی سوسیال امپریالیستی نیست. مبارزه با امپریالیسم گسترش مناسبات با رژیمهای ضد انقلابی مانند شوریه نیست سوسیال - امپریالیسم مروزیخی از جهان امپریالیستی را تشکیل داده و سوریه جزئی از کل ارتجاع جهانی بشمار می آید.

اوگیری محدود مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان منبمان و ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی توهمات افشار وسیعی را نسبت به هر دو جناح هشت حاکمه، لیبرال‌ها و بویژه حزب جمهوری اسلامی فروریخته است و توده‌ها در زیر فشارهای سنگین اجتماعی اقتصادی، بدشال آلترنا تویو حیددی برای رهایی از جنگال فقر و ستم و اخناق موجود در جامعه اندامها دهشتناک بحران اقتصادی - سیاسی و ناتوانی جبری رژیم جمهوری اسلامی در پیا سکوئی به گسترش بحران از یکسو و عدم توانائی در مقابل با گسترش ناراضی و اعتراضات توده‌ها از سوی دیگر بروخامت اوضاع افزوده است. مواختی که کمونیستها و انقلابیون با ارائه برنامه انقلابی و بسج توده‌ها بگرد آن میکوشند، بر فرآ زورانه‌های کاخ ستمگران حاکم بدان پاسخ گویند و ضد انقلاب نیز میکوشند با سرکوب توده‌ها و بازسازی سیستم زخم خورده سرمایه داری وابسته ما به بحران پاسخ گویند. بدین ترتیب دورا بیشتر برای پاسخگوئی به بحران کنونی وجود ندارد، یکی پاسخ انقلابی که با نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و رژیم حافظ آن میسر است و دیگری پاسخی ضد انقلابی که جز با مقابله و سرکوب انقلاب و بازسازی سرمایه داری وابسته و کلیه نهاد های حافظ آن میسر نیست.

بنابراین راه سوم وجود ندارد و در دنیا همراهی با رژیم وابسته سرکوب خلق پرداخت (راه ضد انقلابی) و با بر علیه آن برخاست و آنرا به گورتا ریخ سپرد (راه انقلابی) راه سوم، راهی بین انقلاب و ضد انقلاب وجود ندارد. با انقلاب علیه ضد انقلاب، و با ضد انقلاب علیه انقلاب، این حکم جبری تاریخ است. لیکن مدتی است که مزه‌های "راه سوم" از جانب برخی نیروها بگوش میرسد. این بنا بی-شرمانه میکوشند را لیبرال‌ها و راه حزب جمهوری را دورا مجزا از یکدیگر نشان داده و سپس راه دیگری که با مصالح هم با لیبرال‌ها "غرب گرا" و هم با "انحصار طلبان مرتجع" مرز بندی دارد، را ارائه دهند. برخی از این نیروها که خود از گرایشات متفاوت طبقاتی برخوردارند، تحت عنوان خط اصیل امام "برخی دیگر تحت عنوان "خط مکتب"، راه سوم را عرضه نموده اند. "امت" آن جریان فکری است که راه سوم را "خط اصیل امام" میخواند. ما در اینجا به بررسی "راه سوم" از دیدگاه "امت" می پردازیم.

امت چنین وانمود میسازد که لیبرال‌ها یک راه و حزب جمهوری را دیگری را عرضه نموده و حال آنکه خود با هر دو مرز بندی داشته و راه سوم را ارائه مینماید. اما آیا چنین است؟

اگرها منظور که با رها گفته به ما هیت طبقاتی این "راه"ها توجه نما بشم روش مشهود که اولاً حزب جمهوری و لیبرال‌ها هر دو را واحدی را طی میکنند و آن عبارت است از سرکوب انقلاب و بازسازی سرمایه داری وابسته لیکن این دو



نما" یا بیدهد. آنطور که بیداست "خط امام" غلطی است که از بیروان شعارنه شرقی نه شرقی (لیبرالها و سبها نی ها) ، ناآنا که پیرو شعار نه "غربی، نه غربی" (اکثریت و حزب نوده و...) و آنانکه پیرو شعار نه شرقی، هم غربی! هستند را در بر میگردد. آیا راستی این خط جرح ضد انقلاب است؟

الف: رسالت خط امام مانع از در هم تنگ شدن سلطه امپریالیسم است. این خط حافظ سیستم سرمایه داری وابسته است، اگر خط را حتی به طوری عامیانه همان چیزی بدانیم که خود گفته و عمل کرده است. می بینیم: که این خط در مقطع قیام مانع از پیروزی قیام توده ها گشت، مانع از آن شد که ماشین دولتی سرمایه داری وابسته و اصلی ترین ابزارش (ارتش) داغان شود. این خط با بردار خواندن ارتش در نرد توده ها و بسا قطع سلاح آنها، مانع از در هم تنگ شدن ارتش ضد خلقی گشت از خباثت های خط امام حمایت از سازش بهشتی و هیوز و حمایت از بارگان و تشکیل دولت موقت بود. خود خمینی بارگان خائن را محبوب خوانده و دشمنی با دولت موقت را ضد انقلابی، حرام و کفر خواند!

مگر "امام" نبود که از سرمایه داران وابسته دعوت نمود که بر سر کار بیا زگردند و کارگران را دعوت به کوشش و تلاش بیشتر برای سرمایه داران نمود؟ مگر امام نبود که دستور عفو ممنوع محاکمه عوامل سرسپرده آمریکا (از جمله ارتش ها و ساواکی ها) را اعلام نمود؟ مگر به برکت رهبری امام ارتش آمریکا بی ایران با سازی نشد و سرسپردگانی چون باقری، فلاخی، علوی، و مدنی این "دست نیرو مند" امام "به فرماندهی ارتش" گمارده نشدند.؟ مگر به برکت خط امام نبود که لیبرالهای خائنی چون بازارگان، یزدی، قطب زاده طباطبائی و دهها نفر دیگر به قدرت رسیدند؟ و با لاف مزه مکرر در کشاکش جنگ قدرت به برکت همین رهبری و همین خط "نسبت که حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی سوارگانهای اساسی قدرت تکیه زده است؟ آیا چنین خطی بزرگترین دشمن امپریالیسم است؟!

ب: رسالت خط امام سرکوب دموکراسی و انقلاب است مگر به برکت همین رهبری، جلوی تسد و مبارزات ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی توده های میهنمان گرفته نشد؟ مگر همین خط به سرکوب کارگران و زحمتکشان، این بزرگترین دشمنان واقعی امپریالیسم دست نزد؟ مگر فرماندهی لشکرکشی به کردستان تهران توسط همین "رهبری" صورت نگرفت؟ مگر مسلح نمودن خوانین و فئودالها در اقصی نقاط کشور از کردستان گرفته تا شمال و فارس، در بر توجنین "رهبری" حاصل نیامد؟ مگر خود همین "رهبری" با حذف بندهج از فرمان رضی دست پخت خودشان، حفاظت از منافع فئودالها و زمینداران بزرگ را بر عهده گرفت؟ مگر با تهدید کارگران و دهقانان منع اعتصابات و تحمّن و نظهرات و

با منع مداره "خودسراجه" زمین توسط دهقانان بر علیه انقلابی ترین طبقات جامعه برنجانبند؟ مگر جناحهای مرتجع خاکم در بر توجهنری همین خط امام "بیا استعاده ارتعودان، توده های میهنمان را تحمیل نمودند و میارزه ما هرجنیش اعتراضی و مبارزه با هر نیروی انقلابی را مبارزه علیه امپریالیسم نخوا شدند؟ مگر همین "خط امام" وجود امام ضرورت سرکوب انقلابیون چون مجاهدین و کمونیستها را اعلام نکرد؟ مگر به برکت همین رهبری، آزادیهای دمکراتیک سرکوب نگنشته است؟ آیا بیدار است برسد مگر همین حزب "انحصار طلب" مرتجعی که شما خود را مخالف آن می خوانید، به برکت همین خط بر سر کار نیامده است و مگر مورد حمایت همین خط و رهبری آن نیست؟ مگر...

سرگمن... را تعقیب نموده است. اکنون با ردیکری برسیم آیا میتوان صد انقلابی بود و در عین حال خدا امپریالیست؟ آیا میتوان رهبری بورژوازی (چه حزب، چه لیبرالها) را پذیرفت و آنها و بویژه حزب را مورد تأیید قرار داد و خود سرمایه دار و خدا امپریالیست بود؟ آیا میتوان منافع فئودالها، زمینداران و طبقه سرمایه دار را حفظ و حراست نمود و با زهم خدا امپریالیست بود؟ آیا میتوان کلید دستاوردهای دمکراتیک میا مرا سرکوب نمود و بنا بود کرد و با زهم خدا امپریالیست بود؟ آیا میتوان سلطه سیاسی، اقتصادی امپریالیسم را بر میهنمان حفظ نمود و با زهم خدا امپریالیست بود؟ آیا میتوان توده های خدا امپریالیست و انقلابیون خدا امپریالیست را سرکوب نمود و

**بدین ترتیب در راه بیشتر برای پاسخگویی به بهران کنونی وجود ندارد. یکی پاسخ به انقلابی که با خود نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و رژیم حافظ آن میسر است. دیگری پاسخی ضد انقلابی که جز با مقابله و سرکوب انقلاب بازسازی سرمایه داری وابسته و کلیه نهاد های حافظ آن میسر است.**

اگر بخوایم، یکا یک اقدامات ضد انقلابی مرتجعانه و ضد دمکراتیک که توسط این خط و هدایت تحت هدایت حزب جمهوری اسلامی صورت گرفته است، متنوی هفتاد و هشتاد سال گذشته ما ننشد ما کنیا و لیست های حزب خائن توده ای و اکثریت "خط امام" را شیرینی یال و دماز او شکم کرده و سپس بدلیل مخالفت ضد انقلابی خط امام با آمریکا آنرا خط ضد امپریالیستی جا میزند. در اینجا است که ماهیت خط امت روشن میگردد: خط امت خطی است که مشاطه گردانقلاب خاکم بوده و نه در پی سرمایه دارها و رژیم بلیکه اما ما در سازش با رژیم می - با شد در اینجا است که با بیدها مت گفت که خط شما نه خط خدا امپریالیستی و مبارزه جویانه، بلکه خطی ضد انقلابی است چرا که خط شما:

- ۱ - توده ها را دعوت به پذیرش رهبری خرده بورژوازی مرفه منشی که مدت ها است ضد انقلابی گشته، می کند.
- ۲ - توده ها را به زیر پرچم بورژوازی فرا میخواند چرا که خط امام در خدمت بورژوازی خاکم است و همواره خواهان ایجاد تفا هم بین لیبرالها و حزبها، (که اتفاقا کوبا شما با هر دو مخالفید)، میباشند و خط امام بویژه و عموما از حزب ارتجاعی حمایت میکنند!
- ۳ - خط امام بدنبال خطی است که همدست با بورژوازی، سلطه امپریالیسم را بر میهن ما حفظ نموده است از طبقه سرمایه دار و فئودالها حمایت میکند و اصلی ترین ابزار سرکوب امپریالیسم (ارتش دست پرورده) را حفظ و حراست میکند.
- ۴ - خط امت بدنبال خطی است که در خدمت سرمایه داری وابسته بزرگترین سرکوب را در طول بعد از قیام بر علیه انقلابیون - مجاهدین و کمونیستها انجام داده است و فعلا لانه سرکوب کارگران، دهقانان، و خلقهای کسرد و

با آنها دشمنی نمود و با زهم خدا امپریالیست بود؟ ممکن است بگوئید خط امام اقدامات ضد امپریالیستی نظیر مبارزه با آمریکا، دفاع از اشغال سفارت و... داشته است و آمریکا با این خط و رهبری مخالف است و این است نشانه ضد امپریالیست بودن این خط! در جواب ما می گوئیم اگر هر مخالفی با امپریالیسم آمریکا نشانه ضد امپریالیست و مترقی بودن طرف مقابل است بنا بر این "بندی امین" از "امام" خدا امپریالیست تراست، چه اگر خط امام "سفارت را اشغال نمود و بر آن صده گذاشت، بیدی امین، این مرتجع تاریخ در ضدیت با امپریالیسم انگلیس، انگلیسها را مجبور نمود تا وی را بر دوش خود حمل نمایند! ولی آیا این نشانه ضد امپریالیست بودن آن است، خیر!

بنا بر این اگر چه "خط امام" تفا دهائی با امپریالیسم آمریکا دارد، لیکن این تفاذ از مقوله تفا درون خدا انقلاب است و هیچگونه ماهیت مترقیانه و دمکراتیک ندارد.

و خلاصه کلام آنکه "خط امام" نه تنها بزرگترین دشمن امپریالیسم جهانی نیست، بلکه در هم دوشی با بورژوازی ایران (حزب جمعی - رهبری) وابسته امپریالیسم و در حقیقت اساس منافع امپریالیسم جهانی است.

**جبهه متحد امت  
جبهه متحد ضد انقلاب**

جلوتر برویم جبهه خلق شما که تحت رهبری خدا انقلاب قرار دارد از چه کسانی تشکیل میشود؟ خدا انقلابیون نظیر حزب توده و اکثریت و حزب جمهوری و "امت" و... جبهه ای که در دشمنی با دمکراتهای انقلابی و کمونیست ها دست رژیم

## آیا زحمتکشان ایران به هدف‌های بیکه بخاطر آن‌ها، آیت‌الله خمینی را به ایران برگردانند، رسیده‌اند؟

۱۲ بهمن اسما، دو سال از بازگشت آیت -  
الله خمینی از تبعید ۱۵ ساله در خارج از ایران  
میگذرد، دو زده بهمن ۵۷، در اوج مبارزات خلق  
- های ایران علیه رژیم دست نشانده شاه ،  
زحمتکشان ایران "آیت‌الله خمینی را که در راس  
جنبش مردم قرار گرفته بود با ایران برگردانند و  
یکی از پرشکوهرترین استقبال‌های تاریخ را  
از وی بعمل آورده‌اند، شده‌های زحمتکش آیت -  
الله را با ایران بازگردانند، شده‌های اینکروز  
- های سیاه گذشته‌های آن خواهد گرفت، استثمار  
و ستم طبقاتی از بین خواهد رفت و چهره زندگی  
زحمتکشان بگلی شنییر خواهد یافت، خلق‌های  
قهرمان ایران انتظار دارند که با بازگشت  
آیت‌الله خمینی خواهند توانست حاکمیت  
انقلابی خود را اعمال کرده و جاعای نوبسازند  
توهمات توده و تبلیغات آیت‌الله خمینی و  
اطرافیان‌ش که رهبری مبارزات مردم را بدست  
گرفته بودند و نیز نبودن یک آلترنا تویو قدرت  
انقلابی در جاعه شرایطی پدید آورده بود که  
توده‌ها در چهره آیت‌الله خمینی، حلال هم -  
مسائل و مشکلات خود را میدیدند و به همین جهت در  
اثر مبارزات انقلابی‌شان ایشان را به ایران  
برگردانند، اما وی که به همت توده‌های

زحمتکش به ایران برگشته بود، زمان بسیار  
کوتاهی پس از بازگشت، با زرگان لیبرال‌سازش  
- کار را به نخست‌وزیری برگزید، فرماندهان  
مزدور ارتش شاه را تطهیر کرد و عفو نمود، دستور  
پورش به آزادیهای دمکراتیک را صادر کرد، مهرها و  
مزدوران رژیم شاه و از جمله جلادان ساواک را مورد عفو  
قرار داد، شخصا دستور حمله به کردستان قهرمان  
را ما در کرد، بدترین شهت‌ها را به کمونیست‌ها  
و انقلابیون دیگر که سالها در سخت‌ترین شرایط  
بخاطر رهائی زحمتکشان مبارزه کرده بودند،  
و ارد کرد، کشتار خلق عرب خوزستان را بدست  
مدنی مزدورتا شید کرد و . . . . .  
و آرا م آ را م خلق‌های زحمتکش ما دریا فتنه  
(ومی یا بند) که آنچه از بازگشت "آیت‌الله"  
انتظار داشتند، سرا بی بیش نبود.

## فساد و فحشا در سپاه پاسداران نوسهر

آری زحمتکشان ایران با دست‌ان پرتوان  
خود، شرایط بازگشت آیت‌الله خمینی را به  
ایران فراهم ساختند ولی ایشان بنا به ما هیت  
طبقاتی اش قدرت و تمایل با سخگوشی به نیا -  
های توده‌های ستمکش را نداشت و مردم قهرمان  
ایران با درک این واقعیت مبارزه خود را برای  
تحقق خواسته‌های انقلابی‌شان ادامه میدهند.

شدن "قرصهای فدا ملگی" داستانهای میسرا بد و  
شب و روز از زهد و تقوا دم میزند، در دامن خود  
چنین پاسدارانی را پرورش میدهند که برادر  
"مکتبی" و آنهم پاسدارها را هم مکتبی‌شان  
روابط آنچنانی برقرار میکنند! زهی بر شرمی!  
در حالیکه کمونیست‌ها با پیروی از اخلاق و فرهنگ  
کمونیستی در مورد مسائل مربوط به روابط زن  
و مرد با تبلیغ روابط باالموا انقلابی با هرگونه  
لا با لیکری و فساد مبارزه کرده و در جهت از بین  
بردن علل پیدایش آنها با بمردی میکنند.  
در حاشیه این واقعیت‌ها پیدا شاره‌های هم‌بسه  
روبیونیست‌های "اکثریت" (فدا شیان) کرده که  
در دفاع از پاسداران "گاسه داغ تراژ آ شده  
بودند و این مسئله را تا یعیه پراکنی بی اساس  
"فدا انقلاب" قلمداد میکردند. . . . .  
مرد چه زود و از ه‌های معمول حزب جمهوری اسلامی  
را یا دگر گرفته‌اند. اما ارجاع پرونده -  
دادگستری و آفتابی شدن این ماجرای رسوا در  
نزد همه مردم شهر، این مدافعیین جدید ارتجاع  
را نیز آفا کرد.



شاه را از پشت بسته‌اند. برآستی جبهه خلق شما  
بر رهبری "امام خمینی" چه تفاقوتی با جبهه متحد  
خلق "حزب فدا انقلابی توده‌ها" در ترکیب نیرو -  
های آن که یکسان است، پذیرش رهبری ضد  
انقلاب که در هر دو یکسان است، دشمنی با  
کمونیست‌ها و انقلابیون که در هر دو یکسان است،  
تبلیغ ضرورت نزدیکی با اردوی سوسیال -  
امپریالیسم که در هر دو یکسان است، آری بسه  
درستی آنچه شما در فکر تشکیل آن هستی‌نه جبهه  
متحد خلق، بلکه جبهه متحد فدا انقلاب است جبهه -  
ای که تنها جای لیبرال‌ها در آن خالی است! آری  
ژیدگا سوم "که در فکر تشکیل جبهه فدا انقلاب تحت  
رهبری فدا انقلاب است، مبنای فعالیت خود را  
نیز پذیرش حاکمیت جمهوری اسلامی و قان -  
اساسی مرحله‌ای قرار داده است آیا مگر روشن  
نیست که قانون اساسی کنونی، قانونی در جهت  
برسمیت شناختن مناسبات سرمایه‌داری،  
قانونی ضد دمکراتیک و فدا انقلابی است؟ چگونه  
میخواهید با پذیرش چنین قانون اساسی  
ارتجاعی، مبارزه انقلابی کنید، چه فرقی بین  
مبارزه شما و مبارزه لیبرال‌ها در دوره شاه‌ها  
که با برسمیت شناختن قانون اساسی، فعالیت  
میکردند، وجود دارد، واقعیت این است که شما  
میخواهید با پذیرش قانون اساسی فدا انقلابی  
با تشکیل جبهه متحد فدا انقلابی، با پذیرش  
رهبری فدا انقلابی و با ضدیت با نیرو -  
های کمونیست و انقلابی در چهره رجوی پذیرش حاکمیت  
ارتجاعی جمهوری اسلامی عمل کنید، دیدگاه  
سوم شما، چیزی جز فدا انقلاب بزرگ کرده نیست،  
راه سوم شما علیرغم تمامی شعراهای بوج و تو -  
خالی و رادیکال نمایانه "شما، راه سوم  
نیست، بلکه راه فدا انقلاب است راهی که امکان  
نخست‌پزیر شدن ریاست جمهوری و وزارت امور  
- خارجه . . . . . را برای سردمداران امت در رژیم  
ارتجاعی کنونی مهیا ساخته است، قرار گرفتن  
در راس چنین مقام‌هایی ما هیت واقعی کسانی  
چون دکتر پیمان آشکارا بر ملا خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۷ برگرد

خرابی را که در اختیار داشتند در زیر چادر روشن  
کنند و این مسئله موجب میشود که -  
زحمتکشان آواره در ارتکا زگرفتگی به وضع  
دردناکی گشته شوند.  
این زحمتکشان تا زمانی که در مناطقی جنگی  
بودند توسط توپخانه و هواپیما می مزدوران عراقی  
کشته میشدند و امروز بعلت نداشتن مسکن مناسب  
و دیگر نیازهای اولیه زندگی در واقع بدست رژیم  
جمهوری اسلامی اینچنین جان خود را از دست میدهند.  
این واقعیت دردناک لکنه‌نگ دیگری است  
بردا من رژیم جمهوری اسلامی و مهربان‌ترین  
شعراهای فریبکارانه‌اش در مورد ادعا -  
حمایت از زحمتکشان میزند.  
نقل با ختم راز "قریبا و آوارگان" ۱۱  
کمیت خوزستان

حمایت از آوارگان با خرید و فروش آنان

در سما سوریا ساری به مردم سمنها دمکرد که منوا ننداره ۴۰ زن و بچه ای که از آوارگان جنوب منبا شدند در نیسا سوریا کن هستند سیرسی کستند و در مورد ترا بط ابن "معامله" مکعب که هرکس در مقابل پرداخت ۱۰ هزار تومان می تواند یک زن و سه کودک را برای سرپرستی تحویل بگیرد، پس از تحقیق معلوم شد که زن و مردی که بچهنده شده اند، در مقابل پرداخت ۵ هزار تومان یک سرپرست را تحویل گرفته اند.

رژیم خاشاک در حرف دم زحمت از آوارگان جنگ میزند، اما در عمل نه تنها منازات آنان بیخاطر خواسته های اولیه و برحقشان سرکوب میکند بلکه راه فروش آنان در آمدی را بسته جیب میزند!

شک بر چنین رژیمی که سر پای آن دروغ و فریب است!



آوارگان زندان را بپردازند  
خارج شهر ترجیح میدهند

آوارگان جنگ زده در شهر شوش نیز چون دیگر شهرها با مشکلات فراوان از نظر غذا، مسکن، بوسه و بهداشت و... سرسبزند و جز از رودرد - سرحد دیگری از عوامل رژیم ندهنده اند. عده ای از این آوارگان در شرایط سختی در مدرسه مطهری سر میبرند ولی رژیم بجای بهبود وضع آنها سعی کرده تا تهدید و اهرام آنها را با خراج شوره زرها منتقل کنند، که با مقاومت سدید آوارگان روبرو میشوند. مزدوران رژیم آنها را میکوبند که اگر برای رفتن به جاده ها امضاء ندهند، کمیته را سراغتان می فرستند. مردم زحمتکش و آوارها طهارت میدارند: "ما حاضریم به زندان برویم ولی به جاده ها نخواهیم رفت."

عوامل رژیم که در مقابل مقاومت آوارگان خود را زبون می یابند سران همگی رژیم های ارتجاعی آنها را تهدید سرکوب میکنند، آوارگان زحمتکش که می بینند علی رغم زندگی در شهر هم بستگی مردم بر رژیم جمهوری اسلامی با آنها چنین رفتار میکنند، خوشی آگاهند که در خارج شهر نه تنها هیچ کمکی به آنها نخواهد کرد بلکه دوازده چشم نهاده ها همچنان آنان را در شرایط طاقت فرسا نگهداشته و به سرکوب و آزار آنها خواهد پرداخت ولی این سازش با مقاومت رژیم میانه بوده های آوارها روبرو شد.

اخبار جنگ

کمک های جمع آوری شده  
برای آوارگان  
در کجا خرج میشوند؟

آوارگان زحمتکش، مردم مبارز انزلی با حلق سلاح و اختلال گروه ضربت "رهبر" توسط مردم مبارز و متحدان در اراک کربمی مرخص معروف رئیس گروه ضربت، معلوم شده است که مبلغ ۷۰ هزار تومان که برای کمک به آوارگان جنگ از مردم جمع شده بوده، صرف ساختن زندان گروه ضربت و تهیه خرید یک اتومبیل با نام و برای رئیس گروه ضربت گردیده است. در ضمن مقادیر زیادی تاید، سنگار، روغن سرنج احتکار شده در گروه ضربت بدست مردم افتاده است. مردم مبارز زحمتکش!

هم اکنون آوارگان انزلی که قربانیان جنگ سرما به داران ایران و عراق هستند در بند سراسر سراسر میسرند. در حالیکه جمهوری اسلامی کمک های مردم را صرف ساختن زندانها و خرید ماشینهای لوکس میکند، اینست ما هستیم رژیم فداخلفی جمهوری اسلامی، این حق عادلانه بوده ها است که ما در راه انقلابی هیلجا، بولا - های سرما به داران و اجناس احتکار شده توسط رژیم و سرما به داران را، بدست آورید. گسترده با دینش و جگر سینه تعرضی توده ها! ما تمام موازات آوارگان جنگ نا عادلانه حمایت کنیم! مرکز سازمان هم و ابراهیم و ابراهیم داخلی حامی آن! برقرار است جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان بیکار و در راه آزادی طبقه کارگر (جوهره اسرلی)

آش کشک خالته -  
بخوری پاته نخوری پاته!

سرها کیک رده است، در آن ها کرم ببساید و او غلبت بومدها غلبت حرما ها کرم زده هستند، در عداوت دوبا زه مبیج پیدانده است، آب کوب ها بوسه دهند و قائل خوردن بسینند، عداها کم هستند و سردا ده مسوسد. ما اکنون اس عداها با عیب مسومیت و ستماری بعدادی از جنگ ردگان شده است، اما رژیم در پاسخ اعتراض مردم میکوبد مگر طلسکارند، همین که هست، می -

خواهند خورد، می خواهند بخورند، ما را به یاد خدا را هم بگریدار ما سید، آری از نظر رژیم که هاسمی رفسحاسی یکی از سردمداران درک طم ۲۰۰/۰۰ میلیون تومان خرج خرید سلاحه برای ساداران میکند و ۸۳ میلیون تومان به روحاسون سنی وسعه برای تخم می دهد و میگوید اس حک حاسان براد از حیرات بسیار ردا شده است حنا اس ها را همه حساس بخراس جنگ میگذارد، غافل از اینکه ما با اتحاد خود و با اصای سیاست های ضد مردمی نخواهیم کداست بین اراس سما اجاب بکنند.

سعد سوم و حقوقی حقه خود را از حلقوم رژیم بیرون بکشیم!  
آوارگان جنگ هوا داران را مان بیکسار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز -  
۱۳۵۹/۱۰/۱۹

روی "شیر و خورشید"  
شمس پهلوی  
را سفید کردند!

رسمی به ما گزارش کرده است که: در حسانان گرگان میدان شرا در جاده ساری ساری به مردم پیوسته فرسود، احمد رورسل این بنوها به قیمت ۱۶۰ تومان و به هر نفر تا ۴ بت و فروخته میشد، ولی به تازگی به خاطر استقبال مردم به هر نفر یک بت و با در دست داشتن کسارت نعت و بدعت هر بت ۲۰۰ تومان میفروشند، این بنوها همان بنوها است که مردم به حک رده ها کمک کرده اند، در ضمن یکی از همسایه های ما یک کیسه برنج خریداری میکنند و بعد در موقع مصرف نا بهای در کیسه برنج پیدا میکنند که روی آن نوشته شده بود "اس کیسه برنج را به جنگ زندگان هدیه کرده ام اگر به مصرف دیگری برسد ما حبا آن زانی نیست."

از مذاکرات محرمانه مجلس!

رور ۲۴ دی ماه در مذاکرات محرمانه مجلس مطرح میشود که "شهرها از زنگنه تا مختلف آن کما ملانحت محاصره است، ضمن آن شهر هیره، در حوالی سوسنگرد، جنگ تن به تن جریان دارد و تمام نواحی که طرف ۱۰ روز گذشته، رژیم از جنگ نیروهای عراقی بردارده و آنهمه حول آن تسلیم کرده اند، لذا ز طرف نیروهای عراقی باز سرگرم شده است!"

راسی مذاکرات "شما زندگان مردم جبرا از "بدم تحمی نگاه داشته مسوند؟ آنا نه اس است در رژیم ارویدن حقایق و حسد دارد؟

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



درباره "اتحادیه رویزیونیستها"

برخی از طرفداران در مورد اتحادیه رویزیونیستها از ما سؤال کرده اند، که نظر ما درباره آنان چیست و چرا به لجن پراکنی ها و فحاشی های آنها نسبت به ما زمان جوانی نمیدهیم. در مورد اول یعنی ما هیت! اتحادیه با بد بگوئیم که بنظر ما این نیرو، یک دارودسته ضد انقلابی و رویزیونیست میباشد، چه اینان بسا حمایت از رژیم جمهوری اسلامی و کینسه روزی نسبت به کمونیستها و انقلابیون، بعنوان سدی هر چند بسپارنا چیز و حقیر در برابر انقلاب دمکراتیک - فدا میریای لیستی خلقهای میهنان قرار گرفته و بسا برای این از طریق افشا و طرد باید لایروبی شوند.

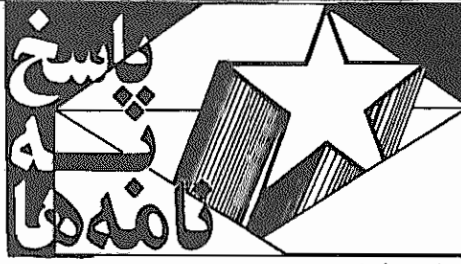
اینان خدمتگزاران و چاکرمنشی در آستان بورژوازی و دشمنی با کمونیستها (بویژه سازمان ما) را بدانجا کشانیده اند که به منظور خوش خدمتی به رژیم و بوزعم خودشان افشای مسا برای افراد بسیج کلاس گذاشته و آموزش ضد پیکاری میدهند (در خوزستان) مردم را جمع کرده و بوزعم خود با افشای مواضع ما را خیانکار به انقلاب جلوه میدهند.

اینان در دشمنی و لجن پراکنی به کمونیستها و خدمتگزاران بورژوازی دست بدرخوانده رنجبر - ایشان را از پشت بسته اند و با حرارت دوسد - چندان بیشتر از همیالکی های اکثریتی و رنجبری از فدا انقلاب حاکم دفاع میکنند. ممکن است عده ای بگویند آنان هنوز کما ملا رویزیونیست نشده اند چنانچه علی رغم کراپشت قوی سهجانی هنوز سهجانی نشده اند. در پاسخ به این دسته از رفقا باید گفت: اشکال رویزیونیسم در رویزیونیسم خروشچنی و سهجانی خلاصه نمیشود. همانطور که رفیق لنین میگوید رویزیونیسم پدیده ای بین المللی است که در اشکال بی نهایت متفاوت ظاهر میشود. لیکن علی رغم دوری و یا نزدیکی اشکال آن به یکدیگر، ما هیتا یکی هستند و آن عبارت است از تجدید نظر در ما رکیسم - لنینیسم و نفوذ ایدئولوژی بورژوازی در پرولتاریا.

اساسی ترین مقوله ای که ما رکیسم با آن سروکار دارد، دولت و مباحزه طبقه ای است. تجدید نظر در ما رکیسم در این دو مقوله اساسی به اشکال گوناگون و پیچیده آشکار میشود.

"اتحادیه رویزیونیستها" در این دو عرصه اساسی کما ملا تجدید نظر نموده و با ملی خواندن دولت ضد انقلابی، حمایت فعال از آن و دشمنی با جنبش کمونیستی و انقلابی خلق، ما هیت رویزیونیستی خویش را به نمایش گذاشته است. آیا جنگ، این رویزیونیسم پوشیده "اتحادیه رویزیونیستها" را همچون "فدائیان اکثریت" به سویال شوینیسم آشکاروی پی برده تبدیل ننموده است؟

اینکه ببیند اریم رویزیونیسم در چند اصل



ما نند قبول تئوری سهجانی و یا قبول راه رشد غیر سرما یه داری، همزیستی مسالمت آمیز... خلاصه شده است، سخت دچار سهاده اندیشی گشته ایم و بدین ترتیب مظار گوناگون آن را نمیتوانیم توضیح دهیم، فی المثل آیا "اکثریت" بعد از کار ۵۹، علی رغم آنکه رسما راه رشد غیر سرما یه داری را قبول نکرده بود، می بایست گفت چون ایسن تزویزیونیستی را کما ملا قبول نکرده است، پس رویزیونیست نیست؟! آنکه اگر دچار چنین ساده نگری می گشتیم، رفرمیسم ضد انقلابی، ارتداد ایدئولوژیک و دشمنی آنان با جنبش کمونیستی و خلق را چگونه توضیح میدادیم؟! اگر چه بدلیل آنکه دویستم عمیقاً منجم رویزیونیستی (خروشچنی و چینی) وجود دارد، اما اشکال دیگری از رویزیونیسم میتوانند وجود داشته باشد که نسبت به دویستم فوق از ویژگیهای برخوردار است. دارودسته اتحادیه رویزیونیستها نیز که همخوانی بسیاری با پدرخواندگان رنجبری خود دارند، در حال حاضر مدافع با صلاح "برداشت انقلابی" از تزه سهجانی است، سرانجام احتمالاً به پذیرش کامل تئوری ارتجاعی سهجانی تن خواهند داد، اگر چه هم اکنون ترهات رویزیونیستی این ترزا در عمل و در جا معما پیدا میکنند. دفاع از حکومت ضد انقلابی کنونی بعنوان کشوری مستقل و در برابر بردوا بر قدرت "نمونه ای از این ترهات است.

اما در جواب به قسمت دوم سوال که چرا ما با این جریان برخورد نمیکنیم، باید بگوئیم که آنجا که این نیروییگ جریان و رشکته سیاسی است که در صف دشمنان خلق و کمونیستها قرار دارد، و آنقدرنا چیز است که بعنوان یک نیروی مغرب اسان نقشی در جنبش خلق ندارد.

از اینرو مباحزه ایدئولوژیک با ایسن جریان هیچ تا شیر محسوسی در جنبش کمونیستی و انقلابی ندارد و لذا از هیچ اهمیتی برخوردار نبوده و افشای آن تا شیر قابل ملاحظه ای در جنبش باقی نمیکند. رد و جز خرد کاری و باز ماندن از مسائل اصلی، هیچ نتیجه ای در بر ندارد. بالعکس "چریکهای اکثریت" گرچه در صف دشمنان جنبش کمونیستی و انقلابی قرار دارند، لیکن بدلیل نفوذ نسبتاً توده ای که دارند، نقشی بسا مغرب و ضد انقلابی را در جنبش ایفا میکنند و به همین دلیل افشای این جریان و شرکتی توده بسا، از اهمیت حیاتی برخوردار است و با یدپیکان مبارزه ایدئولوژیک ضروریست - نیستی متوجه این نیروهای ضد انقلابی رویزیونیست باشد.

« رفیق بن آزاد نش آموزی غرب تهبران

پرسیده است آیا شعار "رژیمهای که خلقهای خود را سرکوب میکنند، نمیتوانند در جنگی بنفع مردم شرکت کنند" شعار غلطی نیست؟

رفیق! نظر تودرست است، این شعار از آنجا که حکم کلی ما در نموده است که کلیه رژیم های ارتجاعی نمیتوانند در جنگ عادلانه شرکت کنند، اشتباه است. جنگ فدا بینی در چین، جنگ جهانی دوم و نمونه های دیگر گشاده این مدعا هستند که رژیمهای که خلقهای خود را نیز سرکوب میکنند، شرکتشان در یک جنگ عادلانه میتوانند عملاً بنفع جنبش شما شود، اگر چه آنها از موضع فدا انقلابی خودشان و برای منافع خویش در جنگی شرکت میکنند، در این مقطع، منافع خلق و رژیم ضد انقلابی همسو میشود.

از اینرو اگر چه بطور عموم رژیمهای سرکوبگر نمیتوانند در جنگی بنفع مردم شرکت کنند، اما این اصلی مطلق نیست و به ما هیت جنگ و سیاسی که منجر به جنگ شده بر میگردد. اما در مورد خاص ایران و عراق این شعار درست است، چه جنگ کنونی، جنگی ارتجاعی است و رژیمهای ایران و عراق که خلقهای خود را سرکوب مینمایند، اهداف و سیاسی آنها با ارتجاعی را در این جنگ دنیا ل میکنند و نمیتوانند در جنگی بنفع مردم کشور خویش شرکت کنند. این شعار در این مورد مشخص صحیح است و ما شعاعر قبلی را بدلیل اینکه جنبه ای کلی داشت حذف کردیم.

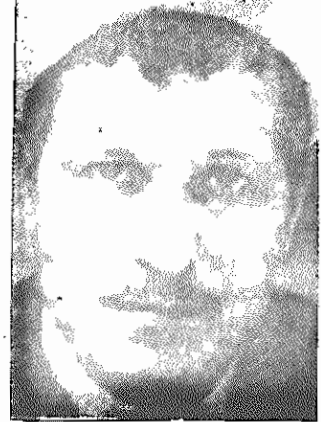
« رفیق ع - ه طی نامه ای خواستار روشن نمودن درک سازمان نسبت به ساختن ما، مرحله انقلاب، مضمون انقلاب دمکراتیک و مرز بندی با نظرات دیگران شده است سپس پرسیده است چگونه در روسیه انقلاب دمکراتیک بدون رهبری پرولتاریا تحقق یافت و آیا امکان گذار به انقلاب سوسیالیستی بدون عبور از مرحله دمکراتیک امکان پذیر است یا نه؟

ما در مورد مسائل فوق در آتیه نظرات خود را بسا ن خواهیم نمود اما در مورد انقلاب دمکراتیک فوریه روسیه بصورت مختصر در اینجا پاسخ میدهیم:

رفیق، جا معروسیه یک جا مع سرما یه - داری بود، که تحت سلطه امپریالیسم نبود، بلکه خود یک کشور امپریالیستی محسوب میشد ولی از آنجا که در روسیه بقایای نیرو مند مناسبات فئودالی برقرار بود و بدلیل آنکه بین زیربنا و روبنا آن تضاد وجود داشت یعنی طبقه مسلط اقمادی بورژوازی و طبقه مسلط سیاسی فئودالیها بودند، مرحله انقلاب دمکراتیک بود. در آن شرایط هنوز سرما یه جا یگا هکاملا ارتجاعی شیا فته بود (پس از سال ۱۹۱۴، دارای چنین جایگاهی گشت) از اینرو لنین در دوتا کتیک از دورا مبرای تحول دمکراتیک انقلاب سخن

بقیه در صفحه ۲۱





### علی اکبر هاشمی رفسنجانی (حزبی)

اسم: طلی اکبر هاشمی رفسنجانی  
ایدئولوژی: "مکتبی" مکتب سرمایه داری  
شغل: زمیندار، بزاز، فروش، عضو شورای اسلامی.

جرم: شرکت فعال در بازاری سازی سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم سرکوب و کشتارگران و زحمتکشان و رعیت به خلقهای قهرمان ایران  
● حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در حالیکه بورس بازاری و زمینخواری ناشی از سرمایه داری و وابسته و دسترنج میلیونها تن از زحمتکشان ما را و حشیا نه می بلعید و صدها هزار تن از کارگران و زحمتکشان در حصر آبدار و حلبی آبادها در حصر خانهای محقر بسر میبردند به شغل انگلی و پرورد آمدیسا و بیفروشی مشغول بود. در اواسط سالهای ۴۰ زمینهای وسیعی در خیابان آزادی (حول وحوش مسجد صاحب الزمان) را ساخت و فروخت. در کرج هم به همین کار مشغول بود. منجمه ساختمانی بانک صادرات مقابل شهرداری کرج را ساخت. همچنین در زمینهای "سالاریه" قم نیز به شغل بازاری و بیفروشی میپرداخت. داشتن باغیای پسته در رفسنجان نیز یکی دیگر از افتخارات ایشان است که معروف همگان میباشد. آقای رفسنجانی طی سفری به خارج کشور در سال ۵۴ کوشید امتیاز نمایندگی برخی از شرکتهای ژاپنی را نیز کسب کند. بنابراین شواهد فوق و یک سرمایه دار و زمینخوار میباشد.  
● طبق اسناد مکشوفه در سفارت امپریالیسم آمریکا رفسنجانی به همراهی رزبی خود بهشتی بطور مخفیانه و دور از چشم خلقهای بیچاره ایران در سال ۵۲ قبل از قیام با ارتش "فره باغی" و سپهبدان صر مقدم رئیس ساواک شاه ملاقات کرده است (نامه دانشجوی سابق "پیرو خط امام" به نشریه مجاهد ۱۰۴) آقای رفسنجانی زمانی به ملاقات و مذاکره و سازش با جلادان خلق های ایران مشغول بود که توده های زحمتکش

## کیفر خواست انقلاب علیه ضد انقلاب

افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب  
جمهوری اسلامی در پیشگاه خلق

ما رژیم شاه را در آستانه نابودی قرار داده بودیم  
● عضویت در شورای با صلاح انقلاب که مرکز تجمع ضد انقلابیون لیبرال و حزبی و امرم گرداننده سرکوب انقلاب و توده ها بوده است.

● تلاش برای منحرف کردن مبارزه ضد امپریالیستی توده ها به سمت فدیت با کمونیستها و سرکوب آنان. رفسنجانی پس از ترور مطهری به وسیله گروه فرقان، آن اقدام را وقیحانه به کمونیستها نسبت داد. اینرا در یک سخنرانی در مراسم که با حضور آیت الله خمینی بهمین مناسبت در قم برپا شده بود ایراد کرد (روزنامه ۱۳ اردیبهشت ۵۸) این عنصر عوامفریب کمونیستها را به "ترور" متهم میکنند توده های نا آگاه را به دشمنی علیه کمونیستها - ایمن دشمنان آشتی ناپذیر سرمایه داری - برانگیزد اما حوادث بعدی مشت اورا با زکردن نشان داد که تروریست و آدمکش رژیم جمهوری اسلامی بویژه حزب ایشان است. ترورهای که رژیم جمهوری اسلامی تا بحال علیه انقلابیون و کمونیست و مجاهدان زحمتکش و رهبران انقلابی خلق ترکمن (توماج، مختوم، جرجانی، واحسدی) و پیکارگران شهید طیب نجم الدین، مسعود مالی را دوغیره به اجرا در آورده ما هیت جنایت کارانه و تروریستی آقای رفسنجانی و حزبش را بخوبی نشان میدهد.

● از بنیانگذاران حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی: حزب جمهوری اسلامی که آقای رفسنجانی از اعضای اصلی شورای مرکزی آن است خیانت های بی شماری مرتکب شده که یکی از آنها مانع از اقدام انقلابیون و کمونیستها، ترور و آدمکشی و قتل عام در کردستان و دیگر مناطق، ایجاد جوخقان و تفتیش عقاید و دستجات مبارزه با احزاب سازمانهای سیاسی، برهم زدن میتینگها با چاقو در زمان تصدی وزارت کشور در آنها نقش فعال به عهده داشته است.  
● ایفای نقش فعال در اجرای انتخابات قلابی مجلس و فرماندهی قانون اساسی ولایت - فقیه که "تصویب" آن ضربه بزرگی به انقلاب بقیه در صفحه ۲۲



### دکتر ابراهیم یزدی

اسم: دکتر ابراهیم یزدی  
ایدئولوژی: لیبرالیسم بورژوازی ضد انقلابی  
تابعیت: تبعه آمریکا (تأقیام بهمن ۱۳۵۷)  
شغل: معاون سابق نخست وزیر در "امور انقلاب" وزیر پیشین امور خارجه نمایندنده ویژه "امام" در امور استانهای سرد پیر سابق روزنامه کیهان، نماینده مجلس شورای اسلامی  
جرم: توطئه علیه انقلاب خلقهای ایران و حفظ و بازسازی سرمایه داری و وابسته و رعیت به منافع خلقهای ایران

● در سالهای خفگان، آنکه که معیار مبارزه و انقلابی بودن در میدان مبارزه محک زده میشد، آسوده بال به آمریکا رفته و در آن کشور مقیم میشود.  
● با داشتن تیتراژ دکتر در روسا و در شهر هوستون (تگزاس) بکار بردن خسته و با اثبات "لیاقت" و "ثابستگی" اش، "افتخار" تبعیت کنشور آمریکا را پیدا کرده و در ای گذرنامه آمریکا میگردونتا برقراری جمهوری اسلامی و قبسول مسئولیت اجرائی وی رسماً آمریکا میبود. موظف به دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا (میگویند) و هنگام خدبای سیورت آمریکا (به کمک یکی از سنا توره ای لیبرال فراهم شده بود آقای یزدی طبق مرسوم پرچم آمریکا را بوسیده و بدان سوگند و وفاداری یاد کرده است.)  
● او جکیبری فعالیتهای انقلابی مسلحانه در ایران از سال ۵۰ ببعدها افتادن نام محاهدین خلق بر سر زبانها او و چمران و قطب زاده را بفرسود استفاده از نام مجاهدین انداخت. آنها گمان می بردند با اصلاح حمایت از مجاهدین و چسباندن خودشان به آنان میتوانند دروی محاهدین تا شریکدارده و آنها را از همکاری با کمونیستها با زدن و رند دیگری آنکه آنان را از نا شیدما رکسیم لنینیسم بعنوان "علم رهایی خلقها در مبارزه با امپریالیسم" منصرف سازند. یزدی کوشید با انتشار نشریه ای

## علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

سبا مجا هذخود را با مصلح بشت جبهه محاهدین معرفی کند ولی بخش خارج ار کشور محاهدین که در آن موقع بوسیله رفقای ما اداره میشد هشدار نهد و در حدی که توان ایدئولوژیست و سیاسی آنان در آن زمان اجازه میداد ما منع چنان سو استفاده ای شد. (رجوع شود به پیکار ۲۸ مورخه ۲۴ دی ماه ۱۳۵۸).

● دکتر یزدی با انتشار ریبیا محاهد در آمریکا (کتاب آن را قطب زاده دریا ریس تکثیر میکرد) با ادعای طرفداری از مجاهدین برای خود دارو - دسته ای سراه انداخت ولی نیروهای انقلابی را هرگز نتوانست بغربید، رفیق شهید مرتضی - خاموشی یکی از کمائی بود که بزودی آنها را رها کرد و به سازمان مجاهدین پیوست (پیکار ۴۴ مورخه ۸ اسفند ۵۸) تلاش یزدی برای منحرف کردن و مشغول نمودن هواداران مجاهدین در آمریکا و جمع آوری امکانات مالی فراوان بنا مجاهدین و صرف آنها به میل خویش داستان طولانی دیگری دارد.

● نقش ضد کمونیستی بردی بویژه پیس از تحولات درونی سازمان مجاهدین در سال ۵۴ و انشعاب عربیان ترکشت و او با مصلح حمایت از "مجاهدین اصیل"، منافقین یعنی کمونیستها را می گوید حقایق پس از دوران قیام بخوبی نشان داده است که این با مصلح حامی مجاهدین اصیل تا چند دهه اندیشه انقلابی مجاهدین وفادار بوده است. یزدی از فردای قیام که در دولت موقت قرا گرفت هرگز کینه توزی خود را بحکم موضع طبقا تیش علیه مجاهدین خلق نتوانسته است لاپوشانی کند. "حما بیت" و در گذشته فرصت طلبانه و مصلح گرایی نه بود و این را هم ووهم چمران و بسیاری دیگر بوضوح نشان داده اند.

● نشریه "پیا" مجاهد "دکتر یزدی و شرکاء" در قبال جنبش خلق فلسطین با حمایت بیدریغ از "حرکت المحرومین" موسی صدر نقش خائنه ای ایفا میکرد (برای نمونه شماره تیر - مرداد - شهریور ۵۵ این نشریه مراجعه شود).

● یزدی تا و جگیری جنبش شده ها در سالهای ۵۷ - ۵۶ بزندگی "رام" به بزرگت تا بیست آمریکا شی اش مشغول بود، وی با اوج مبارزات توده ای برای پیا ده کردن نقشه های ضد انقلابی و خیزدن به "قدرت" به حرکت درآمد.

● دکتر یزدی در پیا یبیز ۵۷، هنگام خروج آیت الله خمینی از عراق و پس از مقدماتی شک برانگیز به عراق رفت و اولین قدم را برای طی "تردسان ترقی" برداشت.

● ایرا هم یزدی هنگام اقامت آیت الله خمینی در پاریس از مشاوران ایشان بود و در اغلب مصاحبه ها نقش مشاور (طاهرا مترجم) را بازی میکرد. وی در بهمن ۵۷ با تفاق آیت الله به ایران بازگشت.

● با انتخاب مهدی بازرگان از سوی آیت الله خمینی به نخست وزیر، دکتر یزدی به "معاونت نخست وزیر در امور انقلاب" انتخاب شد و تمام

اسناد و اوک در اختیار وی قرار گرفت (اسنادی که هرگز فاش نشدند).

● در نخستین روزهای قیام، عسده ای از انقلابیون "سفارت" امیریا لیسیم آمریکا را اشغال و "سولیوان" سفیر آمریکا را با سارت گرفتند، یزدی خائن همرا سرهنک توکل سی مزدور شتابزده در آنجا حاضر شده و بسسه "داد" آمریکا ثامن جاسوس رسیده و سفارت را سا لیمیه آنها بر کردار نند و همسوئی منافع خودشان را با امیریا لیسیم آمریکا در عمل به ثبوت رسانیدند.

● در اوائل بهمن ۵۷، از طرف دکتر یزدی و به دستور آیت الله خمینی هیئتی که شهریار روحانی (دا ما یزدی و سردبیر سابق کیهان) و دکتر جلیل - ضراسی (از همداستان یزدی در آمریکا) و... در آن عضویت داشتند به سرپرستی سفارت ایران در آمریکا انتخاب شدند. آنها با سردمداری یزدی اسناد دروا بط ایران و آمریکا را از آنجا خارج کردند ولی هرگز معلوم نشد که این اسناد به کجا رفتند.

اسناد حقایق آمریکا در ایران و دیگر کشورهای منطقه که در سفارت ایران دروا شنگشت و نیز سفارت ایران در بیروت بود، همه در اختیار یزدی بوده است. او در خدمت به آمریکا و در خیانت به خلقهای ایران و منطقه ای - اسناد را پنهان یا معدوم کرده و یا بهتر بگوئیم به آریا با نشر رد کرده است!

● پس از استعفا ی دکتر سنجابی از وزارت خارجه دکتر یزدی خائن، بجای او منصوب شد تا همه خیانتها ییش در با دعا گسترده تری ادا مدهد.

● دکتر یزدی بی اعتنا به شورا انقلابی مردم و پشتیبانی همبستگی آنان با انقلاب خلقهای منطقه، خائنه از "یوسف العلوی" کفیل وزارت خارجه سلطان نشین عمان در تهران استقبال کرد (روزنامه های ۶ تیر ۵۸) و با رد یکدشمنی اش را با انقلاب خلقهای منطقه و همسوئی اش را با رژیم ارتجاعی و وابسته عمان نشان داد (پیکار شماره ۱۵ مورخه ۱۱ تیر ۵۸)

● یزدی خائن برای آرایش چهره امیریا لیسیم آمریکا و تقویت "روابط ایران و آمریکا" و معرفی آن درویانگ بعنوان "دوست خلق فلسطین" این شما پنده امیریا لیسیم آمریکا را به ایران دعوت کرد (کیهان ۳ شهریور ۵۸ و پیکار ۲۵ مورخه ۱۹ شهریور ۵۸).

● این لیبرال خائن، هنگام تمددی وزارت امور خارجه در کنفرانس کشورهای با مصلح غیر متعهد در کویا شرکت کرده و در بازگشت طی توقیف در آمریکا با مقامات آمریکا شی ملاقات و قرارداد خرید ۴/۵ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا را امضاء نمود.

● او که همواره با پشتیبانی آیت الله خمینی و با استفاده از توهم توده ها در مقابل افشاکری های انقلابیون و کمونیست ها با فحاشی و توطئه موقعیت خود را حفظ کرده بود پس از ملاقات بسا برزیل سکی (مشاور ویژه کاتر) (که با نفسا قی بازرگان در الجزیره صورت گرفت) مورد انتقاد

جناح رقیب قرا گرفت. (صدا لیته "انتقاد" حزب جمهوری اسلامی از موضع ارتجاعی و در جهت تقویت مواضع خودش صورت میگرفت). وی و بازرگان در این ملاقات وعده های "شیرینی" برای امیریا لیسیم آمریکا داده بودند.

● پس از اشغال "سفارت" امیریا لیسیم آمریکا در آن ۵۸ و تشدید جنگ قدرت بین لیبرالهای خائن و "حزب" یزدی خائن تلاش زیادی برای آزادی فوری ۵۲ گروگان آمریکا شی نمود ولی موفق نشد.

● با جریان اشغال سفارت "دولت موقت" بازرگان استعفا داد. اما دکتر یزدی فرصت دیگری برای ادا مه خائنه ها پیش پیدا کرد. در این مورد خود این خائن میگوید: "به خدمت اما رسیدم ایشان تا شید کردند که من حتما مسئولیتی داشته باشم، و وزارت امور خارجه که بعنوان وزیر، چند ماهی در آنجا خدمت کردم مورد تا شیدایشان هست." (با مداد ۲۶ د آسان ۵۸).

دکتر یزدی از طرف آیت الله خمینی بعنوان نماینده ایشان در امور استانی انتخاب شد، اولین ما موریت وی در این مقام، سفر به بلوچستان بود که با تظاهرات اعتراض شدید مردم زاهدان مواجه گشت. (رجوع شود به مقاله "یزدی دزدی که" "مین قافله" میشود" - پیکار ۲۵ مورخه ۳ دی ۱۳۵۸).

● در انتخابات "مجلس شورای اسلامی"، یزدی خائن بعنوان "نماینده تهران" سراز صندوق های رای "در آورد".

● از طرف آیت الله خمینی به سرپرستی روزنامه کیهان انتخاب شد و آن روزنامه به یکی از ارگانهای لیبرالهای خائن تبدیل شد.

● در ادامه و تشدید جنگ قدرت در پیا، آیت الله خمینی برای روزنامه کیهان فرد دیگری که از نزدیکان "حزب جمهوری اسلامی" است انتخاب بگرد. این خائن همچنان مورد تا شید آیت خمینی است و با آیت الله خمینی ملاقات کرد. (میزان شنبه ۲۵ دیماه ۵۹).

آیا خلق قهرمان ما خبا نتهای یزدی لیبرال، دوست و همدست امیریا لیسیم آمریکا را خواهد بخشید؟ طبیعی است که توده ها با انقلاب بیروزمندان آنچنان تودهنی به لیبرالها و حزبیها خواهند زد و آنچنان درسی به دوستانشان یعنی امیریا لیسیم خواهند داد که برای خلقهای دیگر نیز سرمشق گردد.



بقیه از صفحه ۲۳ چیاک چینگ...

چیاک چینگ میپراسد چرا که از این مبارزه طبقا تی جاری وحشت دارد، امید ندا عدا میک ما رکیست لنینیست خشم توده ها را سرا فروخته تر خواهد ساخت و آنرا برای باکانه ترسوی مبارزه انقلابی علیه بورژوازی حاکم سوق خواهد داد. تنگ از اعدا میچیاک چینگ وحشت دارد چون چیاک چینگ سمبولی از مبارزه طبقا تی جاری در چین است.



## هجوم وحشیانه پاسداران به خوابگاه دختران دانشجو

پس از مدتها درگیری وزدو خورد بین اوباشان جمهوری اسلامی و دختران دانشجوی خوابگاه شماره ۳ واقع در ۱۶ آذر که توسط مردم حمایت میشدند و عدم موفقیت اوباشان برای بیرون راندن دختران دانشجو، روز جمعه بعد از ظهر اوباشان و پاسداران جمهوری اسلامی به خوابگاه دختران حمله کرده و بعد از مدت درگیری وزدو خورد و مجروح کردن دختران دانشجو، آنان را از خوابگاه بیرون کرده و مکان زندگی را نیز از آنان گرفتند! پاسداران مردمی را که از دختران دانشجو حمایت میکردند، دستگیر کرده و میکوشند با این اعمال ماسخ حمایت توده ها از دانشجویان شوند! زهی وقاحت وبی شرمی رژیم جمهوری اسلامی با این اعمال ضد انقلابی تنها ساعت مرگ خود را نزدیک میکند. رژیم جمهوری اسلامی با این بیانه که خوابگاه را به آوارگان جنگ اختصا میدهد به آنجا حمله میکند اما این فریبی بیش نیست مردم زحمتکش میبوسند: اگر رژیم واقعاً برای آوارگان دل میسوزاند چرا هتلها و ساختمانها را که عاقل مانده اند برای سکونت به آنها نمیدهد؟ حمله به خوابگاه ها توطئه ای دیگر برای سرکوب دانشجویان انقلابی و آواره و سرگردان نمودن آنها درخیا با آنهاست.

میلیون نفر از مردم مناطق جنگ زده آواره و گرسنه شده اند، دزدان و بوردور از چشم توده های گرسنه ۲۰۰ میلیون تومان از زبیت المال مردم را به جیب امپریالیستهای میریزد. دانشجو: آقای رفسنجانی با این پول که از خون دل کارگران و زحمتکشان و از طریق استثمای آنها توسط سرمایه داران بدست آمده برای پاسداران اسلحه می خرد تا پاسداران در حفاظت از سرمایه داران مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده و نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها را شدیدتر و مجهزتر از پیش سرکوب کنند.

حجت الاسلام رفسنجانی نیز همچون دیگر بااران حنا بیتکارش، دستش بخون کارگران و زحمتکشان و انقلابیون آلوده است، این عنصر فریبکار که معمولاً صحبت خود را با رنگ و لعاب عوامفریبانه و با جملات لفظی به امپریالیسم می آراید در عمل خائنانه، با امپریالیستها عقداً تا دوستی بسته و به سرکوب انقلاب و کمونیستها می پردازد. رفسنجانی از یاران آیت الله خمینی بوده و در زیر چتر حمایت او بر اریکه قدرت تکیه زده است و با جمع کردن مفت - خوران و عوامفریبان بدور خود در مجلس ارتجاعی به تحمیل مردم زحمتکش پرداخته و ضمن سرکوب انقلاب کارگران و توده های زحمتکش را به تن دادن به استثمای سرمایه داران دعوت میکند.



عوامفریبانه از "سازمان امپریالیستی" دم میزنند، اما وقتی پای منافع طبقاتی در میان می آید دست ساز و اخا دیسوی امپریالیستها دراز میکند تا سرعه دستان شماره بیک و آخری - نا پدیدر سرمایه داری یعنی کمونیستها را سنان منحد شوند. دعوت رفسنجانی از امپریالیستها چیزی را نشان نمیدهد جز حمایتین شخصی و دارو سه جزئی اش از امپریالیستها و استثمای کارگران و حتی اروپا در مقابل کمونیستها بگذریم از اینکه عناصری مثل ایثان شوروی امپریالیستی را نیز جزو کمونیستها حساب می آورند! (رجوع شود به افشای پیکار شماره ۶۹)

● - شرکت فعال در بازسازی نظام تکتیک سرمایه داری وابسته؛ او بعنوان یکی از مهره های اصلی رژیم جمهوری اسلامی چه در شورای انقلاب چه وزارت کشور و چه در مجلس ارتجاعی فعالانه در بازسازی سرمایه داری وابسته شرکت کرده و هرگونه حرکت انقلابی برضد این سیستم را به همراه دیگر جناحهای رژیم سرکوب کرده است. ● - شرکت در تمام مخیانها و جناحی که به پشتی و امثال او انجام داده است بطور مثال روشن است که ملاقات بهشتی و موسوی اردبیلی با جاسوسان امپریالیسم آمریکا (قبلاً افشا شده است) هرگز بدون اطلاع آقای رفسنجانی نبوده است.

● - رفسنجانی مژورانه دعا میکند در نظام جمهوری اسلامی افراد ملت با یکدیگر برابرند و در سرفه خارج نخست وزیر شدن رجائی را به رخ میکشد که از معلمی به نخست وزیر رسیده است ولی هیچ سخنی از بازسازی و قوم و قبیله پرستی رایج بعین نمی آورد. هم اکنون آقا زاده ها، دامادها و برادرها و بانوان حضرات بصورت شخصیتهای معتبر جمهوری اسلامی درآمد و امتیازات با داده و البته "معجزه آسای انقلاب" استفاده میکنند. سند حقوق ۱۴ هزار تومان یکی از یارداران رفسنجانی را که زفردای قیام به او پرداخت شده ما در پیکار افشا کردیم. محمد هاشمی رفسنجانی برادر رئیس مجلس به معاونت وزارت کشاورزی و بعد بعنوان مشاور سیاسی نخست وزیر منصوب شده است.

این "خاصه خرجیها و پارتی بازیها" درست درحالی صورت میگردد که کارگران انقلابی و دسته دسته از هواداران نیروهای کمونیست و انقلابی را از کارخانه ها، مدارس، دانشگاهها و ادارات دولتی بیرون میریزند و لی فرصت طلبان بوقلمون مفت، ساواکیهای دیروز و روزیونیستهای خائن را با آغوش باز و البته زیر چتر حمایت یکی از "مکتبیها" می پذیرند. ● - ریختن ۲۰۰ میلیون تومان از دسترنج زحمتکشان به جیب امپریالیستها با بت خریدن اسلحه برای سپاه پاسداران (سند این اقدام ضد خلقی رفسنجانی توسط سازمان ما افشا شد) آقای رفسنجانی اولاً در شرایطی که میلیونها نفر از مردم زحمتکش بیگارا حتی نان خالی برای خوردن ندارند و در حالیکه بیش از ۱/۵

## بقیه از صفحه ۱۹ رفسنجانی...

دموکراتیک ضد امپریالیستی مردم ما بوده ● - رفسنجانی ریاست مجلسی را به عهده دارند که مرکز تجمع عوامفریبان، مفتخوران، ساواکیها و سرمایه داران لیبرال و حزبی و ضد کمونیستهای مرتجع و سرکوبگران کمونیستها و انقلابیون در تمام شهرهای ایران میباشد. مجلسی که ساواکی و سرمایه دار بودن افرادی از آن همچون عسگر - اولادی و معین فرسا و اکی فخرالدین حجازی مجبیزگوی شاه، خلخاللی جلال، دیالمه جادارو... بارها به اثبات رسیده و خلقهای زحمتکش از ماهیت آنها بخوبی اطلاع دارند، بنا براین رفسنجانی کارگردان مجلسی است که توده ها را تحمیل کرده و به استثمای هر چه بیشتر میکشاند.

● - رفسنجانی از جمله کسانی است که در جریان قیام با تمام قوا تلاش کردنیروهای سرکوبگر رژیم شاه را دست نخورده نگه دارد و خود اعتراف میکند که در برابر بخواست توده ها که فریاد میزدند "رهبران ما را مسلح کنید" میگفته است "حالا وقتش نیست" (!) و توده ها را از درم کوفتن قدرت نظامی دشمن ممانعت نمیکرد است. رفسنجانی و دیگرها اصطلاح "رهبران" مسئول ضربات دردناکی هستند که در نتیجه دست نخورده ماندن ابزارهای سرکوب رژیم سرمایه داری وابسته بر پیکار انقلاب خلقهای ما وارد آمد. این موضعگیری رفسنجانی جزئی از برنامه وسیع سازی است که بین جناحهای ارتجاعی داخلی از یکطرف و منافع امپریالیسم جهانی از سوی دیگر در جریان انتقال قدرت از رژیم شاهشن گذشته به رژیم کنونی صورت گرفت.

● - دشمنی با کارگران و دهقانان و زحمتکشان بنا به ماهیت طبقاتی خود با تصویب لوایح و قوانین ضد کارگری و ضد دهقانی در مجلس: آقای رفسنجانی در مقام ریاست مجلس شورای اسلامی قوانین و لوایحی را که بر ضد کارگران و دهقانان و به نفع سرمایه داران و فئودالها میباشد از تصویب خود و همپالکیهای حزبی و لیبرال خود میگذراند.

● - تلاش برای تأمین رفاه ساواکیها و آدمکشان و جلادان رژیم ضد خلقی شاه: حجت الاسلام رفسنجانی گفته است: "ساواکیها هم باید آسایش و رفاه داشته باشند، آنها همانسان هستند" (پاسخ به شونندگان را دیوبعد از ظهر ۲۲ تیر ۵۹) این حنا ب جلادان ساواکی را به چه مجوزی مورد لطف و محبت خود قرار داده است، آنهم در شرایطی که زحمتکشان ستمدیده ما خواهان مجازات و اعدام جانیان ساواکی و جلادان ارتش شاهنشاهی بوده و هستند؟

● - دعوت از امپریالیستها ی غربی برای اتحاد در مقابل کمونیستها: رفسنجانی در ملاقات با سفرای ایتالیا، بلژیک، هلند و ژاپن گفت: "امروز دول غرب، در برابر کمونیسم احتیاج به اتحاد و همکاری دارند" (کیهان سه شنبه ۲۸ مرداد ۵۹) رفسنجانی و دارو دستهای شب و روز

### کنفرانس ارتجاعی اسلامی واهداف آن

کنفرانس سران کشورهای اسلامی بزودی در مکه (عربستان) تشکیل میگردد و دستور کار این کنفرانس عبارت از بررسی تهاجم شوروی به افغانستان، برخورد به جنگ ایران و عراق، رسیدگی به مسئله اشغال سرزمینهای اعراب و... میباشد. اما پرواضح است که هدف قطعی این کنفرانس فراتر از سوار شدن بر تهاجم شوروی است.

درواقع برگزاری این کنفرانس تحت رهبری وهژمونی کشورهای مرتجع طرفدار امپریالیسم آمریکا هدف تحکیم نفوذ آمریکا و منفرد کردن امپریالیسم شوروی را تعقیب میکنند. امپریالیسم آمریکا از طریق رژیمهای سرسپرده - ای چون عربستان و پاکستان - میکوشد تا کشورهای وابسته به امپریالیسم غرب را متحد - تر ساخته و کشورهای متضاد و یا نزدیک به شوروی را بسوی خود متمایل سازد. در دستور قرار داد این بررسی تهاجم و سوسیال امپریالیسم به افغانستان، نقطه اتکای بسیار مهمی است که به آمریکا اجازه میدهد تا از طریق رژیمهای وابسته به خود سیاست خویش را در مقابل بلوچهای شوروی پیاده کند. در واقع امپریالیسم آمریکا میکوشد تا شوروی را منفرد ساخته و حیطه عملکرد و نفوذ خود را گسترده نماید. دورنمای رشد جنبش خلقها و رقابت هر چه افزونتر شوروی و آمریکا می طلبد تا هر یک از این دو قدرت امپریالیستی به وسیله امکانات خود بپردازند.

اگرچه اعضای این کنفرانس ۴۲ کشور اسلامی میباشد، اما در این کنفرانس اخیر مصر، لیبی، چاد و ایران شرکت نمیکند. عضویت مصر پس از قرار داد صلح با رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۹ به حالت تعلیق درآمد. شرکت لیبی و چاد در این کنفرانس مواجهاست با اعتراض وسیع کشورهای شرکت کننده، چرا که اکثر آنان مخالف "اتحاد لیبی و چاد" میباشد و این "اتحاد" را بیفایده و سوسیال امپریالیسم رزبایی می نمایند و بلاخره با پدید آمدن شرکت ایران در کنفرانس با دامن نمودن، اگرچه اکثر کشورهای شرکت کننده میکوشند تا از طریق طرح مسئله جنگ ایران و عراق و طرح راه حلهایی جهت خاتمه دادن به جنگ ایران را به کنفرانس بکنانند، اما ایران ورود خود به کنفرانس را موقوف به عدم حضور صدام حسین نموده است. البته در ایران لیبی و چاد علیرغم حضور صدام خواهان شرکت میباشد، اما خمینی مخالف این شرکت است. البته خمینی و حزبها نیز مایل به شرکت در این کنفرانس آمریکا نمیباشند، اما نمخواهند در شرایط فعلی که از نظر نظامی در موضع ضعف هستند در کنار صدام قرار گیرند. نخرم این کنفرانس از جانب ایران نه به لحاظ ماهیت ارتجاعی



### اخبار ومسائل جهانی

کنفرانس میباشد، بلکه فقط بخاطر موقعیت کنونی ایران در جنگ با عراق است. بناگفته نمائند که رژیم مرتجع سوریه که در کنفرانس قبلی شرکت نکرد این بار شرکت کرده است. شرکت سوریه در این کنفرانس آمریکا می یکبار دیگر ماهیت ارتجاعی رژیم سدر را برملا کرده و نشان میدهد که رژیم سوریه اگر در کنفرانس قبلی شرکت نکرد بخاطر ماهیت "مترقی" آن نبوده است. در ضمن سازمان آزادیبخش فلسطین نیز آما دگسی خود را جهت شرکت در این کنفرانس اعلام نموده است.

### چیانگ چینگ: سبیلی از مبارزه طبقاتی در چین



دادگاه رویزیونیستها و ضد انقلابی حاکم برجین مدتی است که به محاکمه چند تن از کمونیستها از جمله چیانگ چینگ پایان داده است. لیکن هنوز نتوانسته حکم قطعی را صادر نماید، این دادگاه اگرچه برای رفیق چیانگ - چینگ تقاضای اعدام کرده است اما مرتجعین کثیفی چون تنگ سیا شوپینگ هنوز جزات آنرا پیدا نکرده اند که بر تقاضای اعدام کمونیستها مهر تا شیدیزند. تنگ از چه میپرسد؟ پس از سرکار آمدن رویزیونیستها و خائن در چین، اگرچه دولت بورژوازی جدید به سرکوب گسترده ای علیه کمونیستها و طبقه کارگر و توده های آگاه دست زده است، اگرچه رویزیونیستها ما رکیست - لنینیستها را از مراکز قدرت و از جمله از حزب اخراج نموده و به زندان انداخته و مورد شکنجه

روحی و جسمی قرار داده اند، اگرچه ندا انقلابیون مرتد، کمونیستها را به محاکمه کشیده و منسوخ و قبیح ترین اتهامات مرتجعانه قرار داده اند، اما از اعدام کمونیستها وحشت دارند چرا که آنها میدانند توده های آگاه طرفدار کمونیستها میباشد. چرا که میدانند خون سرخ کمونیستها نفرت سنگینی را علیه رویزیونیستها در دل طبقه کارگر و سربازان پرتوده ها میافریزند. رویزیونیستها از اعدام کمونیستها میترسند چون چیانگ چینگ که در دادگاه دلاورانه ایستادگی نمود و رژیم ارتجاعی حاکم را به محاکمه کشیده است، میپرسد: سربازان میدانند که خون سرخ ما رکیست لنینیستها سربازان مبارزه طبقاتی را سیال تر و پرغروش تر می نماید.

از همان فردای کسب قدرت توسط رویزیونیستها و خائن، مقاومت و مبارزه کمونیستها، کارگران انقلابی و توده های آگاه علیه دولت ضد انقلابی تنگ سیا شوپینگ شروع گردید. مبارزه طبقاتی حتی گاه در شکل مسلحانه نمود. علیه دولت رویزیونیستی جویان پیداکرد. اگرچه رویزیونیستها پیوسته مذبحها نه منسوخ کرده اند تا این مبارزه متوقف شده و یا لا فصل پوشیده بماند و تا تیری بر بخشهای وسیعتری از زحمتکشان نگذارد، اما علیرغم این تشکلات ضد انقلابی مبارزه طبقاتی کارگران و توده های آگاه در اشکال گوناگون ادامه داشته و بیش از پیش توده وسیعتری را در بر میگیرد. یک روزنامه رسمی چین بنام "آزادی شنگهای" اخیراً نوشته است: در حال حاضر در غانگهای و دیگر مناطق کشورمان نگرانی میدهند که قابل توجه است. بطور مثال عده ای سعی دارند مملکت را دچار هرج و مرج و بی نظمی کنند و از روشهای انقلابی فرهنگی برای تحریک و ایجاد مشکلات استفاده میکنند. "این روزنامه همچنین می نویسد: "مردم بطرز قویخانه ای به ساختن سبک اقامت کرده اند، علامیه های ضد انقلابی علیه رهبری را بین دیگران پخش میکنند و مشغول سازماندهی شبکه های سازماندهی غیرقانونی هستند." روزنامه های دیگری که در شمال شرقی چین منتشر میشوند اخبار مشابهی را پخش کرده و می نویسند: "تعدادی از این هرج و مرج طلبان به اینجا دشا به در بین مردم پراکنده و علامیه ها و پوستره های مرتجعانه بین مردم پخش میکنند." آری امروز در چین مبارزه طبقاتی ادامه دارد. کمونیستها و کارگران آگاه به افکندن رویزیونیستها پرداخته، به بخش روزگاری شینا به دست زده به سازماندهی توده ها اقدام نموده و در پی هر چه گسترده تر کردن صفوف مبارزه طبقاتی میباشد. آری در چین مبارزه طبقاتی نمرده است. اگر دیکتاتور بی پروا را سرنگون گردیده، اما مبارزه پرولتاریا و کمونیستها برای کسب دوباره قدرت ادامه دارد. و کمونیستها همچنان بر طبق رزم مبارزه طبقاتی میکوبند. آری امروز تنگ سیا شوپینگ مرتجع از اعدام



## کوس رسوائی خلخالی، در فضای جمهوری اسلامی بصدا درآید!

شاهکارهای این حاکم شرع است. در اینجا نام علی کریمی با این مبارزه این از برکت اعتدالی انقلابی و جگیری مبارزه توده‌هاست که دشمنان خلق دست یکدیگر را رویکنند و جنا یا تش را که در دادگاه خلق مسلما مطرح خواهد شد از برده بیرون بیا نندازند. شخصیت‌های با صلاح انقلابی و ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری - و چه زود - ما هیتشان آنکار شده است. روزیروز توده‌های بیشتری می فهمند که اینها با این ما هیت ضد انقلابی و پلیدشان "حق" داشته اند که با کمونیستها و نیروهای انقلابی دشمن باشند و آنرا را به جوخه اعدام بسپارند. "حق" داشته اند که نماینده مجلس شورای اسلامی شوند و "حق" داشته اند که از طرف ریاست جمهوری بریاست سازمان با صلاح مبارزه با مواد مخدر منصوب شوند.

دشمنان خلق را در هر چه مزورانه‌ای که بخود بگیرند پیر حمانه افشا کنیم.



### آوارگان ماهشهر با مصدوره انقلابی، خود را از بادوباران نجات دادند

برای شربا زندگی شدید در ۲۶ آذر ماه، در... های آوارگان مستقر در تربیت بدنی ماهشهر را آب میگیرد. مردم که از این وضع فجیع زندگی بشدت خشمگین و ناراحت بودند در حالیکه بر علیه آیت الله خمینی شعار دادند و "مرگ بر رفسنجانی" و... فریاد میزدند به فرمانداری رفتند. فرمانداری سعی نمود آنها را به "جهاد" و "سیج" پاس دهد و دست بسر نما بد. جنگزندگان تصمیم میگیرند خود اقداما پند او ز فرمانداری به مدرسه مصدق رفته و علی رغم مقاومت مدیر مدرسه در تعدادی از کلاسها مستقر میشوند و سرپناهی موقتی برای خود تهیه میکنند.

مدیر مدرسه که در مقابل آوارگان عاجز شده بود تعدادی از دانش آموزان ناگاه و فالانزرا بر علیه جنگزندگان تحریک میکنند و آب برق مدرسه را بیرونی آنها قطع میکنند. آوارگان در مقابل این تشبثات دست به تظاهرات زدند و فرماندار در مقابل مبارزه آنها عقب نشینی کرده و اظهار میدارد تا زمانی که جایی برای آوارگان پیدا نشود همانجا بمانند و قول میدهد آب و برق مدرسه را وصل کند.

به این ترتیب زحمتکشان آواره توانستند با اتحاد و همبستگی و با عمل انقلابی خود مسئولان رژیم را وادار به عقب نشینی ساخته و موقتا مشکل مسکن خود را حل نمایند.

با تخلیص از "فریاد آوارگان ۱۱" - کمیته خوزستان

میکند. سپس از عملیات تخریب احقا ن... مقبره رضا شاه ۳۵ میلیون تومان از پول مردم زحمتکش ما را صرف ساختمان مستراح های عمومی در شهری نمود. این در حالی بود که بیش از ۳ میلیون بیکار و ۱/۵ میلیون آواره هموطن ما نان بخور و نمیر روزانه شان را ندارند. ۴- آقای خلخالی مثل پهلوان پنبه های قرون وسطی چه ادعای دروغی که نکرد، ادعا های که بعنوان مضحکه های تاریخی دوران جمهوری اسلامی در ذهن مردم مستمذیبه ما خواهد ماند. یکبار در خیال خود هلیکوپتر را به مکتبک فرستاد تا شاه را ترور کند و یکبار "فدائیان اسلام" اش را به تعقیب شاه و فرج میفرستاد و هر بار که دروغش آشکار میشد و قبحانه تر از پیش ادعای خود را تکرار مینمود.

در مورد "مبارزه با مواد مخدر" در نامه که همدست سابق خلخالی به آیت الله خمینی نوشته چنین میخوانیم:

"در سالهای مبارزه با مواد مخدر، آقای خلخالی با تهیه طومارهای جعلی و سفارشی و تلفن ها و تلگرافهای آنچنانی به دفتر امام و دفتر ریاست جمهوری تعدی این پست را بخود اختصاص داد و در این مرحله از اقدامات خودداری تمام مدروغویان عالم و جلادهای دنیا و جانیان معروف گذشته و رشوه گیرها را سفید کرد تا جایگاه لباس پاسداری بر تن نمود و به ملایرو همسدان رفت و در آنجا که حتی بقدریک بال مگس تریاک ویا هروئین کشف نکرد گروهي را به اعدام و زندان محکوم نمود که آنان افراد سابقه دار بوده اند. جالب آنکه از آنجا به من تلفن نمود که فلانی من سید کیلوهروئین تحویل تو دادم تو هم آنها را سوزانده ای و بلافاصله در رسانهای خبری بدروغ پخش نمود که سید کیلوهروئین توسط آقای خلخالی کشف شد."

۴- نویسنده نامه در پایان میگوید: "آقای خلخالی در بیانک ملی شعبه دانشگاه پلیس جنب زندان قصر حسابی به شماره ۷۴۵۰ بنا مخود افتتاح کرده که متاسفانه معرف ایشان برای این حساب جاری خود اینجا نبستم. استعلام فرما شد چند میلیون پول به این حساب واریز شده و در چه مواردی مصرف شده است."

"خلافکاریهای آقای خلخالی را اگر میخواهم متهمین بنام حد شرعی اخذ شوهای کلان بنام مصدوره اموال اعداها و آنچنانی سکونت در خانه ده میلیون با آنها و اسباب دیگران و همچنین استفاده خود و قافیل و دوستان از ماشین های چند میلیونی بیت المال و یکبار گرفتن افراد معلوم الحالی (چون ما شاء الله قصاب که ترورهاهی بدست او انجام شده گوشه های از

نیروهای انقلابی و کمونیستی بارها چهره خلخالی، این "میر غضب و جلاد رژیم کثونی را بارها افشا کرده اند و ما هیت ارتجاعی او را در پس تو فان ادعاها و عربده های که او علیه خانشان رژیم گذشته و با صلاح در مبارزه با مواد مخدر یکبار میبرد برای توده ها عیان ساخته اند اینک "شاهدی" نه از غیب، بلکه از درون خانه از درون رژیم و از درون دستگاہ آقای خلخالی رسیده است. او جگیری مبارزه توده ها در مصوف این "زده ن دریا ش" که انقلاب خلقی ما را به ناکامی کشانند در روز بروز بیشتر میشود و هر یک دیگری را رسوا تر میسازد.

شخصی بنا علی کریمی، سرپرست سابق انتظامات زندان قصر که همگاہ آقای خلخالی بوده و در جنا یا تش و شریک میباشد با او اختلاف پیدا کرده است که ما علت دقیق آنرا نمیدانیم ولی از نامه ای سرگشاده ای که همین شخص خطاب به آیت الله خمینی نوشته و اندکی از جنا یا تش بسپار خلخالی (و در واقع رژیم جمهوری اسلامی) را برملا کرده است چنین بر میآید که آقای خلخالی علی رغم جنا نما ز آب کشیدن و چهره قاطعانه اش علیه ما و کیها و قاطعیتها به چه جنا یا تشی آلوده است. جنا یا تشی که بارها مورد تاشبه آیت الله خمینی قرار گرفته است. در نامه مزبور آمده است که:

۱- "خلخالی هیچگاه از زهمین را "بطریق معقول و معمول" محاکمه نکرد و حتی گاهی در کوتاهترین مدت مثلا در مدت یک ساعت حکم صادر کرده است."

۲- "در کردستان دکتر رشوند سرداری بقا طر نما سازی که به شخص آقای خلخالی گفت بدون هیچ مجوز و دلیل و مدرکی تیرباران شد."

در آن زمان چه دروغها که به نیروهای انقلابی و خلق دلاور کرد نسبت شدند و چه لافا ثلاثی که در توجیه این جنا یا تش خلخالی (که جزئی از رژیم است) قبا فتند! خلخالی خون آشامه سهولت آب خوردن دستور کشتار خلق کرد و خلق ترکمن و خلق عرب و کمونیستها و انقلابیون را صنادر میکرد. خلخالی نه تنها "نور چشم ما" و شاگرد قدیمی او در قم، بلکه خود مجتهد بود و بر اساس ولایت فقیه حق دخل و تصرف در جان و مال مردم را داشت. خلخالی با استفاده از همین "حق" و "موقعیت" بود که فرمان اعدام رفقای ما اشرافی و نیک اندام را نیز در آغا جاری ما در کرده بود.

۳- باغ جهانشاهی در کرج در تخیول آقای خلخالی و با ندم بر بوטה است. آنها در این ساغ زندان دادر کرده و سلاحهای سنگین حتی توپ دو رزن را نیز در اختیار دادند. آتری میلیونها تومان از بیت المال عمومی در دست خلخالسی است و هر طور که میلش تعلق گرفت آنرا خرج

در اینجا ما آخرین قسمت از اطلاعیه وحدت  
رفقای پیکار خلق را درج مینماییم:



**بیانیه**  
**گروه انقلابیون**  
**مارکسیست-لنینیست**  
**(پیکار خلق)**

گفتیم که از یکسوی جنبش توده‌های مردم‌دگرایار  
رو به رشد می‌رود و از سوی دیگر جنبش کمونیستی ما  
دچار ضعف و بحران است، لذا مقدس‌ترین و  
عاجل‌ترین وظیفه در مقطع کنونی از بین بردن  
این دوگانگی میباید. با سخگوشی به نیا زهای  
میرم جنبش در حال اعتلا و انجاء مویظا یف سنگین  
در دستور کار، ضرورت وحدت اصولی نیروهای  
راستین کمونیستی را بیش از پیش نشان میدهد  
امروز جنبش کمونیستی ما یک مرحله از حیثیات  
خود را پشت سر گذاشته و از دوران فعالیت گروهی  
و محفلی به دوران فعالیت و مبارزه سیاسی  
پی ریزی حزب کمونیست وارد شده است. امروزه  
وظایف پیش پای جنبش کمونیستی (اعم از آن  
وظایفی که جنبش توده‌ها آن را مطرح میسازند و  
یا آن وظایفی که مربوط به درون جنبش کمونیستی  
میباشد) آنچنان ابعاد گسترده و وسیعی بخسود  
گرفته که دیگر فعالیت‌های خود را محدود به محفلی  
و گروهی به هیچ روی متناسب با این وظایف  
گسترده نبوده و مهمترین وظیفه ایکه پیش پای این  
نیروها قرار میگیرد، همانا خارج شدن از پوسته  
تنگ فعالیت گروهی میباید، زیرا مضمون اصلی  
این مرحله از رشد جنبش کمونیستی ما مبارزه در  
راه پی ریزی و تدارک فعالیت حزبی میباید.  
تفا دبین وظایف گسترده پیش پای جنبش  
کمونیستی و پوسته تنگ فعالیت گروهی و محفلی  
عملا موجب فرورفتن در خرده کاری، دنباله روی  
از جنبش توده‌ها، اگونومیسیم و تشتت سازمانی و  
عقب ماندگی میگردد، بنا بر این حرکت در جهت  
حل این تفا دودر هم شکستن پوسته تنگ فعالیت‌های  
گروهی و محفلی از طریق تحقق امر وحدت با سایر  
نیروها برپایه یگانگی ایدئولوژیک سیاسی  
می بایست گام نخستین ما قرار میگیرد. بنا بر  
- این ما بویژه تا کید دریم که دوران فعالیت  
- های پراکنده و تنگ محفلی و گروهی به پایان  
رسیده و درجا زدن در این چهارچوب عملا بمفهوم  
در غلطیدن کامل به خرده کاری، عقب ماندگی و  
اگونومیسیم میباید. لذا دیگر نیروها محق نیستند  
که هر یک به تنهایی فقط وظایف گروهی و سازمانی  
خود را به پیش برد و بر این پراکندگی محسوسه  
گذارند.

تنها اذعان به عدم کارائی نیروهای  
پراکنده و اعتقاد به امر وحدت کافی نیست،  
بایستی در راه انجاء هر چه سریعتر آن نیرو  
گذارده، برنا ما را شده و قبل از هر چیز بروسه  
مبارزه ایدئولوژیک را تسریع نموده و بعباد ز  
رسیدن به وحدت نظر بر روی مواضع اساسی  
جنبش کمونیستی، وحدت تشکیلاتی را نیز تحقق

بخشیم.  
ما لازم به بنا کید مجدد میباید که مضمون اصلی  
این مرحله از رشد جنبش کمونیستی مبارزه در راه  
پی ریزی و تدارک فعالیت حزبی بوده و تنها  
زمانی میتوانیم واقعاً نقش پیشگرا را بازی  
کنیم که قادر گردیم فعالیت خود را در تطبیق  
با این مضمون مرحله کنونی در آوریم و غیر از  
این دنباله رو نخواهیم بود.

تا کید زیا دما بر ضرورت وحدت هرگز بمعنای  
تن دادن به هر نوع وحدتی نیست. ما خواهان آن  
وحدتی هستیم که اساس آن قبل از هر چیز وحدت  
نظر بر روی مواضع اصلی جنبش که آن نیز از رستر  
یک مبارزه ایدئولوژیک سیاسی بیرون خواهد  
آمد، که موانع اساسی وحدت را حل کرده و بیه  
مرحله بعدی یعنی وحدت تشکیلاتی منجر خواهد  
شد، میباید، این اساس رسیدن به وحدت  
تشکیلاتی از آن جهت وحدت نظر بر روی مبانی  
عقیدتی است، زیرا پراکندگی کنونی ناشی از  
عدم یکپارچگی ایدئولوژیک سیاسی میباید.

بنا بر این هرگونه وحدت صوری و غیر اصولی  
نه تنها خدمتی به جنبش کمونیستی نمیکند بلکه  
آسیب نیز میرساند، بایستی با چنین متشکله  
شدنی ما نند "اول وحدت تشکیلاتی و سپس  
مبارزه ایدئولوژیک" و... مرز بندی نمود.

همچنین بنا بید وحدت ایدئولوژیک سیاسی  
را مطلق کرده و وحدت تشکیلاتی را منوط به حل  
کلیه اختلافات ریز و جزئی نمود، ما میبایست  
بین دوشوع اختلاف نظر تفاوت قائل شویم؛  
اختلاف بر سر مسائل کلی که اهمیت برنا مای داشته  
و هرگونه کار جدی مشترک عملی منوط به حل آن  
است. مثل اختلاف نظر بر سر مسائل هیت طبقه‌ای  
هیات حاکمه، دوستان و دشمنان انقلاب، مسئله  
رویز بونیسم و سوسیال امپریالیسم.

نوع دوم اختلاف بر سر مسائل است که دارای  
اهمیت برنا مای و درجه اول نبوده و میتوان  
مبنای مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان قرار  
گیرند.  
بنا بر این ما در اینجا با دودیدگاه انحرافی  
در زمینه وحدت مرز بندی میکنیم:  
۱- دیدگاهی که از اختلاف اصولی چشم‌پوشی  
کرده و اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی را جایگزین  
وحدت اصولی مینماید.

۲- دیدگاهی مطلق‌گرای که وحدت را منوط  
به حل همه و هرگونه اختلاف نظر نموده و بدنبال  
وحدت بنا است. دیدگاهی که ما را با ایده‌آلیستی  
بوده و عدل خود را بر واقعیت مبارزه طبقه‌ای  
منطبق نمی‌سازد.

گفتیم که بایستی برای وحدت برنا مانبیز  
داشته باشیم. به نظر ما وحدت جنبش کمونیستی  
یک مسئله عمومی برای کلیه نیروهای م ل می-  
باشد، اما در عین حال وحدت برای هر نیروی  
مشخصی یکسری ویژگیهای مشخصی را مطرح می-  
سازد، هیچ نیروی بدون در نظر گرفتن ویژگی  
- های خود نمیتواند در مسیر عمومی قرار گیرد.  
برای وحدت همچنین بایستی معیار داشته  
باشیم. ما مبارزه ایدئولوژیک سیاسی را حصول  
آن معیارها و مواضع بنا مایستاده و وحدت  
نظر پیدا کنیم، امروز بر روشی بنا بید بر سر این  
نکته تا کید نمود که مرکز ثقل مبارزه ایدئولوژیک  
مبارزه علیه روی بونیسم در تمام ابعادش می-  
باشد، ما در نوشته‌های خود بنا مایستاده و  
معیارهایی را که اصولی و پذیرفتنی آن را پیش  
- شرط وحدت تشکیلاتی میدانیم، بیان کردیم.  
این مبانی و معیارها در قطعنا مه مشترک سازمان  
پیکار و گروه ما آمده و از تکرار آن در اینجا  
خودداری میکنیم.

گروه ما از همان بدو پیدایش در طرح دیدگاه  
وحدت و چشم انداز آن بر اصول مارکسیسم-لنینیسم  
تکیه داشته است. ما همواره بر این اعتقاد  
راخ بوده ایم که اول یکی از مهمترین عرصه -  
های مبارزه در راه ایجاد ستاد رهبری کنشده  
پرولتاریا - حزب کمونیست - مبارزه در راه  
تأمین وحدت بین نیروهای م ل و تانیا  
وحدت بین نیروهای م ل - تنها و تنها برپایه  
یگانگی در ایدئولوژی و سیاست میتواند تأمین  
شود، گروه ما از همان زمان خارج از کشور بر  
گونه دیدگاهی که اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی  
و یاهمکاری و آکسیون مشترک را جانشین وحدت  
ایدئولوژیک سیاسی مینمورد، مبارزه کرده است  
در آن زمان ما بطور جدی و مایستاده نظرات  
اشتلاقی "اتحادیه کمونیستهای ایران" را افشا  
نمودیم و سپس در اردیبهشت ۵۸ مقاله مبسوطی  
در رد نظرات اشتلاقی و اگونومیسیتی "مبارزین..."  
انتشار دادیم.

گروه ما همواره بر این اصل مارکسیستی  
تا کید داشته است که مبارزه ایدئولوژیک خطر سرخ  
اصلی مبارزه در جهت وحدت جنبش کمونیستی  
میباشد.

اگرچه اساسا مواضع و بحثها پرا تیک گرو  
در بر توان دیدگاه مارکسیستی قرار داشته، اما  
با در برخی موارد از این خط عمومی درستی  
منحرف شده ایم. مثلا ما در مایهای اولیه تشکیل  
کنفرانس وحدت از ریا بی تادرتی از آن می -

# پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



میفودیم، مبنی بر اینکه گویا کنفرانس وحدت میتوا نظرفی جهت وحدت جنبش کمونیستی باشد، این ارزیابی ناقص و ابزاف کنفرانس وحدت بیان تنزل دادن اهمیت و نقش مبارزه ایدئولوژیک در تجمع نیروهای مارکسیستی - لنینیستی و در روند وحدت میباشد.

گروه ما توانست در پرتو خط حاکم در گروه این موضع انحرافی را اصلاح کند و در کنفرانس دوم گروه (شهریور ۵۸) ارزیابی خود را چنین تصریح کند:

"... در مورد کنفرانس (منظور کنفرانس وحدت) نبایدستی دچار توهم گردیم که گویا کنفرانس با ترکیب کنونی و احیانا افزایش آن میتواند نتیجه محلی برای وحدت تمامی آنها تبدیل گردد، با هم اکنون چنین محلی است، واقعیت این است که کنفرانس از تشکلاتی بسا مواضع متضاد و متعارض است و وحدت آنها بدون حل آن اختلافات موجود نیست تشکیل گردیده است. (اسناد کنفرانس دوم)

بدین ترتیب ما با تاکید بر اهمیت و نقش مبارزه ایدئولوژیک نسبت به کنفرانس وحدت دیدا انتقادی داشتیم، در ارتباط با تجمع چند نیرو که بعدا با برخی تغییرات و پیوستن برخی نیروهای دیگر بدان "وحدت انقلابی..." را تشکیل دادند، گروه ما در یک موضع دوگانه قرار گرفت؛ از یکسو ما باید محل اختلافات عقیدتی، نظری و تحقق وحدت تشکلاتی برپا بیاورد و ایدئوسیات که تجلی خود را در تدوین برنامه و تاکتیک واحد بازمیابد، وارد این تجمع شدیم و از سوی دیگر مجموعه و یا حداقل اکثریت نیروهای شرکت کننده در این "تشکلات دوران گذار" دارای دید و برنامهای اشتلاف و وحدت تشکلاتی در ورا اختلافات عقیدتی - سیاسی بودند و در نتیجه طریقی که برای دوران گذار ارائه میدادند نیز نمی توانست جدا از تفکرات اشتلافی آنها باشد و ما بدون برخورد انتقادی به چنین طریقی عملا در مقابل آن تمکین نمودیم، ما در تمام مدت زبانی که بیعت بر سر تدوین برنامه و موشی در دستور کار نبود، مجدداً نه در جهت صراحت کلام و بر سر مواضعی که دارای اهمیت برنامه های بودند و معیار وحدت محسوب میگردیدند، مبارزه نموده و آنجا که بیگانگی تشکلاتی در ورا میانسی و معیارهای عقیدتی - سیاسی وحدت در دستور العمل قرار گرفت از آن مجموعه خارج شدیم، اشتقاق درست در این نکته است که ما و ایدئوسیات که عملا بر حرکت مجموعه ای که با دیدا اشتلاف مجتمع شده، ندهانه گذاشته و با این حرکت همراهی نمودیم، بجای اینکه دیدا اشتلافی که نقشی رهبری کننده در این مجتمع دارد، را مورد انتقاد قرار دهیم، ما میبایست می توانستیم در قدم نخست دید و برنامه اشتلافی حاکم بر این مجمع را مورد انتقاد قرار میدادیم.

سومین انتقادی که در زمینه وحدت به گروه ما وارد است همانا نشان دادن یک برنامه دقیق و

فعالیت بر مبنای آن میباشد. اصولاً گروه ما مدتی برنامهروشن برای تحقق امر وحدت نداشت.

ما در عین اینکه دارای دیدگاه صحیح وحدت بودیم، اما مابین برنامه و فقدان عمل نقشه مند ما الزاماً همان دیدگاه و اصول عقیدتی را نیز خدشه دار می نمود و گاه ما را به مواضع اشتلافی نیز میکشاند، و مانع از حرکت و فعالیت مستمر و موثر در جهت وحدت اصولی میشد.

تنها از اردیبهشت ۱۳۵۸ بود که گروه ما توانست با یک ارزیابی نسبتاً دقیق از وضعیت عمومی جنبش توده ای و جنبش کمونیستی و وضعیت گروه، تز به پایی رسیدن دوران گروهی را با برنامه ریزی برای تحقق وحدت قرار دهد.

همانطور که در پیش مشروحات توضیح دادیم، جنبش کمونیستی میهن ما در پیزوسه رشد خود دوران فعالیت محفلی و گروهی را پشت سر گذاشته و فعالیت گروهی و محفلی دیگر به هیچ روی یا سخگوی نیازها و وظایف گسترده کنونی نیست، بر این پایه وحدت بود که مسئله وحدت برای گروه ما غیر از اینکه برپا بیاورد معیار ایدئولوژیک - سیاسی قرار میگرفت، همچنین با فاکتور خارج شدن از محدوده فعالیت محفلی و گروهی مورد برنامه ریزی قرار میگردد، بر این اساس بود که ما در برنامه ریزی برای وحدت اساساً و در درجه اول با حرکت از تز به پایی رسیدن دوران فعالیت گروهی و محفلی به سه تیروی "رزمندگان آزادی طبقه کارگر" و "وحدت انقلابی..." و "سازمان پیکار..." میبایست تماس میگرفتیم پس از اولین تماس (که البته از مواضع رسمی و عمومی آنها نیز قابل درک بود) معلوم گردید که گروه ما با "سازمان رزمندگان..." و "وحدت انقلابی..." بر روی مواضع برنامه های و معیارهای وحدت اختلاف اصولی دارنده بدون حل آنها وحدت اصولی ممکن نیست؛ "با رزمندگان عمدتاً بر سر مسئله سوسیال امپریالیسم شوروی که آن را معیار وحدت عضویت میدانیم و همچنین مرحله انقلاب و حاکمیت خرده بورژوازی مرفه در دولت و با "وحدت انقلابی عمدتاً بر سر همان دید اشتلافی که منجر به شکل گیری این تشکلات شد و همچنین ناشی از آن اختلاف بر سر موضع درقبال قدرت سیاسی حاکم بعنوان حاکمیت ارتجاع و مسئله بورژوازی لیبرال.

اگرچه ما بر سر برخی مسائل با سازمان پیکار را از اختلافات سیاسی بودیم اما این اختلافات از درجه اهمیت به مراتب کمتری از اختلاف نظر بر سر ماهیت حاکمیت سیاسی و مسئله سوسیال امپریالیسم برخوردار نبود، ما همچنین در برنامهریزی برای وحدت و مبارزه ایدئولوژیک در این زمینه بین دو نوع اختلاف نظرتفاوت قابل هشتم، اول اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی که دارای اهمیت برنامه های بوده و لذا توافق بر سر آن معیار وحدت اصولی محسوب میگردد، دوم آن دسته از اختلافاتی که میتوانند

با ایدمبای مبارزه ایدئولوژیک درونی قرار گیرد، اما وجود آنها مانع وحدت نمیشد، وحدت ایدئولوژیک بمفهوم مطلق آن، یعنی بر روی کلیه مواضع و نظرات مطروحه در جنبش، چه آنها نیکه معیار بوده و چه آنها نیکه میتوانند بروسه مبارزه آن در درون تشکلات ایدمباید، ایده آلیستی و چپ روانه بوده، در عین حال کم بها دادن بدان نیز راست روانه و بیانی دید اشتلافی است.

گروه ما و سازمان پیکار رحدوداً شش ماه و مبارزه ایدئولوژیک رفیقانه بر سر مسائل مورد اختلاف را به پیش برده اند، تا آنجا که این مبارزه ایدئولوژیک مربوط به ما میشود نقش فعال و خلاقانه ای را در توضیح و روشن شدن پاره ای از انحرافات درونی ما داشته است، مثلاً ما طی همین مبارزات و اساساً مبارزه ایدئولوژیک درونی بود که توانستیم مواضع انحرافی گروه در مورد مسئله هاداشجویان مبارز و مسئله حقوق دمکراتیک نیروها در آکسیون مشترک و... را مورد انتقاد قرار ده و اصلاح نمائیم.

ما امروز در حالیکه با سازمان پیکار وحدت می نمائیم، اما کاملاً واقفیم که بر روی برخی مسائل مثل ارزیابی از مقام خرده بورژوازی مرفه در پروسه انقلاب دارای اختلاف نظر هستیم، ما معتقدیم خرده بورژوازی مرفه نیروشی است از لحاظ تاریخی بینا بینی که بین انقلاب و ضد انقلاب میخواد و همزمان تقوای خود را در انقلاب قشرا نظریا بگا و همزمان تقوای خود را در انقلاب ضعیف است، این قشرا از یکسو با بورژوازی متوسط نزدیک است که موجب نزدیکی و یادشمنان انقلاب میشود و از سوی دیگر پیوندی با اقشار خرده بورژوازی دارد و دارای تضاد معینی بسا امپریالیسم میباشد، این لایه اجتماعاً بی تعلست ضعیف اقتصاد شیدش، بیعت در مجموع خرده بورژوازی بودن و بطور خاص نزدیکی با بورژوازی متوسط کاملاً ناپیکار و متزلزل میباشد و همواره خطر آن موجود است که بی بورژوازی برود و به اردوگاه مشترک ضد انقلاب بپیوندد و اگر بپولتا ریا در اس انقلاب قرار ندها شده باشد حتماً چنین خواهد شد و امروز خرده بورژوازی مرفه در اردوگاه دشمن قرار دارد، معذالک در تحت شرایط معین دیگری میتواند به اردوگاه انقلاب کشیده شود، ما در همین حال ناپیکاری و متزلزلات شدیداً خود نشان میدهد و تلاش دارد در صفوف انقلاب اغتشاش بپا کند، لذا بدون انفراد کامل ناپیکاری و سازشکاریهای وی، انقلاب نمیتواند به پیروزی برسد، از این نظر برولتا ریا با پیدر مقابل وی کاملاً هوشیار بوده و روشن دوگانه ای در مقابل آن پیش گیرد، در مرحله کنونی بدان برخورد دوگانه نمیشود، بلکه غرض در کل، مرحله استراتژیک انقلاب میباشد.

انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی این









### اگر ریگی در کفستان نیست از چه وحشت دارید؟

دا دگا ها انقلاب اسلامی ارتش طی بحثنامه - ای نسبت به افشگری ها ثی کهنیرو ه های کمونیستی و انقلابی علیه ارتش دست برورده ، آمریکا ، فرما ندها ن مزدوران و روابطی که ارتش جمهوری اسلامی با آمریکا دارا نجام داده اند باصطلاح همداراده و برای نیروهای انقلابی درون ارتش که ایگو نه اسناد را در اختیار سازمانهای کمونیستی و انقلابی قرار میدهد خط و نشان کشیده است .

افشگری های ماودیکرا انقلابیون علیه فریدها ، مدنی ها ، باثری ها ، شاکرها ، علوی مقدم ها و ... همه درست بوده و خود رژیم مجبوره اعتراف به آنها شده است .  
**رژیم افشگری های ما را در قبال روابط**  
ارتش با امپریالیستهای آمریکا ثی و انگلیسی و فرانسوی و خریدار سلاح و قطعات یدکی و مستشار - ان نظامی نمی تواندمتکرسود (پیکار ۸۷) و از توجیه این خبا نثیا پیش مردم عا جزا ست . لذا تهدید میکند باصطلاح "پرسنل خاطی" را بسه "دادگاه انقلاب ارتش" حواله میدهد ، اما پرسنل انقلابی درون ارتش ، آنها که همیای توده های بیا خاسته خلق علیه رژیم و وابسته به امپریالیسم شاه خاشن قیا م کردند ، آنها که سلاح را بسسروی فرما ندها ن سرسیردها رتشی کشیدند ، آنها که از همافرا ن قهرمان آموخته اند که چگونه با پدیده آرمانهای خلق وفا دار بود ، آنها که از زکشتار خلق کرد در برابر می زندند ، آنها که حاضر نیستند رژیم و ارتش آنرا ملی و فسادا امپریالیست بخوانند ، آنها که جنگ بین دورژیم فدا خلقی ایران و عراق را بضرر توده های زحمتکش دوکشور می - دانند و حاضر نیستند همافرا ن جنایات بعثی ها در ایران را در عراق تکرار کنند ، و سرانجا مپرسنل انقلابی درون ارتش که در این نهاد فدا خلقی به فعالیت آگاه هگرا نه و انقلابی دست میزنند و نشریات کمونیستی و انقلابی را بین سربازان و درجه داران تکثیر و پخش میکنند و اسناد دخیانست

### ملاحظات کوتاه

نصفه ا رصفحه ۲۷ اخلاق ...  
مفاع ا رباب خود ، چسان فروش اسلحه شوروی به سا ه را سوجیه میکرد و چنان اصلاحات ارضی شاه را منردسا نه و نمود میکرد که خود رژیم شاه حسرت می خورد! اما بعضی اینکده رژیم شاه در نتیجه او حکمری مبارزات مردم متزلزل شد حزب توده مخالف خوانی را آغاز کرد ، در دوره جمهوری اسلامی همتا وقتی با قدرتمندان طرف بوده در - یوزگی میکرد و بعضی اینکده صندلی فلان مشمول حکومتی شل میشده حزب توده بنیای پارس کردن را میگذارد ، برخورد حزب توده به بازرگان بزدی ، قطب زاده و ... نمونه است . حالا همچنان در خط امام است که از خود ما هم بهتر! راستی اگر از حزب توده بیبرسی نظرش در باره حرفهای که ما علیه شوروی می زند چیست جز این خواهد گفت که ما هم خط خود را تشخیص نمیدهد؟! حزب توده در برابر فساد انقلاب حاکم همیشه نقش گسادی سا مره را بازی کرده است که از هر در بیرونش کنی از در دیگری داخل میاید! اگر روزی مثلا خط امام حاکم بنیا شد حزب چنان پشتکی میزند که شایسته شرکت در امپیک مسکومیشود توگوشی از اول با خط امام "مخالف بوده است!"  
اینهمه در یوزگی در برابر فساد انقلاب حاکم از یکطرف و هاری در مقابل نیروهای انقلابی و کمونیستی از طرف دیگر را به چه چیز جز اخلاق بگ ، بگ پاسبان بورژوازی ، می توان تشبیه کرد!

های رژیم را آگاهانه و جسورانه در اختیار سازمانهای انقلابی می گذارند ، از تهدیدهای "دادگاهها نند بارتش" نمی ترسند ، آنها بسه وظایف انقلابی خود در برابر بردن آگاهیه سیاسی و انقلابی درون ارتش و در ایجا دشورا های پرسنل انقلابی و فادار میباشند ، اینکده قسمتی از متمن بخشنامه حجت - الاسلامی شهری رئیس "دادگاه انقلاب ارتش"!

مسائل سیاسی را ندارند "و پس از توهین و تهدید ا دانشجویان فرمانده گردان را مطلق میکنند و کاپیکار توررا ا زدیوار میکنند ، این عمل با اعتراض دانشجویان روبرو میشود و در نتیجه ۷ دانشجویان اذیت می شوند و موضوع با تهدید و ارباب دانشجویان پایان مییابد .  
آری فرما ندها ن ارتش "اسلام آورده شاه هنوز به ارباب خود وفا دارند و ا زدیدن حتی کاپیکار توررا امپریالیسم آمریکا نیز وحشت ندارند ، آنها نیک میداند که اگر احساسات ضد امپریالیستی دانشجویان و سربازان را خفیه نکنند آتشی بیا خواهدند کرد که این مزدوران نیز در آن خواهد سوخت ، اما این فرما ندها ن مزدور و فاسد که با سرکوب و تهدید بنیعتوان احساسات مبارزه جویانه توده ها را خاموش ساخت!

### مجاهدین مشاطه گری چهره لبرالها!

حداقل چیزی که در تفسیر خیر زیر میتوانی بگوشی این است که برای مجاهدین عیب است به مشاطه گری چهره لبرالها بپردازد ، اینرا با هیچ سرازوی انقلابی نمی توان سنجیده و توجیه کرد گوش کنید:  
مجاهدین ۱۵۵ در ادا مه خبری مربوط به یکی از موارد شکنجه در هوا ز نوشته است:

"پس از آن علی (یکی از هواداران مجاهدین که در معرض شکنجه و ضربات شلاق شرعی حاکم شرع ا هوار قرار گرفته است) همراه سایرین به منزل آقای ظاهری اما م جمعه ا هواز (در حالی که با مشا ور رئیس جمهور در حال خروج بودند) می - روند علی در بیرون از خانه لباس خود را کند و آثار شلاق را به آنها نشان میدهد ، آنها از دیدن این صحنه به شدت ناراحت شده (عجب؟! اووی را به اتاق جنگ نزد آقای بنی صدر میبرد ، علی ما چرا را برای رئیس جمهور شرح داده و آثار ضربات شلاق را نشان میدهد که آقای بنی صدر از شدت ناراحتی چندین بار الله اکبر میگویند و خبرنگاران را دعوت میکنند که از پشت او عکس گرفته و در نشریات منعکس کنند."

مجاهدین چه میدی را می خواهند نسبت به بنی صدر در دل مردم ایجا دکنند ، به کد م توهسم دیگر میخواهند ا من بزندانیا مثل توهمنی که نسبت به امام "ا من زندنیاید و سال بسا کمتر و بیشتر صبر کرد و توده ها و زحمتکشان با ید تا وانش را بپردازند تا رسما با تلویحا پس گرفته شود؟! آیا بنی صدر که خیلی مریح پس از جنایت هولناک اعدا م ۴ رهبر خلق ترکمن گفت "اگر من هم بودم در باره آنها همین رای را میدادم" حق دار دچهره آزا دیخواهی و "فدشکنجه و ظلم" را بخود بگیرد؟! و از آن بالاتر آیا مجاهدین حق دارند به تطهیر دستهای آلوده بنی صدر بپردازند ما میگوئیم هرگز! مجاهدین چنین حقی را ندارند .

از: هماهفت پرستلی نزاچا (هدر صطلی - قوانین)  
به: شیرنه ، انیم (ز)  
موضوع: همبرسی برسیل خاطی وفد انقلاب بد اگاه و انقلاب ارتش  
پد به: همبرسی برسیل خاطی شماره ۱۶۱ - ۶۶ - ۰۱ - ۵۹/۲/۶۹ - دادگاه انقلاب ارتش شماره ۸ - (۱ - ۶۰۰ - ۰۱) - ۱/۲/۶۹ - دادگاه آردید و همبرسی برسیل خاطی حاد آن برسیل خاطی میگرد  
همان پرستلی نزاچا سرعفت ستاد آردیما سن  
لذا در من اینکده اینگونه اقدامات بخوانا و جزو پرسنل متعهد و مومن در نیروها را به جانی نخواهد برد لکن با توجیه به شواطع ، سارک ، بنی ، انا ، کلیه فرماندهان نظامی هم از نیروی زمین در باق عواقیب ژاندر امری شهربانی و شبانه پاسد ارا ن و رسا ن سازمانها و نهادها میباشند از آنجا که با یک ماده واحد مسه - بر او انقلاب کلیه جراثیم نظامی در رابطه با انقلاب در صلاحیت دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران (و ا فدر تهرمان چهار اصر) ص میباشند فرماندهان مسئولیت دارند در صورت وقوع خلفاتش از قبیل موارد نوز ضمن جلوگیری از اطفان مرآتیرا به دادگاه انقلاب ارتش گزارش پرسنل خاطی را به دربار مرکز تحویب دهند .  
دادگاه انقلاب ارتش - جمهوری اسلامی ایران - محمد نری شهری

# تظاهرات انقلابی هواداران سازمان در شهرهای مختلف

## آمل - راهپیمایی برای بازگشایی دانشگاه

هما هنگ با مبارزات سازمان برای بازگشایی دانشگاهها، روز ۲۳ دیماه راهپیمایی پرشوری از طرف "سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار" و "دانشجویان و دانش آموزان هواداران زندگان" در آمل برگزار شد. در این راهپیمایی که حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت داشتند با پلاکاردهای افشاگرانه و شعارهای انقلابی بر علیه هیات حاکمه و امپریالیسم و بر ضد "انقلاب فرهنگی" رجوع و خواست بازگشایی مجدد دانشگاه و پشتیبانی از خلق کمرد. ... توانست توجه وسیع توده ها را برانگیزد. پلاکاردهای راهپیمایی عبارت بودند: "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده بساد پیکار توده ها"، "گرامی باد آمل و"

دلوری زحمتکشان برای بازگشایی دانشگاه ... و ... تظاهرات کنندگان فریاد میکشیدند "تعطیلی دانشگاه توطئه ارتجاع"، "آزادی سیاسی خواسته توده ها"، "بهشتی و بنی صدر در سرکوب خلق متحد و برادر"، "دانشگاهها این سنگر آزادی کثوفه با یادرگردد". ... در همین راهپیمایی متنها ی تبلیغی گوناگونی در رابطه با علت تعطیلی دانشگاه و ضرورت بازگشایی مجدد آن و جنبش خلق قهرمان کرد. ... خوانده میشد. استقبال توده ها برای خرید نشریات و گرفتن اعلامیه ها بسیار گرم و هیجان انگیز بود و حمایت مردم از مبارزات انقلابی برای بازگشایی مجسد دانشگاه میباید.

## مبارزات هواداران سازمان برای بازگشایی دانشگاه در مشهد

هما هنگ با فعالیتهای سرتاسری سازمان در جهت گشودن دانشگاه سنگرمبارزاتی همیشه مستحکم، رفقای ما در شهرهای مختلف برنامهمشکند. در این شهرها با اعتراض به بزننجیر کشیده شدن دانشگاهها بفرارما ختند. در مشهد نیز در روزهای ۲۲، ۲۱ دی برنامهمتبلیغی همراه با بحثهای روشنگرانهمدرعما برعمومی وپخش اعلامیه های در توضیح علل تعطیلی دانشگاه و لزوم مبارزه برای بازگشایی آن از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - خراسان برگزارگردید. در روز ۲۳ دیماه تظاهراتی از میدان تقی آبا دتا دانشکده پزشکی برگزارگردید که با استقبال توده های مردم روبروگردید.

در کلیه این فعالیتها روبرویونیستهای خائن توده ای و "اکثریت" بنا به وظیفه ای که دارند به دفاع از بورژوازی و حمله به کمونیستها می پردازند که با افشاگریهای قاطع رفقای ما روبروشده و نقاب از چهره شان بر گرفته میشود.

نیروهای کمونیستی دیگر، در این کارزار افشاگرانه و مبارزاتی تحریک چندانی نشان ندادند.



## تظاهرات و راهپیمایی رفقای هواداران در زاهدان

۲۳ دی امسال در حالیکه بیش از ۹ ماه از تعطیلی دانشگاه توسط رژیم جمهوری اسلامی میگذرد مبارزه نیروهای انقلابی توده های زحمتکش جهت بازگشایی دانشگاه اوجی دیگر یافت و در همین رابطه اعلامیه ها و تراکت های از طرف سازمان و رفقای هوادار در سطح منطقه پخش شد و همچنین تظاهراتی برگزارگردید. روز پنجشنبه ۲۵ دیماه تظاهراتی از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در چهار راه رسولی زاهدان برگزارگردید. این تظاهرات قرار بود در روز ۲۳ دیماه برگزار شود که به علت توطئه های رژیم و احتمال سوءاستفاده از طرف ارتجاع محلی بویژه مولوی عبدالملک به روز پنجشنبه موکول گردید.

با ردیگر مهتران کید بزنند. این تظاهرات که بیش از یک ساعت طول کشید مورد استقبال زحمتکشان قرار گرفت مردم زحمتکش اعلامیه ها را با علاقه گرفته و در باره آنها بحث میکردند. چند نفر و بان کوشیدند تظاهرات را برهم بزنند که در اثر برخورد اصولی مردم ناکام ماندند. رفقا با شعاری چون "علیه حزب جمهوری علیه لیبرالها، زنده بساد پیکار توده ها"، "خوانین، لیبرالها، جمهوری اسلامی دشمن خلق بلوچ - زحمتکشان ایران حامی خلق بلوچ"، "دانشگاهها این سنگر آزادی، بهمت توده ها، کثوفه با یادرگردد"، "زندانی مبارز بهمت توده ها آزادی یادرگردد"، "به فضای رژیم جمهوری اسلامی و همبستگی با خلقهای مبارز ایران برودا ختند.

بمنقل با اختصار از نشریه بلوچ شماره ۵۸ نشریه تشکیلات بلوچستان

بقیه از صفحه ۸ کارخانه ... دومین مسئله ضرورت افزایش آگاهی انقلابی و طبقا تیمان است، تنها در این صورت است که خواهیم توانست فرق بین دوستان و دشمنان طبقه کارگر را بشناسیم. بخصوص که در شرایط کنونی جامعه ما دشمنان و خائنین به طبقه کارگر در لباسهای مختلف و به اشکال مختلف (همچون عملکرد خائنه روبرویونیستهای اکثریت در کارخانه ها پر)، مشغول تفاق افکنی در میان ما و منحرف کردن مبارزاتمان هستند. مسئله سوم این است که باید تمام دشمنان طبقه کارگر (ا روبرویونیستهای خائن روسی و آمریکایی گرفته تا دارو دسته حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها و نوکران امپریالیسم آمریکا نظیر بندهختیارو...)، مرزبندی بنماشیم. کارگران آگاه و انقلابی وظیفه دارند تا به فضای این خائنین به خلق پرداخته و کارگران نا آگاه و متوهم نسبت به هریک از این مرتجعین را از اشتباه خود خارج کرده و با حوصله و اطمینان را برایشان تشریح نمایند. مثلا به کارگزارانی نظیر آن کارگر کارخانه ها برکه رژیم جنایتکار شاه خائنین را بهتر از رژیم ضد مردمی کنونی میدانست باید توضیح داد: همانطور که کارگران زمانیکه جامعه سرمایه داری برقرار است استثمار میشود و در فقر و تنگدستی زندگی میکند، سرمایه دار و رژیم مدافعش هم وظیفه اش استثمار کارگران و سرکوب مبارزاتشان میباشد. حال هر لباسی که میخواهند به تن بکنند، در اصل مطلب تاثیر نمیگذارد. بنابراین لازم است که هرچه آگاهانه تر میبندند ترمبارزات خود را پیش ببریم!

## بقیه از صفحه ۲۲ با آزادی

مسئله مبارزه با امپریالیسم محلی میشود. اما چنین سخنانی خاشاک نه‌ای جز فریب‌دهنده‌ها نیست چرا که تنها در یک مبارزه انقلابی امپریالیسم را میتوان افشا ساخت و قول و قرار گرفتن نه تنها چیزی را حل نمیکند، بلکه توده‌ها را میفریبند که گویا امپریالیسم قول و قرار سرش میشود، البته ما در اینجا نمیخواهیم در این باره سخن گوئیم، تنها به این اشاره میکنیم که آمریکا حتی این شرط مجلس را نیز نپذیرفت ولی گروهگانش آزاد شدند. در قرار داد میخواستیم: "ایالات متحده آمریکا تعهد می نماید که سیاست ایالات متحده با این است و از این پس این خواهد بود."

ما هم که در پیکار ۸۰ همین را گفتیم، و آنجا که تعهد آمریکا این بوده و خواهد بود! راستی جمهوری اسلامی میخواهد با این اراجیف امپریالیست‌ها توده‌های ما را بفریبند، آیا اگر امپریالیسم دیگر کشورها را زیرا نقیاد اقتصاد سیاسی و... در دنیا وارد، دیگر میتواند امپریالیستی وجود داشته باشد؟ و جالب اینجاست که رژیم جمهوری اسلامی همان اصول خاشاک مجلس را نیز اجرا نکرد.

ب- رژیم جمهوری اسلامی در طی ۱۴ ماه اخیر ادعا کرده که تا آخرین دینار را ممالک شاه را از آمریکا نگیرد سستی هم از آزادی جاسوس‌ها در میان نخواهد بود. ما در همان هنگام گفتیم که این نمیتواند مبارزه ضد امپریالیستی باشد، چرا که تنها نیروی میتواند ادعای مبارزه علیه امپریالیسم کند که با یکا هدا خلیف سرما به - داری وابسته و ارتش و دولت حامی آن مبارزه نماید. اما جالب اینجاست که همین شعار هم که برای فریب توده‌ها مطرح میشد، اکنون - کناری پر شده و نویی در مصاحبه رادیو تلوزیونی - اش در ۲۹ دیماه میگوید، اما ساپولی از شاه در آمریکا نمائنده که بگیریم و بدین ترتیب با زین گرفتن اموال شاه هم عملی نمیشود (و از ما هیئت چنین رژیمی جز اینها انتظار نمی‌رود) جالب اینجاست که دولت جمهوری اسلامی قبلا حداقل ۱۰ میلیارد دلار بعنوان اموال شاه از آمریکا مطالبه کرده بود و بیک کلام، جمهوری اسلامی حداقل ۱۰ میلیارد دلار را به امپریالیسم آمریکا بخشیده است.

ج - رژیم جمهوری اسلامی که تمام سیاسی ادعاها پیش در مورد محاکمه جاسوسان، محاکمه امپریالیسم، قطع روابط اقتصادی و... با امپریالیسم، گرفتن اموال شاه را زیر پا نهاد تا به ما هسل با امپریالیسم برود و با وقاحت تمام ادعا میکند که سپرده‌های ایران را که به یمن نامیمون رژیم جمهوری اسلامی بسیار بسیار "فدا امپریالیست" در ۱۰ ماهه پس از فیا مینزد در تکیه‌های آمریکا نگه‌داری میشود، با زین گرفته است. اما این دروغی بیش نیست طبق گفته‌های خود رژیم ۸۰ ملیا ر دلار و ۲/۲ ملیا ر دلار، دو فقره ز سرده‌های سولی ایران

بود و دو چهار ملیا ر دلار کلا که پولش برداخت شده بود، یعنی جمعا ۱۴ ملیا ر دلار، سولی در مصاحبه ۲۹ دیماه آشکارا اعتراف کرد که ۲/۲ ملیا ر دلار پول و چهار ملیا ر دلار کلا لا فعلا نزد امپریالیسم آمریکا باقی میماند تا با حکمیت حل شود. (یعنی کشتن) و سپس رژیم جمهوری اسلامی با بوق و کرنا اعلام کرد که ۸ ملیا ر دلار به حساب ایران واریز شده است. اما خبری بر نقل از کیهان ۱ بهمن رسوایان را رسوا تر میکند:

"تنها ۲/۸۸ ملیا ر دلار به ایران تعلق گرفت که این مبلغ معادل تقریبا یک چهارم سولی بود که ایران ادعا میکرد در آمریکا متوقف شده است. "بقیه تا ۸ ملیا ر دلار بعنوان غرامت به کمپانیهای امپریالیستی پرداخت شده است به‌همانها که پس از گروهگانیگیری اعلام کردند تحریم اقتصادی به آنها ضرز زده و جمهوری اسلامی باید غرامت سیر داد از آن ۵/۵ ملیا ر دلار ثروت ایران به یمن نامیمون رژیم فدخلقی جمهوری اسلامی به شکم "بانکهای خصوصی آمریکائی و نیزه ۳۰۰ شرکتی که ادعای خسارت کرده‌اند." (کیهان اول بهمن) سرازیر میشود. آیا رژیم جمهوری اسلامی پس از این خیانت آشکار و باج بزرگ امپریالیسم میتواند نتوده هارا بفریبند، آیا از این غارت بزرگتر امپریالیسم بخواب هم میدید؟

آری رژیم جمهوری اسلامی واقعا با گروهگانیگیری امپریالیسم را بزانود آورد آنگاه به مبارزه علیه سرمایه‌داری وابسته و حکومت حامی آن، بلکه بیسنا پرداخت ۲۱ میلیارد دلار باج به امپریالیسم سرکوب انقلاب و کوسن و زامزون در بازسازی سرمایه‌داری وابسته

### سوم: الجزایر و دلال سیاسی

مسئله گروهگانیها، تنها مفت جمهوری اسلامی را با زنگرد، بلکه دولت سرمایه‌داری الجزایر را نیز که به سیستم جهانی سرمایه‌داری وابسته است، رسوا تر ساخت. الجزایر از هیچ کوششی برای ساخت و پاخت ایران و آمریکا و بسیاری ایجا دمقدمات و وابسته تر کردن ایران به آمریکا دریغ نکرد. اسن اولین بار، نبود که الجزایر دلالی میکرد. قبلا نیز او بین رژیمهای ارتجاعی شاه شاهان و صداحسین در ۱۹۷۵ همیسن نقش را بازی کرده بود. خلقهای قهرمان ایران و الجزایر توسطه‌های ننگین دولت ارتجاعی الجزایر در دلالیش برای وابسته تر کردن ایران به آمریکا و نیروی سطلکی میان شاه و مدام را نخواهد بخشید. از رویزیونیستهای خاشاکس توده‌های وفدائی (اکثریت) که مداح بسیاری از رژیمهای سرمایه‌داری هستند، انتظار می‌رود که جز این نمیرود، اما سا زمان مجاهدین خلق با یستی پاسخ دهد، چگونه چنین رژیم زانقلابی و مترقی میداند، سا زمان مجاهدین با یستی پاسخ دهد، نقش الجزایر در این دلالی سیاسی چه بوده و این نقش خاشاک چه ارتباطی با ما هیت سرمایه‌داری دولت الجزایر دارد؟

**چهارم: لیبرالها، از خوشحالی در پوست نمی‌کنند**

لیبرالها که از همان ابتدا خواهان آزادی فیزی گروهگانیها بودند، اینک که جناح حزب ساحت خفت و خوا ری گروهگانیها را با پرداخت باج کلانی به امپریالیسم آزاد ساخته، سروصدا می‌کنند. شده است، لیبرالهای خاشاک جنبه ملی در شماره اخیر ورق باره پیام جنبه ملی سخن از "مبارزه علیه امپریالیسم" به میان آورده‌اند. و راه حل‌های حزبیها برای آزادی گروهگانیها را بضرر مردم میدادند، انقلاب اسلامی نیز در شماره اول بهمن خود ضمن چاپ مقاله سال گذشته بنی صدر اعلان میکند که جناح حزب مسئله را از موضع ضعف حل کرده است. با یدیه توده‌ها بگوئیم، لیبرالها دارند فیلمازی میکنند، آنها برای بدست آوردن موقعیتی بهتر در حکومت به فریبکاری توده‌های می پرداختند و در حالیکه با طس آزادی گروهگانیها در پوست نمی‌کنند و در زوی روانه بهتر با امپریالیسم بسر می‌برند، در تبلیغات خود، طوری وانمود میکنند که از حزبیها "فصل امپریالیست" ترند و اگر حل مسئله گروهگانیها بعد از آنها بود به انداز حزبیها اینقدر "وانمی" دادند. اما توده‌های ما میداند که حزب و لیبرالها هر دو بدترند و هیچیک بهتر از دیگری نیست

### پنجم: چگونه سازش ننگین رژیم را افشا کنیم

در خاشاک با ید بگوئیم که در تبلیغات خویس با یستی بفریبکاری رژیم، جز دروغها و وعده‌های بی‌کیه به توده‌ها داد ما مبارزه علیه امپریالیسم را منحرف کنند و طبق ما هیت طبقا تیش به آن عمل تیز نکرد، به‌زاهد اف‌صد انقلابیش در گروهگانیگیری و همینطور آزادی جاسوسان انگشت بگذاریم، تبلیغ از این موضع که رژیم حتی قراهای مجلس را نیز اجرا نکرد و یا قولهای که به توده‌ها دادا جز ساخت تنها با توفیح کامل علت گروهگانیگیری و ما هیت رژیم با یستی صورت گیرد، در غیر اینصورت تبلیغ جنبه فرمیستی میباید، اگر بگوئیم که مثلا اگر خواستهای مجلس اجرا میشد، اقدامی بحق بود یا مثلا رژیم میبایستی گروهگانیها را محاکمه میکرد و... ما با یستی به توده‌ها توفیح دهیم که مبارزه علیه امپریالیسم به وسیله این رژیم ارتجاعی، بلکه تنها به وسیله دولتی انقلابی ممکن است و بدین ترتیب انتظار داشتیم از چنین رژیم برای کوچکترین مبارزه فساد امپریالیستی در واقع چشم‌پوشیدن از مسر انقلاب توده‌هاست، در بخشها، تظها را ت موضعی و... با یدیه توده‌ها بگوئیم حزبیها چرا گروهگانیگیری کردند؟ لیبرالهای خاشاک چه سیاسی زاندهال کردند؟ چرا این رژیم از گرفتن حتی اموال شاه و سپرده‌های ایران عاجز است و چرا برای سازش با امپریالیسم باج هنگفت چند ملیا ر دلار می‌دهد و آزادی گروهگانیها چرا نتیجه محتوم سیاستهای فدخلقی رژیم نیست؟ آزادی گروهگانیها بیش از پیش رژیم را نزد توده‌ها رسوا ساخته است. با تبلیغات وسیعتر و افشای هر چه بیشتر رژیم بگوئیم توده‌ها را بیشتر و بیشتر جذب انقلاب نمائیم.

# با آزادی جاسوسان آمریکائی: بازی تمام شد

**اول: حزب جمهوری یکد از اهداف افش  
د رگوگانگیری رسید ؟**

سازمان ما، راهمان را و اوائل گروگانگیری  
(علیرغم تنگناهای احزاب راست در روزهای  
اول) همواره اهداف خدا تعالی رژیم جمهوری  
اسلامی از گروگانگیری را اساسا ساخته است. ما از  
همان ابتدا کمین کردیم:

او جکی برای مبارزات توده ها، مبارزات سراسری  
گروگان گیری، جنبش مقاومت قهرمانان خلق  
کرد، جنبش دانش آموزی، رحمتگشایی میسکن،  
صیادان انزلی و... رژیم را به هراس افکند.  
حزب جمهوری اسلامی برای منحرف کردن مبارزه  
سوده ها بر علیه سرمایه داری و استهنگه جسد،  
اما این تمام دلیل نبود. حزب جمهوری اسلامی  
با لیبرالها و آمریکایی غریب و خدشتان در مقابل  
انقلاب دارای اختلافاتی نیز بودند، (این  
اختلاف چیزی جز دعوا مان دردها نبود) و از طرف  
دیگر و حدها من جنبه غالب داشت، شد مبارزه  
طبیعی برای حمله آتشها ساز و زد و بدی ترتیب  
حزب جمهوری برای تأیید کشیدن لیبرالها از  
سرکردگی حکومت و به نفع حوش در آوردن آن  
در پی جا ره بود.

او فکر میکرد با اسفالاته جاسوسی کاغذ  
اهداف خود را برآورده میکند، یعنی با دادن  
سفرهای دروغین غذا میرا بستنی، توده ها را  
می فریبد، انقلاب توده ها سوز و جنبش مقاومت  
خلق کرد را سرکوب میکند و نیز قا در میباید  
لیبرالها را سرکردگی حاکمیت پائین بکشد و  
به آمریکا که بیشتر از لیبرالها حمایت میکرد  
صربت نشان دهد.

# یادداشتهای سیاسی هفتگی

خلو کرد، اما در مدتی بعد جان درار، سوده ها  
دستان آلوده حوس را در سرکوب مبارزات  
گروگان و زخمگشایی، خلق کرد، سرکوب،  
دانشجویان انقلابی و کمونیست، همدست با  
لیبرالها و در حین مافع امیرالیم بدستند و  
در پس دروغهای رژیم چهره کربسروی حاسط  
منافع امیرالیم را ماسده کردند. بدستند -  
ترتیب هر چند حزب سواست خود را بکرسند  
لیبرالهای حاشین سواست سر کرده ها کسبت کرده،  
اما آنطور که خود می بدستند، گروگان گیری به  
کشیدن توده های وسیع برای مدتی در ارسوی  
حزب و خفه کردن انقلاب منحرف کرد و آن  
انقلاب از سر خاکسراها سرکوب، کسب سوار،  
خفگان، رسا و دروغ و ترور لیبرالها و حرسهای  
حاشین زبا نه کسده و میسند، بدستند ترتیب حزبها  
نیز برای مفاصله با آتش انقلاب استکراه حلی  
را که لیبرالها از سش ارا نه میدادند بدستند  
حزبها که می بنداشند با افراش توهم توده ها  
بهرتر میسود سرمایه داری و اسهرا با زساز  
کرد استکراه می بدستند که خود گروگانها که  
موجب تره شدن روابط امیرالیم با ایران  
گردد (هر چند که امیرالیم همچنان مخازن توده  
از طریق سرمایه ها و استهنگا رگوان و رحمتگان  
ما را غارت کنند) و تره ساقتمان دی و... را بدستند  
دانشه، بر سر حکم و نسیست رژیم سرمایه داری  
و استهنگه امیرالیم میگردد، از انرو و تصمیم  
به آزادی گروگانها گرفتند، استکراه سر کرده حدید  
حاکمیت سوار دست روابط خود را با امیرالیم  
عادی سازد و از سرخی مافلغهای خود تا آمریکا  
بکاهد، چرا که صنایع و استهنگا من اسلحه به

حاشین روابطی و تحکم سرمایه داری و استهنگه  
غارت زخمگشایی احصا داشت،  
حسین بود که جمهوری اسلامی به خفت سار -  
سربانان تهن داد، تا ما زس خاشنا سهای  
را برای وابستگی بیشتر نه امیرالیم تدارک  
ببیند.

## دوم: باح ۲۱ میلیار دلار جمهوری اسلامی به امیرالیم آمریکا

دروغ، در کنگرا اختلافاتی که بر سر شیوه  
سرکوب (حما و یوجا ق و نانا شبرینی) و بر سر  
سوهان زساری سرمایه داری و استهنگا من حزب  
ولسرا لیا و آمریکا یعنی میان دشمنان  
سوده ها وجود داشت، مسئله اصلی که همواره چه در  
گروگان گیری و چه در آزادی کردن گروگانها  
سعیوان قانون اصلی مشخص میشود، ضدیت  
حاکمان قدرت با انقلاب است. در آزادی گروگان -  
گیری این مسئله بصورت منحرف کردن مبارزات  
توده ها بر علیه سرمایه داری و استهنگا، ارتش و  
دولت حاکمی منافع امیرالیم و فریب توده ها  
طلوه کرد در حالیکه استکراه این مسئله بصورت  
ساری نتگن با امیرالیم برای خرید سلاح  
را امیرالیم (برای کسب زخمگشایی خلق  
کرد و انقلاب سون و نسیست مدین سرتش جنگ غیر -  
عادلانه کنونی) و نیز گسترش روابط استهنگا -  
گوانسده اقتصادی برای سراه انداختن صنایع  
و استهنگه سرمایه داری و استهنگا حجام  
میسود. و در این رابطه حتی ما حتی گران نیز به  
امیرالیم یعنی مقدمه ای برای وابستگی  
بیشتر به امیرالیم و ساری نتگن برداخت  
میشود.

آمریکا که از ما هب طبقاتی رژیم  
جمهوری اسلامی اطلاع داشت و حفظ و حراست  
منافع را در ایران (سرمایه ها و صنایع وابسته)  
بدست حرسها و لیبرالها ماسده میکرد، میدانست  
که جمهوری اسلامی برای سروسامان دادن به  
سرمایه داری و استهنگه هر خفتی تن مدهد و  
بدین ترتیب شرایطی را بر رژیم جمهوری اسلامی  
تحصیل کرده که سار نتگن تر و خفت سار ستر از  
سوابق مجلس شورای اسلامی بود اما قضا در مورد  
"ها هو بیسار بر سر هیچ" بودن خواهشهای  
حشر مجلس شورا برای سازش با امیرالیم  
سخن گفته ایم (سنگار ۸۵)، استکراه من مدهم  
که چگونه در ساری بزرگ جمهوری اسلامی با حسی  
بزرگ به امیرالیم میباید زد و خاشنا نتگی بزرگ  
و تارخی را بنا خود به نسیست سراسر اند.

الف - در افشای خواهشهای حقیر مجلس شورا  
کفتم که درخواست آزادی آمریکا که قول و قرا میدهد  
که در ایران دیگر دخالت نمیکند، چیزی جز خاک  
پائین به حشم توده ها نیست، چرا که بدین ترتیب  
به توده ها گفته میشود با قول گرفتن از امیرالیم  
بقیه در صفحه ۳۱

### قابل توجه نشریات محلی سازمان

رفقا! در سراسر سبکار، ارگان مرکزی  
سازمان، سرخی افشاگر سبها و مطالب مهم و  
حساس تبلیغی را با ۳ ستاره مشخص میکنم  
با معدادا بوسله رفقا در سراسر سرکوب  
کرددولی نشریات محلی کمین آتشها را  
نهنگس میکنند، از رفقای مسئول نشریات  
محلی میجو هم که در نکسر مطالب ساره -  
دا رجما اقدام کنند.

# مبارزه با امیرالیم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست